

حواله را نهد و بر رئیس مستقیم خود رجوع کند و اگر ما در اینجا چنانکه آقای حاج شیخ اسماعیل فرمودند تصریح میگردیم که آن مأموریکه حواله باو میرسد مستقیماً با وزیر مالیه طرف شود اسباب هرج و مرج در اداره نمیشد پس بایستی امین مالیه قوچان این مطلب را بر رئیس مستقیم خودش که پیشکار مالیه خراسان است اطلاع بدهد و پیشکار مالیه خراسان هم بما فوق خودش اطلاع میدهد و همین طور هر مادونی باید بما فوق خودش مراجعه بنماید تا برسد بوزیر مالیه و اینکه میگویند پیشکاران مالیه باید بیکدیگر رجوع کنند عرض میکنم بعد از اینکه گفتیم پرداخت حوالجات از وظائف خزانه داری است البته باید از خزانه داری سؤال کنند و خزانه داری از وزیر مالیه سؤال میکند که این حواله باید پرداخته شود یا نباید پرداخته شود اگر وزیر مالیه دفع اشکال را کرد بسیار خوب و اگر نکرده آنوقت آن مأمور بتکلیف خودش عمل کرده است

رئیس - در این ماده هم مخالفی نیست ؟ رای میگیریم آقایانیکه ماده ۷۲ را تصویب می کنند قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند و ماده ۷۳ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷۳ - دادن اطلاعات راجعه بجزه و جمع های مالیات های نقدی و جتنی و عایدات خالصجات اداره کل تشخیص عایدات از تکالیف پیشکاران و امناه مالیه است

رئیس - در اینجا هیئتطور مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۷۳ آقایانیکه ماده ۷۴ را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند و ماده مزبور تصویب شد)
مخبر - ماده ۷۴ چون مربوط بماده ۱۶۸ است استدعا میکنم در آن شور نشود و بماند تا تکلیف آتماده معلوم شود

رئیس - ماده ۷۵ قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷۵ - اگر شکایت کنندگان از ادارات مالیه و ولایات تقاضای رسیدگی در محل نمایند وزیر مالیه میتواند دستور دهد که مجلسی مرکب از چند نفر از معتمدین محل در تحت ریاست یکی از مأمورین دولت که صلاح بداند برای تحقیق تشکیل شود باظهارات طرفین رسیدگی نمود صورت مجلس نوشته بوزارت مالیه بفرستد تا از ادارات مربوطه و بامحکمه مالیه بحکم لازم صادر شود

رئیس - در این ماده ایرادی هست یا نیست؟
حاج شیخ یوسف - قانون اساسی که ما میگیریم سند حکومت ملی و مشروطیت ماست از روزی که بر سر وجود آمده است هدف سهام دشمنان و گاهی هم دوستان شده است بنده مناسفانه ملاحظه میکنم اصل ۷۱ متمم قانون اساسی تصریح میکند که مرجع تظلمات عمومی دیوان عدالت عظمی یعنی دیوان خانه عدلیه است در این شور بنده مشاهده میکنم که مجلس شورای ملی معاکمات مالیه را بداره مالیه تخصیص داده است یعنی يك قسمت از معاکمات را تجزیه کرده ایم و بداره مالیه رجوع نموده ایم بنده هر چه فکر کردم که چه جهت داشت و مقضی چه بوده که تظلمات مراجعه بامور مالیه مردم بمحکمه مالیه تخصیص شده است و يك محکمه جدیدی از برای آن تأسیس شده و چون بنظر رسید مردم آمال خودشان را در این می بینند که مملکت ایران عدلیه داشته باشد و تمام امورات آنها راجع بعدلیه باشد و گمان میکردند که اگر شخصی بپادشاه مملکت طرف باشد مرجع تظلم پادشاه عدلیه است و همچنین بکس و بنده تصور می کنم که يك اصل قانون اساسی ما اگر چه اسم نبرده ایم که تقض شده ولی هملا آن را نقش کرده ایم و گمان می کنم یکی از اسباب نسخ قانون ۲۳ جورا که باعث شده مجلس شورای ملی آنرا فسخ کرد و تظلماتی بود که اهالی بلاد از تجاوزات مأمورین مالیه نسبت بفرودشان می کردند بواسطه اینکه مردم در ولایات مرجع تظلمی نداشتند بنده عرض می کنم اگر ما امروز در مجلس شورای ملی تصویب بکنیم که در ولایات يك معاکماتی از برای رسیدگی بتظلمات مردم از مأمورین مالیه باشد حقیقتاً میتوانم عرض کنم

این مأمورین لباسها را عوض کرده واسامی را تغییر داده اند و اینها نیستند مگر همان مأمورینی که در دوره چنگیز بودند و آن میرغضب باشی ها و نسقچی باشی ها که در دوره پیش بودند و حالاً مأمورین مالیه هستند و گمان میکنم اگر از برای مردم مرجع تظلمی نباشد ملت بکلی از مجلس شورایی مأیوس شوند و معذالك کلبه هر چه برای تأسیس محکمه مالیه در مرکز مقتضی و موجب بوده باقوی داشته واسم آن در ولایات و ایالات مقتضی است و باید محکمه مالیه در در ولایات و ایالات هم تأسیس شود لهذا بنده پیشنهادی از طرف خودم و آقایانی که شربك عقیده بنده هستند در این باب بمجلس تقدیم میکنم اگر مجلس شورای ملی به نحویکه موجب مزید بودجه و خرج مملکت نشود تصویب کنند خیلی بوقوع است برای این که مرجع تظلمی از برای مردم در ولایات باشد.

مخبر - اگر چه شاید وظیفه بنده نباشد عرض کنم این قضیه را در يك جلسه عرض کردم که نمایندگان محترم هیچوقت نباید حکم کلی در باب کلبه مأمورین دولت بکنند البته در تمام طبقات خوب دارد و بنده هم دارم لهذا نمیشود حکم کلی کرد و گفت تمام مأمورین دولت بد هستند و قسمت اخیر فرمایشات و دلایل آقام مخالف بآن فرمایش اول ایشان است که فرمودند مرجع تظلمات مطابق قانون اساسی دیوان خانه عدلیه است و مجلس می خواهد برسد قانون اساسی رفتار کند و يك محکمه خصوصی تشکیل بدهد بعد خودشان فرمودند که باید محکمه مالیه در ولایات و ایالات تشکیل شود و مقدمه بنده عرض می کنم تشکیل يك محکمه مالیه منافات ندارد با اینکه مرجع تظلمات عدلیه باشد یا نباشد آن از يك نقطه نظر دیگری است و چون موضوع بحث قانون اساسی نیست بنده داخل در آن نمی شوم والا خوب میتوانم ثابت کنم که مقصود مقنن يك چیز دیگری است و ربطی با این قضیه ندارد و بالاخره باید خودشان تصدیق کنند که هر اداره ممکن است بواسطه خصایص اداری خودش قائل بیک معاکمه اداری بشود و آنوقت باید يك کارهای بآن رجوع شود که محکمه عدلیه بهیچوجه صلاحیت رسیدگی در آن را ندارد و اما آن قسمت ثانوی که فرمودند چرا در ولایات محکمه مالیه تشکیل نمیشود این يك چیزی است که بودجه مملکت ما اجازه نمیدهد و تصور میکنم اگر اوضاع بودجه ما اجازه میداد در اینجا بکنفر مخالف نمیشد و همه میگفتند در ولایات و ایالات هم باید مثل مرکز محکمه مالیه باشد و بنده از طرف خود و نمایندگان اطمینان میدهم که اگر این حرف در اینجا زده میشد فوراً قبول میشد و چه از این بهتر که همین طرز در مرکز محکمه مالیه است در ولایات هم برای رفاهیت حال مردم بیک محکمه جزء تشکیل شود و محکمه مالیه مرکزی است تا بفرستد که بکلی و ملی فقط بیکانه چیزی که مانع است و ما نمی توانیم به تشکیل معاکمات مالیه در ولایات موفق شویم ضیق بودجه است ممکن است بعضی جواب بدهند که محکمه موظفی نباشد و از معتمدین محل مجلسی تشکیل شود ولی عرض میکنم معتمدین محل هیچوقت

صرفه دولت را ملاحظه نخواهند کرد و همیشه حق را بآن کسی میدهند که از اداره مالیه دولت شکایت میکند و بالاخره يك احقاق حق نسبی و يك خسارت مالی بدولت وارد میآوردند فرسورد بیکه شاید توجه مردم باز یاد عایدات است بای نخواستن آنوقت مجبور خواهیم شد که يك معاکم رسمی تشکیل کنیم و مأمورین رسمی دولتی آنجا بگذاریم این راه بودجه اجازه نمیدهد پس ما مجبور بودیم که اکتفا بکنیم بشکل معاکم مرکزی و باز هم باین اکتفا نکرده اکتبیم ممکن است در ولایات که دسترسی بمحکمه مرکزی نداشته باشند يك کاری کرده باشیم که در ولایات حق مردم از بین نرود و اقلاً وسیله اجرای مردم در اظهار هرایض خودشان موجود باشد و بکلی وسیله احقاق حق آنها از میان نرود این بود که نوشتم مجلس در ولایات تشکیل شود و بشکایات مردم رسیدگی کند بلی اگر باعلا درجه از نقطه نظر احقاق حق نگاه کنیم مقصود حاصل نمی شود بلی از نقطه نظر عدلی و صرفه جوئی اگر ملاحظه کنیم شاید هر دو مقصود منظور شده باشد در برای این تریبون خیلی کلمات قشنگ ممکن است اظهار شود ولی در خارج وقت بیکه داخل عمل شدیم بواسطه بی بولی اجراء نشود.

رئیس - اینجا مخبر اظهار کردند که تکلیف ایشان نیست جواب ایشان را بدهد تکلیف بنده هم نیست جلوگیری کنم چون ایشان از مأمورین دولت طرف نبودند میبایستی دولت حاضر باشد و جواب ایشان را بدهد و در نظامنامه داخلی هم چیزی نوشته نشده که اگر و کلبی برای متوجه کردن موکلین بطرف خودش بعضی الفاظ عوام پستندانه بگوید رئیس جلوگیری بکند اگر باید رئیس جلوگیری کند باید بکساده بشکایت نامه داخلی افزود که بعد از این آقایان و کلاه نظفهایی که فقط برای جلب توجه موکلین که در روزنامه نوشته شود و بواسطه روزنامه در ولایات منتشر شود و اسباب توجه موکلین بطرف خودشان کرده بینمایند جلوگیری نماید بنده گمان میکنم خیلی اسباب عدم رضایت آقایان و کلاه باشد (اغلب تصدیق کردند) و در خانه هم راجع بقانون اساسی عرض میکنم در اصل ۷۳ متمم قانون اساسی نوشته شده است که تعیین معاکمه عرفی بسته بقرار داد قانون است آن اصل را خوب بدملاحظه میفرمودید و این نطق را که بسیار بیجا بود نمیفرمودید.

بدون اینکه از حقوق مقرر قانونی امتناع نمایند از اداره تجدید باو حمله کردند تقریباً ده من تریاک او را هم از تریاک قلم یا غیر قلم بردند و واسطه کار آن شخص هم بنده بودم بنام ادارات متظلم شد هیچیک از ادارات رسیدگی باینکار نکردند بواسطه غیر مشروع ده من تریاک او بکلی از میان رفت این يك واقعه بوده است که خود بنده دیده ام اما در خصوص اینکه میفرمایند نسبت بمأمورین دولت بی احترامی میکنم بنده نسبت بمأمورین دولت بی احترامی نمیکنم بلکه محترم میشمارم و بساکمال احترام دعا و ثنا خواهم گفت نظر بنده بواقعیات است و نسبت باشخاص نیست مسلم است در این دوره انقلاب ایران تمام مردم بیکدمه برای کار پیدا شده اند این اشخاص که فعلاً مأمورین دولت هستند چه در امور مالیاتی و چه در سایر ادارات بنده میخواهم بدانم این اشخاص در کدام يك از مدارس عالی تحصیل کرده اند و در کدام يك مدرسه حقوق بوده اند که بوظیفه خود عمل نمایند و رعایت حقوق دولت و ملت بشود بنده وظیفه خود میدانم که حقوق ملت و دولت را حفظ کنم و همچنین مأمورینی که در اولین قدم در خدمت بدولت و ملت داخل میشوند بایستی حتی الامکان حقوق دولت و ملت را محفوظ بدارند بنده عرض می کنم وظیفه فرد فرد ما این است که حقوق دولت و ملت را محفوظ بداریم و هر قانونی را که مقتضی مملکت بدانیم وضع کنیم و اگر چنانچه این قانون در يك موقعی مقتضی مملکت نباشد نقض کنیم پس بنده عرض میکنم هر چه موجب مقتضی و مسبب بوده است که مجلس تجویز کرده است در مرکز برای رفع تجاوزات مأمورین مالیه و رفع تظلم از مردمان ادارات مالیه تأسیس شود امروز مقتضی است که در ولایات هم شعبه آن را تأسیس نمایم که به تجاوزات مأمورین مالیه رسیدگی شود و حقوق مردم تضییع نشود اهالی ولایات و ایالات هم ابانه این مملکت هستند البته باید حقوق آنها محفوظ باشد

رئیس - گویانما که کافی است رای میگیریم در ماده (۷۵)
حاج شیخ یوسف - پیشنهادی کردم بفرمایند قرائت شود
(بعضیون ذیل قرائت شد)
ما امضاء کنندگان ذیل ماده الحاقه راجعین پیشنهاد بنماییم:

ماده الحاقه - برای رسیدگی بشکایات مراجعه بمأمورین مالیه ایالات و ولایات در غیاب انجمن ولایتی و الایتی مجلسی مرکب از رئیس عدلیه و بکنفر دیگر از رؤسای ادارات و نمایندگان حکومت و دو نفر تصدیق از طرفین تشکیل و رسیدگی بشکایات میشود حکومت محلی رای هبت را بوقوع اجراء بکنفارد و هرگاه یکی از طرفین از معاکم محلیه شکایت داشته باشد استیفاً بمعاکمات مالیه مرکزی رجوع مینمایند (امضاء ۱۶ نفر از نمایندگان)

مخبر - چنانچه عرض کردم این قبیل پیشنهاد ها خیلی خوب است ولی مناسفانه خیلی اشخاص هستند که این قبیل پیشنهاد ها را که بعقیده خودشان خیلی خوب بنظر میآید پیشنهاد میکنند بدون این که ملاحظاتی مالیه مملکت را کرده باشند و بعضی اشخاص

هم که نظریات خصوصی دارند یعنی میدانند که مالیه مملکت اجازه نمیدهد که امروز این قبیل پیشنهاد ها بشود این پیشنهادها را میکنند راست است که آقایان و کلاه وظیفه خودشان حفظ حقوق ملت و حصول رفاه عامه مردم است ولی يك وظیفه مقدس تر از آن است که با آواز بلند بگویم که آن حفظ مالیه مملکت است زیرا اگر مالیه مملکت محفوظ باشد مردم رفاهت نخواهند داشت پس بنا بر این آقای حاج شیخ یوسف قبل از آنکه آن پیشنهاد را بفرمایند خوب بود يك نظر مخصوص در مالیه مملکت می فرمودند بعد این پیشنهاد را میکردند و بنده همین نظر نمی توانم این پیشنهاد را قبول کنم استدعا دارم تصدیق بفرمایند برای این معاکم که میخواهند در تمام ولایات و ایالات تأسیس شود چقدر بول لازم دارد بعد از آنکه مایول آن را تهیه کردیم یعنی مالیه مملکت ما اجازه داد آنوقت بعداً این اداراتی که در مرکز بجهت مالیه معین شده است در ولایات هم شب آن بر قرار خواهد شد در صورت نبودن سایرین از چه مریبانیم مخارج آن را متحمل شویم پس باین نظر امروز نمیتوان يك همچو پیشنهادی را قبول کرد حالا بسته برای مجلس است.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - با پیشنهاد مخالف اولاد در يك قسمت این پیشنهاد که راجع بتعیین مأمورین نوشته شده است معلوم نیست مأمورین را کی تعیین خواهد کرد. ثانیاً منحصر میکنند بر رئیس عدلیه در صورتیکه ما در دهات و بلوگات عدلیه نداریم در تقاطیکه عدلیه هست چهل پنجاه نغصه است در صورتی که در مملکت ایران اگر حساب کنیم یقیناً هزار و دویست نقطه میشود که مأمورین تعیین هستند لهذا در این مورد ابتدا این پیشنهاد شامل آنها نیست از طرف دیگر همان طوری که آقای مخبر اظهار فرمودند چیزی که ما را از این تأسیسات باز داشته است همان عدم مالیه است و دیگر آنکه معاکمه آنها را نسبت بعدلیه داده اند در صورتیکه مطلقاً شباهتی بعدلیه ندارد. این معاکمات يك قسم از معاکمات عرفی است همانطوریکه در قانون اساسی هم نوشته شده است که معاکمات عرفی رجوع برف میشود مثلاً اگر يك مأموری سه تومان مالیات زیاد گرفت این يك چیزی است که راجع برف است مربوط بعدلیه نیست و هیئتوری که در ماده نوشته شده اشکالی ندارد لهذا این مطالب و اطلاعات از مدنظر مالیه است نمیتوان واگذار بعدلیه کرد و نه بآن معاکم موقتی که نه دوسیه و نه دفتر و نه نظامنامه و فصولی دارد و نه بیک مراجعه میتوان بآن بکنند باید بیک کسی رجوع شود که در جزئیات و کلیات این امر کلاً اطلاع داشته باشد اما از بابت عدم بودجه همان طوریکه بنده پیشنهاد کردم در جزو آن قانون نوشته شد میتواند در آنجا بعنوان تحقیقات يك مجلسی بکنند و بر کراطلاع بدهند علی حال ما در خود عدلیه که مد نظرمان عدالت است مجبوریم که معاکم صلحیه داشته باشیم در صورتیکه در بعضی نقاط فقط يك معاکم ابتدائی داریم و در پنج شش نقطه معاکم استیفاً لازم داریم و همینطور محکمه تیز که فقط در طهران يك محکمه تیز هست در حالیکه ممکن است بگویند در خراسان هم باید يك

محکمه تیز داشته باشیم و همچنین در کرمان هم یک محکمه استیضاف باید باشد کم کم این مطلب را وسعت بدهیم و بگوئیم چرا در فلانجا محکمه ابتدائی نیست فلانجا که محکمه ابتدائی دارد باید محکمه تیز هم داشته باشد که مردمان بیچاره از ده منزل بیست منزل میآیند در محکمه تیز طهران مانده قائل هستیم که باید تمام ایالات و ولایات و حتی حکومت نشینهای جزه هم شعبه ادارات باشد که اهالی مملکت در رفاه باشند ولی از یکطرف ملاحظه میفرمائید که بودجه اجازه نمی دهد پس بواسطه عدم بودجه صرف نظر میکنیم لهذا همان ترتیبات مقدماتی را که واگذار کردیم بامورین دولت بهتر است بجهت اینکه در بعضی جاها ممکن است که بعضی مأمورین که میخواهیم تعیین کنیم موجود نباشد مثلاً می توانیم بگوئیم حکومت فلان محل یا کار گذار یا دیگری را بگریزیم در امور مالی دخالت کنند لهذا تعیین مأمورین را بعهده وزیر مالیه واگذار کردیم و وزیر مالیه هم بستمین محل واگذار میکند آنها تحقیقات خودشان را می کنند و اطلاع میدهند بنابراین تصور می کنم که آنقدر ما لزوم نداشته باشد داخل در جزئیات بشویم این ادارات جدید که مرکز تأسیس میشود برای این است که در صورت رسیدگی بحساب های مأمورین مالیه و یا تجاوزات و یا شکایات از ایشان بشود و دیگر اینکه تمام حساب های ولایات از صورت حسابهای جاری و بودجه ها و جزو بدهی طهران می آید و در طهران رسیدگی بمنمایند پس اداره تشخیص ایامات و اداره تطبیق الحوالات یا دیوان محاسبات برای مرکز لازم است ولی از برای ولایات عجلتاً لازم نیست باین لحاظ همینطور که نوشته شده بهتر است زیرا بعد از تحقیقات مقدماتی رجوع بتهران خواهند کرد بعد حکم آن صادر خواهد شد و بنده این راه را الاجرائ می دانم تا پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف و بایشتهادی حاج شیخ یوسف مخالفم زیرا این پیشنهاد خیلی مشکل است و یک نتیجه عملی هم بر او مترتب نیست و موجب اشکالات زیاد خواهد شد و در هر جائی یکطور حکم خواهند کرد یکجا عدلیه حکم خواهد کرد یکی مأمورین دیگری بشکل دیگر مثلا وقتی که انجمن های ایالتی و ولایاتی بوده با اینکه مواد مختصه برای انجمن های ولایات نوشته شده بود مگر دیده شده که در بعضی از کار ها که از وظائف انجمن خارج بود مرتکب می شدند و بعضی تفصیلات در قانون می کردند گاهی در عدلیه مدخله می کردند گاهی در امور مالیه تصرفات مینمودند لهذا نظامنامه نوشته شده که مطابق آن رفتار نمایند که یک خلاف قانونی پیدا نشود که هر نقطه دون نقطه دیگری نظر های مختلفه نباشد لهذا بنده بهترین ترتیبات را همینطور که نوشته شده است می دانم

رئیس - رای می گیریم در این ماده العاقبه آقای حاج شیخ یوسف آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند.

(عده کتیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رای می گیریم بپاده قیام نمایند

(عده کتیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۷۶) قرائت

می شود .

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۷۶ - وظایفی که در این قانون برای مستخدمین مالیه مقررات شامل تمام مستخدمین داخلی و خارجی خواهد بود این نکته در ضمن کنترلات مستخدمین خارجی باید قید شود والا آن کنترلات از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - در ماده ۷۶ مغالطی هست؟ (اظهاری نشد) رای می گیریم بپاده ۷۶ آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند

(عده کتیری قیام نمودند)

(ماده ۷۶ تصویب و ماده ۷۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷۷ - این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی و رسیدن بصدقه های یونی بوقوع اجراء گذارده می شود

رئیس - در این ماده مغالطی هم نیست (مخالفتی نشد) رای می گیریم آقایانیکه ماده ۷۷ را تصویب می کنند قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد بعضی از مواد هست که ارجاع بکمیسیون شده است را بپورت آنها برای جلسه بعد حاضر خواهد شد عجلتاً چیزی که در دستور هست پیشنهاد های راجع بودجه است که مذاکرات آن در دو جلسه قبل شده و بنا بود امروز رای بگیریم چهار نقره پیشنهاد شده بود یکی از آقای مدرس و یکی از آقای حاج شیخ اسدالله و یکی هم از آقای وقار السلطنه و دیگری از آقای سردار معظم در جلسه گذشته قرار بود پیشنهاد آقای سردار معظم نماینده خراسان را مأخذ قرار بدهیم و سایر پیشنهاد ها را جزو اصلاح محسوب بداریم آقای سلطان - العلماء هم پیشنهادی کرده اند فراموش کردیم عرض میشود ولی گو با خارج از موضوع باشد اصلاحات قرائت میشود بعد رای میگیریم

(پیشنهاد سردار معظم بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بودجه ها نسبت بتأسیسات قدیمه آنچه از کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی میگردد موقتاً بوقوع اجراء گذارده شده و بودجه تأسیسات جدید موقوف الاجراء بماند تا از تصویب مجلس بگذرد

(پیشنهاد آقای مدرس)

پیشنهاد میکنم هر مبلغی از تأسیسات قدیمه در کمیسیون کسر شده اجرا شود و هر چه زیاد شده چه بر تأسیسات قدیمه چه بر تأسیسات جدید موقوف الاجراء باشد

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله هم همان پیشنهاد آقای مدرس است

(بعضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که بودجه هایی که از کمیسیون مجلس میگردد هر بودجه که نسبت به سابق کسر شده موقتاً بوقوع اجراء گذارده شود و هر بودجه که نسبت سابق زیاد شده موقوف برای مجلس باشد که بودجه ها بمجلس آمده و در مجلس رای داده شود

(پیشنهاد آقای وقار السلطنه)

این بنده پیشنهاد مینمایم که بودجه تأسیسات جدید عدلیه که از کمیسیون بودجه گذشته از اول میزان هذالسنه بوقوع اجراء گذارده شود

رئیس - این خارج از موضوع است پیشنهاد درم شاید بوضوح نزدیکتر باشد

(پیشنهاد دوم آقای وقار السلطنه باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد مینمایم در صورتیکه تا چهار ماه دیگر بودجه کل بمجلس نیاید و جمع و خرج مملکت معین نکرده پس از یکماه وزارت مالیه به هیچ یک ادارات دولتی با استثناء زاندار مری و نظمی مجاز نباشد دیناری حواله بدهد تا جمع و خرج مملکت معین گردد و بودجه ها از مجلس بگذرد

رئیس - اینهم خارج از موضوع است پیشنهاد بنده پیشنهاد مینمایم که از امروز تا یکماه دیگر اگر بودجه کل بمجلس نیاید و جمع و خرج مملکت معین نکرده پس از یکماه وزارت مالیه به هیچ یک ادارات دولتی با استثناء زاندار مری و نظمی مجاز نباشد دیناری حواله بدهد تا جمع و خرج مملکت معین گردد و بودجه ها از مجلس بگذرد

رئیس - اینهم خارج از موضوع است فقط چیزی که میماند پیشنهاد آقای مدرس و آقای سردار معظم است پیشنهاد آقای سردار معظم بپاره های راجع بودجه است که مذاکرات آن در دو جلسه قبل شده و بنا بود امروز رای بگیریم چهار نقره پیشنهاد شده بود یکی از آقای مدرس و یکی از آقای حاج شیخ اسدالله و یکی هم از آقای وقار السلطنه و دیگری از آقای سردار معظم در جلسه گذشته قرار بود پیشنهاد آقای سردار معظم نماینده خراسان را مأخذ قرار بدهیم و سایر پیشنهاد ها را جزو اصلاح محسوب بداریم آقای سلطان - العلماء هم پیشنهادی کرده اند فراموش کردیم عرض میشود ولی گو با خارج از موضوع باشد اصلاحات قرائت میشود بعد رای میگیریم

(پیشنهاد آقای مدرس)

پیشنهاد میکنم هر مبلغی از تأسیسات قدیمه در کمیسیون کسر شده اجرا شود و هر چه زیاد شده چه بر تأسیسات قدیمه چه بر تأسیسات جدید موقوف الاجراء باشد

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله هم همان پیشنهاد آقای مدرس است

(بعضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که بودجه هایی که از کمیسیون مجلس میگردد هر بودجه که نسبت به سابق کسر شده موقتاً بوقوع اجراء گذارده شود و هر بودجه که نسبت سابق زیاد شده موقوف برای مجلس باشد که بودجه ها بمجلس آمده و در مجلس رای داده شود

میکند بدون این که نتیجه بگیرند این بود که میخواستیم یک رسوبتی و قانونیتی بآنها بدهیم ولی در سایر بودجه ها این دقت البته خواهد شد که چیزی اضافه نشود و (۱۸) نفر از آقایان نمایندگان که اعضاء کمیسیون بودجه هستند البته نظر مجلس را تعقیب خواهند کرد و چیزی بر مخارج نمی افزایند که در مقابل آن عایداتی نباشد و بودجه تمام وزارت خانه ها را مطابق نظریات مجلس تصدیق خواهند کرد فقط راجع بعدلیه چون یک عایدات مستقیم معینی دارد اگر مجلس تصدیق کنند آن بود به ها که از کمیسیون بودجه می گذرد بوقوع اجراء می آید ضرر ندارد اگر چه آقای رئیس فرمودند که نمیتوان تخصیص به بودجه عدلیه داد و موضوع مذاکره کلیه بودجه هایی است که از کمیسیون بودجه می گذرد ولی چون تصور می کنم بودجه کل که پیش از یکماه یا دو ماه طول میکشد که از مجلس بگذرد بجهت این که بنده دیروز در کمیسیون بودجه دولتی بودم و خیلی تأکید شد که هر چه زودتر بودجه ها را بیورند بکمیسیون بودجه مجلس و گمان می کنم که بعد از ده یا نوزده روز این بودجه ها بکمیسیون بودجه مجلس خواهد آمد بنابراین اگر تصویب شود بودجه موقتاً بوقوع اجراء گذارده شود و این ۳۰ هزار تومان که مانده بود بکنیم دراصل از تصویب نکردن بودجه عدلیه صرفه داریم وقتی که تماش را تقسیم بماند بکنیم می بینیم که در هر ماه بیش از سه چهار هزار تومان تحویل نشده و پیش از اینها هم از سایر بودجه ها قائمه ملحوظ شده است بواسطه این که از بودجه سایر وزارت خانه ها کسر شده است و اگر از برای گذشتن این بودجه ها مجلس این رای کلی را بدهد همین که بودجه ها از کمیسیون بودجه مجلس گذشت بوقوع اجراء می آید بنده آقایان و کلارا مطمئن می کنم که یک فقره مضارح فوق العاده از کمیسیون نخواهد گذشت

حاج عز الممالک - چون اتفاقاً بنده در این موضوع در کمیسیون در اقلیت بودم در اینجا مخالفت خودم را عرض می کنم در اینجا مذاکره میشود که آیا این رای که داده میشود راجع به تأسیسات قدیم است یا تأسیسات جدید بنده عرض میکنم من اگر چه در تأسیسات قدیم و جدید هست همان طوری که در پیشنهاد آقای سردار معظم توضیح شده است یک بودجه هایی هست که تا بحال معمول بوده است و وزارت مالیه خودش را مکلف میدانست که آن بودجه تصویب کند که بپردازد و اداراتی بودند که وزارت مالیه مرتباً بودجه آنها را می پرداخت این بودجه ها بکمیسیون بودجه دولتی پیشنهاد شد در آنجا به کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی آمد و کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی باین نظری آن را تصویب ننموده لازم است که خاطر آقای مدرس و آقای حاج شیخ اسد الله را مستحضر سازم که اساس و پیشنهاد ایشان با پیشنهاد آقای سردار معظم موافق است ولی در عبارتش بنده مخالف هستم برای اینکه کمیسیون بودجه دولتی حق زیاد کردن بودجه را ندارد که پیشنهاد کرده بودند آنچه راجع بکسر است بوقوع اجراء می آید و آنچه را که زیاد کرده اند بوقوع عمل می آید غیر اینطور نیست برای

اینکه یک بودجه که دولت پیشنهاد میکند کمیسیون بودجه مجلس می آید بکمیسیون بودجه حق ندارد رای بدهد که بر آن بودجه که سابق بوده چیزی اضافه شود و هر رای که داده شده است راجع بکسر است و پیشنهاد آقایان مدرس و حاج شیخ اسدالله هم اگر چه همین است ولی عبارت کافی نیست و عبارت آقای سردار معظم کافی تر و بهتر است و اداراتی که بودجه معینی نداشته چیزی نیست که ما بتوانیم قبول کنیم و بنام عدالت یک بودجه آنرا بگذاریم و بگوئیم که باید بودجه عدلیه تصویب شود و سایر بودجه ها بهمان ترتیب بماند و اگر بخواهیم تأسیسات تازه را هم کلیه تصویب کنیم یا بواسطه حاضره نمیتوانم وزیر مالیه توضیح خواهند داد که امسال چقدر بر عایدات مانک وارد شده است در این صورت بنده هیچ سزاوار نمیدانم در اینکه مایک تعمیم دیدی نسبت بودجه خودمان بکنیم و این یک رای است که ما بجهت خوش آمد خودمان میدهیم ولی بوقوع اجراء نخواهد آمد برای اینکه یک اداراتی هستند مثل نظمی و ژاندارمری و دربار سلطنتی همین طور اگر اسم نبرده شود مجلس شورای ملی یعنی خود آقایان نمایندگان خوب مسبق هستند که جزء آن بودجه های معمولی بوده هنوز پرداخته نشده حالا اگر ما برای تأسیسات جدید که دولت دونظر گرفته است بودجه تصویب بکنیم بوقوع عمل نخواهد آمد و همانطور که در جلسه قبل آقای سلیمان میرزا توضیح دادند اگر رای بدهیم تازه دچار (گرو) اجراء عدلیه میشود و باید از حالا شروع کنیم بشکایات وارده که از اجراء عدلیه می رسد زیرا تا بحال کسکه بودجه نداشته اند شکایت نمی کردند حالا که بودجه گذشت البته حق شکایت پیدا میکنند همینطور وزارت معارف یا بودجه سوار هائی که تازه وزارت داخله برای حکام پیشنهاد میکنند و همینطور نسبت به نظام و سایر وزارتخانه ها همینکه ما بگوئیم کمیسیون بودجه هر بودجه را که تصویب کرد بوقوع اجراء باید هیچوقت بوقوع عمل نخواهد رسید و مالیه مملکت کفاف نخواهد داد که با این مخارج مقابله کند و این بودجه ها را میپردازد و اگر بخواهیم بودجه را که مینویسیم عملی بشود بوقوع عمل بیاید باید تصدیق کرد که بودجه هایی که تا بحال معمول بوده بوقوع عمل بیاید و اضافه از آن موقوف الاجراء بماند تا بودجه کل بمجلس می آید و تصویب شود و همین دای نفاق در رای ما را وادار میکند که زودتر بودجه کل مملکت بمجلس بیاورند و هیچ مانعی هم ندارد بنده تعجب میکنم که چرا نباید بودجه کل مملکتی بمجلس بیاید و آیا میترسند که اگر امروز رای موقوف الاجراء بودن آن بودجه ها را بدهیم موقوف الاجراء ابداً خواهد ماند بنده عرض میکنم هیچ انتظار نیست بقیقه بنده خیلی سهل خواهد بود چنانچه اطلاع دارم بودجه کلیه حاضر است بودجه وزارت معارف و بودجه عدلیه و نظام را ظاهر کمیسیون تصویب کرده و تمام بودجه ها را کابینه آقای مشیرالدوله پیشنهاد کرده بودند و فقط چیزی که باقی مانده بود بودجه وزارت داخله بود که باید وزیر داخله بمجلس پیشنهاد کند و اگر مجلس شورای ملی تصویب کند بودجه هایی را که کمیسیون تصویب کرد بوقوع اجراء می آید شاید قدری بر بودجه تعمیم

مکنیم که بالاخره درنهایت و دچار هزار اشکال بشویم

رئیس - آقایان خاطرشان مسبق است که آنچه لازم مذاکرات بوده در جلسات گذشته بعمل آمد و امروز نطقی که کرده میشود توضیح در پیشنهادهایی است که شده است آنهم مختصر و گمان میکنم مذاکره کافی باشد

مدرس - پیشنهاد را قرائت کنند

رئیس - در در قرائت کنند

مدرس - پیشنهاد آقای سردار معظم را قرائت کنند به بنده ما به اختلاف عبارت پیشنهاد ایشان با پیشنهاد بنده چیست

(پیشنهاد آقای سردار معظم مجدداً قرائت شد)

مدرس - خوب است آقای سردار معظم توضیح بدهند که ما به اختلاف پیشنهاد بنده با پیشنهاد ایشان چه چیز است اگر اختلاف در عبارت باشد بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم بواسطه اینکه مقصود یکی است

سردار معظم - در اصل مطلب اختلافی نیست بجهت اینکه مقصود آقای مدرس و بنده این است که کلیه دوائر و اداراتی که سابقاً بوده است و دولت یک بودجه برای آنها قائل شده است بودجه آنها نباید بکمیسیون بودجه مجلس و در آنجا هم چنانچه آقای حاج عز الممالک فرمودند کسر می شود نه اضافه و تأسیساتی که موجب خرج باشد نمایندگان نمیتوانند تصویب بکنند در این صورت فهر از بودجه ها در کمیسیون کسر می شود و بنده چون در کمیسیون بودجه بوده ام و ترتیب را میدانم دیگر مقید باین شرط نکرده ام آقای مدرس میدانند که حتی آن بودجه هایی که کسر میشود بوقوع اجراء گذارده شود چون بنده خوب میدانم چیزی اضافه نخواهد شد پس بنا بر این بین پیشنهاد بنده و پیشنهاد آقای مدرس در اصل مطلب هیچ مغالطی نیست فقط مغالطی که هست در عبارت است حالا اگر پیشنهاد خودشان را پس می گیرند مختارند

مدرس - پس بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم

رئیس - پس فقط پیشنهاد آقای سردار معظم می ماند

معاون وزارت عدلیه - اگر چه پس از آنکه آقای رئیس این فرمایش را فرمودند تصور میکنم که دیگر محتاج بنداکره نباشد چون قصد از مذاکره این است که تبادل نظری شده و یک نتیجه کلی کشف شود و این کشف مطلب یک پایه باشد برای اخذ یک تصمیمی و در صورتیکه نمایندگان محترم با یک تصمیم قطعی وارد این مجلس شده باشند باین لحاظ اگر توضیحاتی عرض کنم زائد است فقط عرضی که در راجع باین پیشنهاد است و بنده خالی از اشکال نمی بینم و اگر میگفتند بودجه های تأسیسات جدید بماند صحیح بود ولی اگر این پیشنهاد راجع بکسر باشد مطلب خیلی مشکل میشود بجهت اینکه بودجه ها تهیه شده در کمیسیون تعدیل شده و بعضی نظریات جدید در آن بودجه ها شده است و متلاً یک ماده از بودجه مرکز فعلاً آنقدر اضافه

شده است و اگر بنا باشد اینطور رای بدهند مشکل میشود در اینجا يك تكلیفی لازم می آید آن تكلیف این است که رای بدهند تا سبب قیامی با آن تغییرات که داده اند اجرا شود و تا سبب جدید اجرا نشود اگر فقط نظر مجلس این است خوب است توضیح بفرمایند و اگر نقطه نظر آن است که بودجه های قدیم همانطوریکه مجزا بوده مجزا شود بنده گمان میکنم مشکل باشد در این صورت اشاره کردن باینکه آن بودجهها که معمول بوده لازم نباشد ولسی قبل از اینکه بروم بجای خودم دیگر بر نگردم و هیچ توضیحی ندمم خودم را مکلف میدانم که يك مرضی بکنم و آن این است البته نامدنی که مجلس شورای ملی فاصله خواهد داد باین تشخیص بودجه کل و تصویب قطعی در آن نباید از وزارت عدلیه تقاضای يك مسئولیتی نسبت بدو اثری که رسماً برای آنها بودجه تصویب نمیکند داشته باشد و وزارت عدلیه مجبور خواهد بود که عدلیه های ولایات را مطلع کند در این صورت چگونه ممکن است که وزیر عدلیه را مسئول قرار داد و منظور ممکن است توضیحاتی که هر روز مجلس مقدس از وزیر عدلیه میخواهد بتواند جواب بدهد و البته بهیچوجه این مسئولیت مورد نخواهد داشت.

رئیس - اینکه راجع به تصویب آقایان و کلا فرمودند بنظر ما با اسباب اطمینان موکلین آنها باشد بجهت اینکه معلوم میشود قبل از اینکه نمایندگان مجلس بیایند دارای يك تصمیمی هستند و قبل از وقت يك مطالباتی میکنند و بعد در مجلس رای میدهند و تهمید عقیده از برای آنها حاصل نمیشود

معدل الدوله عرض میکنم اینجا يك اشکالی پیش میآید لازم میدانم عرض کنم جزو بودجههایی که فردا پس فردا بمجلس خواهد آمد يك بودجه است راجع به تشکیلات وزارت مایه و تشکیلات وزارت مایه مطابق آن اساس که سابق بود که بودجه اش بالغ بر چهار کرور بود و کمیسیون بودجه دولت که نظر در آن بودجه کردند تقریباً بحدس آن مبلغ رای داده شد و خبردارم که وزیر مایه اوقاتشان را در این دو سه روزه کاملاً صرف این کار کرده اند و در این مطلب يك نظر تام و تمامی گرفته که صورت بودجهها را هر چه زودتر بمجلس بفرستند حالا که ما این رای را میدهم بودجهها باید مطابق ترتیب قدیم رفتار شود آنوقت بنده نمیدانم این تاسیس را در جزو تاسیسات قدیم فرار خواهیم داد یا جزو تاسیسات جدید خواهیم گرفت و موقوفه الاجراء خواهیم گذاشت همان بودجه سابق را معمول خواهیم داشت بنده هرگز نمیتوانم باور کنم که بکنفر راضی شود که بودجه سابق بموقع اجراء گذاشته شود و خسارت کلی بدولت وارد شود پس باید در این باب توجه و دقتی کرد و عرض میکنم منتهی مدنی که بودجه کل بمجلس می آید اگر در ماه یا سه ماه بشود تا اینصورت دولت نمیتواند در مقابل بعضی نظریات سیاسی که عرض کردم ماهی دو یا سه هزار تومان خرج فوق العاده داشته باشد و این فقط راجع به بودجه عدلیه است و دیگر در هیچ بودجه مخارج فوق العاده ذکر نخواهد شد و این بودجهها که تصویب خواهد شد بانظر اقتصادی و ملاحظاتی کم کردن تاسیسات برای پیشرفت کار خواهد بود و مملکت اگر چنانچه این رای در این پیشنهاد داده

شود نمیدانم آنوقت بودجه وزارت مایه با این تشکیلات چه صورت پیدا خواهد کرد که تشکیلاتش را تغییر داده و طوری دیگر کرده اند مگر اضافه آن اعضاء سابق بنده بهر حال باید رفع این اشکال شود.

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد .

مدرس - برای رفع اشتباه توضیح دارم

رئیس - هر کس يك حرفی بزند و يك اشتباهی توییده میشود در ضمن رفع آن اشتباه باز يك شخص دیگری حرف میزند باز اشتباه دیگری حاصل میشود و اسباب اشکال میشود حال آنکه اگر کافی است یا نه مطمئن است رای میگیریم آقایانیکه مذاکره کافی میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - کافی نیست حالا هر قدر میخواهد مذاکره کنید.

ناصر الاسلام - بنده مفصلاً در این باب نظریات و عقیده خود را عرض کردم و نظر نمایندگان را که فرمودند راجع باین پیشنهاد نمیتوانم رای بگیریم تصدیق میکنم زیرا عنوان تاسیسات که در اینجا ذکر شده است راجع به تشکیلات مایه در اینجا مذاکره شد و گذشت و رای داده سرو دست با بنده معارضه نکنند و در هر موقعی که میخواهند ترمضاتی بکنند خوب است تشریف بیاورند پای میز نطق و حرف بزنند

رئیس - حرکت دست و اعضاء بمن را که نمیشود مانع شد

ناصر الاسلام - مقصودم این است که اگر می خواهند جواب بنده را بدهند یا حرکتی را که جواب ندمم

رئیس - حرکت سردابیل بر جواب کسی نمیشود البته در حرکت اعضاء آزاد هستند .

ناصر الاسلام - بسیار خوب حالا که آزاد هستند بنده هم بعد ها همین طور جواب آقایان را خواهم داد حالا راجع به همان موضوع عقیده خودم را عرض میکنم

اگر بخواهند باین نظر رای بدهند کمیسیون تطبیق حوالجات را که در تشکیلات مایه رای دادیم دارای بودجه است ممکن است این قانون در طرف دوسه هفته بصحبه همایونی برسد آنوقت باید اجراء شود و در اینصورت در آنوقت دچار مشکلات خواهیم شد چون موضوع مذاکرات امروز بودجه عدلیه است بنده ناچارم عرض کنم که لازم است مأمورینی بولایات فرستاده شود و مأمورین لایق کافی بدون بودجه نخواهند رفت وجود عدلیه امروز در خیلی از نقاط ایران لازم است و از خیلی مشکلات که نمی توانم جزئیاتش را عرض کنم جلوگیری میکنند پس در مقابل يك تفاوت جزئی نباید اینطور مخالفت کنیم و آنقدر ملاحظه کنیم اما در مقابل اظهارات آقای حاج- عزالمالک که فرمودند بودجه مجلس و در باره فیه را امروز مرتباً نمیتوانیم برسانیم اگر بخواهیم این نظریات را بکنیم دچار اشکالات خواهیم شد و منی عدلیه را باین ادارات که اسم بردند مقایسه کرد بواسطه این که عدلیه خودش عایدی ندارد و مجلس وسایل وزارتخانهها عایدات ندارند بیش از این عرضی نمیکند

سردار معظم - اگر بشوایم بطور کلی حرف بزنیم باید بگوئیم قوه قضائیه روح مملکت و

است و باید در مملکت کامل باشد و همه حق داشته باشند از این قوه قضائیه استفاده کنند البته در اینصورت همه شریک هستیم و بکنفر هم مخالف نیست اگر اختلافی هست باید دقت کنیم و به بنیم چیست فقط اختلافی که هست در پول است بنده داخل در عایدات عدلیه نمیشوم زیرا خارج از این قضیه و این پیشنهاد است بنده فقط این پیشنهادها میگویم مجلس شورای ملی از مدنظر حقوقی نمیتواند حق خودش را بدیگری انتقال دهد که هر نوع بودجه و هر نوع خرج تازه که پیش می آید تصویب کند چون عایدات ما کمتر از مخارج است و درجه و اهمیت مخارج نسبت بعایدات خیلی متفاوت است می گوئیم باید این مخارج بمجلس بیاید و بنظر نمایندگان برسد در اینصورت بنده هیچ تصور نمیکنم که محتاج باین قدر مذاکره باشد و با وجود بعضی محسوسات که در قوه قضائیه هست اگر بشوایم عملی شویم امروز نمیتوانیم بودجه آن را تصویب کنیم باید طوری باشد که دو مخارج تازه خیلی خیلی دقیق شویم والا اینکه خودمان را دل خوش کنیم که هر چه آوردند تصویب کنیم بعد اجراء شود این فقط يك دلخوشی است و کار خوبی نکرده ایم اما اینکه تشکیلات مایه را مثل آوردند که شاید نمایندگان محترم باین پیشنهاد همراهی بکنند ما در اینجا از مد نظر تشکیلات اداری نظر نمیکنیم از مد نظر تاسیسات بودجه حرف میزنیم معلوم است وقتیکه ما از مد نظر بودجه حرف میزنیم مقصودمان ماده ماده بودجه نیست که بگوئیم در بودجه وزارت مایه کمیسیون تطبیق حوالجات نموده است و حالا اگر این پیشنهاد تصویب شد میشود کمیسیون تطبیق حوالجات تاسیس شود وقتی که میگوئیم اداراتی که سابقاً بودجه داشته بواقع اجراء گذاشته شود و آنها که بودجه نداشته موقوف برای مجلس شود البته یکی از آن اداراتی که سابقاً بودجه داشته وزارت مایه است البته در حدود آن بودجه از يك جانی حذف میکنند و تاسیس تازه میکنند پس هیچ منابرت و منافاتی ندارد و باید این دو مطلب را تفکیک بفرمایند تاسیسات جدید را که میفرمایند از مد نظر اداری است یا از مدنظر بودجه ای خیلی ادارات ممکن است از مد نظر اداری تاسیس جدیدی باشد ولی از نقطه نظر بودجه قدیم باشد پس قضیه فرق میکند و ناچار ما غیر از رای دادن باین پیشنهاد هیچ چاره نداریم نخواهیم توانست عمل دیگری بکنیم

وزیر مایه چون در موضوع بودجه مذاکره شد لازم میدانم که يك مختصری عرض کنم و تأیید میکنم فرمایشات آقای سردار معظم را که بودجه راجع بکلیات است بودجه وزارت مایه خیلی زیاد بوده و بعضی مصارف خیلی زیاد داشته که بهیچوجه لازم نبوده است فرضاً يك ولایتی که ۱۸ هزار تومان مالیات داشته بیست و چهار هزار تومان خرج مایه اش بوده و قسم علیهذا عقیده وزارت مایه در این موضوع این است که باید تمام آنها را بترتیب اداری مطابق این تشکیلات جدید معین نمود که از خرج کاسته شود و بطوریکه آقای معدل الدوله فرمودند بودجه وزارت مایه قریب چهار کرور بوده است یعنی حقوق اشخاصیکه در مرکز و ولایات مشغول خدمت بوده اند و این مسلماً خیلی زیاد است و باین بودجه که بمجلس میآید شاید کمتر

از يك کرور بشود مثلاً انبار ۳۸ هزار تومان بودجه داشته است و بنده يك ترتیبی داده ام که بیش از شش هفت هزار تومان نشود قبل از گذشتن بودجه باید اقدامی کرد که در ماه مبلغ کلی از هر راه بدولت فایده برسد و اجراء تاسیساتی هم که جدیداً شده است مخالف با منافع دولت نخواهد بود بعلت اینکه از کلیه بودجه يك وزارتخانه که ۴ کرور بوده است و حالیه يك کرور رسیده است مسلماً صرفه دولت اجازه میدهد که در مقابل اینهمه تفاوت یککم کمیسیون تطبیق حوالجاتی که فرضاً ده هزار تومان بودجه آن میشود تشکیل بشود و در اینصورت برای دولت فرقی حاصل نمیشود و عاقبت برای دولت منفعت خواهد بود.

رئیس - آقای شیخ الملک بایشهاد مخالفید؟

شیخ الملک - بنی بنده دوسه کلمه اطلاعات خودم را راجع به عدلیه برای جلب توجهات آقایان نمایندگان میخوانم عرض کنم

رئیس - عرض میکنم بایشهاد آقای سردار معظم مخالف هستید یا موافقید؟

شیخ الملک بنده مخالفم .

رئیس - بفرمایید .

شیخ الملک - بنده گمان میکنم اختلاف نظری که در دوجلسه قبل و امروز بظهور رسیده فقط از نقطه نظر مراعات صرفه دولت است بنده هم کاملاً با این نظر مخالفم ولی اطلاعات کامله بنده که هشت سال خدمت عدلیه کرمان و فارس و اصفهان را داشتم بمن اطمینان میدهد که عایدات عدلیه هر ایالت و ولایت زیاد تر از آن بودجه است که در کمیسیون تصویب شد .

رئیس - از موضوع خارج است راجع بودجه مملکتی صحبت میشود نه بودجه عدلیه .

اصفا الملک - پیشنهاد آقای سردار معظم دوجز دارد يك جزء آن اینست که اظهار میکنند تاسیسات جدید را کمیسیون بودجه نمیتواند بدون نظر مجلس در آنها نظر کند و تصویب نماید بنده عرض میکنم بودجه عدلیه یکی از تاسیسات قدیم است ...

رئیس - عرض کردم راجع به بودجه عدلیه نیست این مذاکرات راجع به بودجه مملکتی است

اصفا الملک - بالاخره راجع به عدلیه می شود .

رئیس - بالاخره راجع به عدلیه است و تلگراف و مایه و خارجه و تمام وزارتخانه میشود .

اصفا الملک - عجلاناً در بودجه عدلیه مذاکره میشود .

رئیس - موضوع مذاکره بودجه مملکتی است و چندین دفعه هم عرض کردم اینکه داخل در ترتیبات بودجه عدلیه میشوند از موضوع خارج است ولی چون در پیشنهاد آقای سردار معظم مخالفی نیست باید رای بگیریم به پیشنهاد قرائت می شود و رای میگیریم .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای سردار معظم آقایانیکه تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در دستور دیگر مطلبی نیست يك فقره سؤال آقای حاج شیخ یوسف از آقای وزیر مایه دارند قبلاً گویا ایشان را مسجون

کرده اند و آقای وزیر مایه هم گویا برای جواب حاضر هستند .

حاج شیخ یوسف - فقط عرض بنده در موضوع يك تلگراف است که بسوساطه بنده بمجلس حضرت اقدس همایونی و وزیر داخله و هیئت وزراء رسیده است و بابشان و به آقای وزیر مایه هم تقدیم کرده ام .

رئیس - چه فرمودید ؟

حاج شیخ یوسف - عرض کردم از چند روز قبل يك تلگرافی از اهالی کازرون بمجلس حضرت اقدس همایونی و هیئت وزراء رسیده بود چون راجع بمایه بود خدمت آقای وزیر مایه ارائه دادم حال سؤال میکنم که چه اقدام کرده اند ؟

رئیس - راجع به بیست و پنج هزار تومان ؟

حاج شیخ یوسف - بنی

وزیر مایه - در این موضوع در هیئت وزراء مذاکره شد و برای ضیق مایه تخفیف دادن بیست و پنج هزار تومان را نتوانستیم تصویب کنیم ولی عجلاناً تصویب شد که بیکهزار تومان مالیات اصناف آنجا را موقوف المصابه بکنند تا در این موضوع فراری داده شود

ارباب کبخسرو - اصل موضوع معلوم نیست

وزیر مایه - موضوع در این است که در هیئت وزراء سابق تصویب شده بود که بیست و پنج هزار تومان برای غارت زدگان کازرون تخفیف داده شود و این تخفیف در این دو ساله بموقع اجراء رسیده بود و بیشک مایه از اصناف مطالبه مالیات کرده است اصناف تلگراف کرده اند که ما غارت زده ایم و نمیتوانیم از عهده مالیات بر لایم و تقاضا کرده بودند که تلگراف شود مالیات مطالبه نشود تصویب هیئت وزراء این شد که عجلاناً بگوئیم هزار تومان که مالیات آنها میشود موقوف المصابه باشد تا فراری در این کار داده شود

رئیس - چون مطلب دیگری در دستور نیست اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنم و جلسه آینده روز سه شنبه صبح سه ساعت بظهور مانده موضوع مذاکره مواد قانون تشکیلات مایه که کمیسیون ارجاع شده است

چند فقره استغاف است که باید عرض آقایان برسد آقای ارباب کبخسرو از کمیسیون رسیدگی بحساب خزانه داری و همچنین آقای معدل الدوله بملاحظه اینکه در کمیسیون بودجه دولتی هستند از این کمیسیون استغاف داده اند و آقای آقا شیخ یحیی کرمانی بواسطه کسالت مزاج از کمیسیون است و تلگراف استغاف داده اند و سابقاً هم عرض کردم آقای طباطبائی از کمیسیون مایه و خارجه بواسطه کسالت استغاف داده اند اینچنین امروز باید تعیین بفرمایند نظار را تعیین میکنم که وقتیکه تشریف بردین عده را انتخاب نمایند

(آقایان حاج میرزا اسدالله خان عماد السالطه) (بحکم فقره برای نظارت در استخراج آراء تعیین شدند)

رئیس - يك قسمت از قانون یستی که راجع به مجازات بود ارجاع شد بکمیسیون سایر قسمتهای آن قانون برای شور دوم حاضر است ولی آن قسمتی

که راجع است بمجازات همانطور مانده است و جلسه آتی هم که شور در قانون تشکیلات مایه تمام شد مطلب دیگر نخواهد ماند مگر همان قانون یستی از آقایانیکه بخواهد بود راجع بمجازات میخواهند رسیدگی کنند خواهش میشود که هر چه زودتر راپورت خودشان را بدهند که مجلس معطل نشود و همچنین راجع بقانون هوارش دخانیات خواهش میشود عجله بفرمایند که زودتر راپورتش بمجلس داده شود .

(مجلس تقریباً مقارن غروب ختم شد)

جلسه ۴۴

صورت مشروح مجلس روز ۳ شنبه ۱۷ شهر رجب ۱۳۲۷

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در نعت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱۷ شنبه پانزدهم قرائت گردید غائبین بدون اجازه آقای حاجی امام جمعه و آقای حاج شیخ اسماعیل

با اجازه آقایان سردار سید طباطبائی - **نایب رئیس** - نظریاتی در صورت مجلس هست ؟ (اظهاری نشد) نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد چند ماده از قانون تشکیلات مایه رجوع شده بود بکمیسیون و فعلاً راپورت آن از کمیسیون رسیده است شروع می کنیم بخواندن آنها .

(ماده ۴) - بضمون ذیل قرائت شد

ماده ۴ - رؤسای ادارات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مایه در تصویب هیئت وزراء بصورت فرمان همایونی منصوب می شوند

نایب رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) پس رای میگیریم بماده (۴) بنا اصلاحی که در کمیسیون شده آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - با کثرت تصویب شد - ماده ۱۱ خوانده میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۱۱) - اصول و وظایف خزانه داری کلی از قرار ذیل است (۱) جمع آوری و تمرکز تمام عایدات قسوی و جنسی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولت و آنچه را که بموجب قراردادها و امتیازات بدولت باید عاید شود (۲) تأدیة مخارج مملکتی مطابق حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مایه در حدود مقرر قانون -

۳ - دادن صورت کلی عایدات ماخوذه باداره معاسبات در آخر هر برج .

نایب رئیس - در فقره اول مخالفی هست (اظهاری نشد) در قسمت دوم هم مخالفی نیست - در قسمت سوم هم گویا مخالفی نباشد پس رای می گیریم بماده ۱۱ آقایانی که تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود .

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۱۱ - تصویب و ماده ۱۸ بضمون ذیل خوانده شد .

ماده ۱۸ - مدعی العموم و اعضاء محکمه مایه مستقیماً در تحت ریاست وزیر مایه خواهند بود

نایب رئیس - در ماده ۱۸ با این اصلاحی که شده مخالفی هست اظهاری نشد رای میگیریم

آقایانی که ماده ۱۸ را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

نایب رئیس - اکثریت است ماده ۲۴ خوانده می شود.

بعضون ذیل قرائت شد

ماده ۲۴ - مدعی الموم امور حفظ منافع مالیه سلکت بوده و مکلف است که اظهار عقیده نماید ولی در رأی محکمه شرکت نمیکند

نایب رئیس - مغالیه هست اظهاری نشد رأی میگیریم ماده ۲۴ با این اصلاحی که شده است آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

ماده ۲۶ - بعضون ذیل قیام نمودند

ماده ۲۶ - حقوق محاکمه صدی پنج مدعی به است کاز محکوم علیه اخذ میشود و صدی یک مدعی به در حین دادن عرض حال عارض بصندوق پرداخته قبض صندوق را برض حال خود ضمیمه می کند وجه مزبور در صورتیکه عارض مطابق حکم قطعی محق در آمد باو مسترد میشود.

حاجی شیخ محمد حسن گروسی - در این ماده بنده پیشنهاد کرده بودم و فقراتی در پیشنهاد من نوشته شده است تقاضا میکنم آن فقرات قرائت ورأی گرفته شود

مخبر - پیشنهادیکه شده بود متعصر به پیشنهاد آقا نبود و آقای مدرس هم در این زمینه پیشنهاد فرموده بودند و همچنین یکی دو نفر از آقایان دیگر آنچه بنظر بنده می آید يك قسمت از پیشنهاد آقا راجع بحدف این ماده است که نمی شود رأی گرفت و يك قسمت دیگر چون این ماده مربوط بود لهذا کمیسیون نتوانست در این ماده نظر کند پس طبعاً آن قسمت از این پیشنهاد هم خارج میشود و در فقره دیگر در کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای مدرس و بعضی از آقایان دیگر مذاکره شد و آقایان متقاعد شدند که همینطور که نوشته شده است بهتر است که در موقع دادن عرض حال بکلی عرض حال را مجسائی نباید قبول نمود و بیان ترتیب تصویب شد و این دهم سوم و چهارم است که در این ماده مذاکره می شود و دلایلی که باید گفته شود گفته شده و بالاخره تصویب کنیم اخذ صدی يك مدعا به مورد هیچ اشکالی نباشد

حاجی شیخ محمد حسن گروسی - بنده قانع نشدم لهذا تقاضا می کنم که پیشنهاد بنده خوانده شود

حاجی عزالممالک - خوب است آقا در پیشنهاد خودشان قوی دقت فرمایند اینک نوشته اند رأساً این ماده حذف شود گمان می کنم لازم نباشد بیهوده اینکه اگر آقایان نمایندگان باین ماده مخالف باشند رأی نمیدهند و بالطبع حذف می شود و قسمت دیگرش که نوشته اند برای تجدید نظر حقی اخذ نشود این ماده هم در مجلس رأی داده شده است و نمی توانستیم در کمیسیون مذاکره کنیم بجهت اینکه رأی قطعی از برای تجدید نظر داده شده بود و يك قسمت از پیشنهاد ایشان ممکن بود که در کمیسیون محل ملاحظه شود و آن راجع صدی پنج بود که آقا

نوشته اند حذف شود در کمیسیون مذاکره شد چنانچه آقای مخبر فرمودند آقای مدرس هم تشریف داشتند و بالاخره مبدل شد صدی يك که از بابت خرج معاکمه بنده و این مبلغ جزئی را ما دیدیم مانع از برای دادن عرض حال نیست و مخصوصاً این ماده بیشتر از برای اشخاص مشمولی است که نمی خواهند مالیات بدهند آنوقت عرض حال می دهند تا جواب قطعی بآنها داده نشود از پرداخت مالیات مضایقه می کنند این مطلب را آقایان متوجه باشند اگر کسی فرضاً برای پنج تومان بخواهد معاکمه بکنند صدی يك آن چیزی نخواهد بود ولی اگر يك مالیات بده عده بخواهد از دادن بیست هزار تومان باسی هزار تومان مالیات طفره بزند عریضه می دهد و ماییش از محکوم شدن هم که نمی توانیم از او مالیات مطالبه بکنیم آنوقت اسباب ضرر دولت خواهد شد پس در این صورت این معارج معاکمه باین ترتیب کنون نوشته شده است ضرری نخواهد داشت که ما يك همچو حقی را بگذاریم که او قبلاً بسنجد و به بیند اگر در عرض حال خودش محق است عرض حال بدهد و البته بعد از ثبوت باو مسترد میشود و اگر خودش را محق نمی داند بواسطه این که باید يك پولی بدهد از پرداخت آن پول مضایقه می کند و بواسطه دادن عرض حال بی معنی از دادن مالیات طفره نمی زند و برای جلوگیری از این مطلب بنظر کمیسیون صلاح این بود که از برای خرج معاکمه حقی بنده و قبل از دادن عرض حال فکر بکنند و عرض حال صحیح بدهد

مخبر - علی الخصوص که در تکمیل فرمایشات آقای حاج عزالممالک لازم میدانم عرض کنم اگر ماده ۳۳ مراجعه کنند این اشکالات بکلی مرتفع میشود معلوم است که مجلس شورای ملی وقتی که رأی میدهد باید گفت از روی يك اصولی رأی میدهد و باید آن اصول در تمام مواد ملحوظ شود و اگر بگوئیم در مواد قانون باید رأی اتفاتی داده شود و این خیلی بد است بهرحال در ماده ۳۳ برای تجدید نظر که يك کار سهل تری است گفتیم قبلاً صدی دو اخذ بشود حالا شما میفرمایید از برای خود معاکمه قبلاً چیزی دریافت نشود این مطلب باماده ۳۳ بکلی منافی است دارد پس اگر بخواهم این اصل در هر مورد ملاحظه شود اولاً از برای معارج معاکمه صدی يك و از برای تجدید نظر صدی دو قرار دهم و این هم خیلی صحیح است و هیچ ضرری ندارد

حاجی شیخ محمد حسن گروسی - این فرمایشات بنده را متقاعد نمیکند استدعا میکنم پیشنهاد های بنده خوانده شود و رأی گرفته شود ولو اینکه قابل توجه نشود و هیچ رأی ندهند

نایب رئیس - گمان نمیکند این قسمتها را بتوان رأی گرفت زیرا مجلس قبلاً رأی داده است پیشنهاد مخالف آنها است و دوباره نمیتواند رأی بدهد ولی در قسمت اخیر باید تکلیف او معین شود

مخبر - این عرضی که بنده میکنم برای متقاعد کردن یک نفر نیست برای این است که نمایندگان کلیتاً بدانند که رأی در این پیشنهاد برخلاف آنچه تصویب کردند خواهد بود

نایب رئیس - در صورتی که ماده ۳۳ تصویب

شده است موقفی باقی نماند پس چیزی که در پیشنهاد ایشان باقی نماند آن قسمت اخیر است خوانده می شود و رأی میگیریم

(پیشنهاد مزبور بعضون ذیل خوانده شد)

این اول نسبت بماده (۲۶) سه فقره پیشنهاد مرتباً بنمایم فقره اولی آنکه این ماده رأساً معدوم شود و فقره ثانیه از کلمه راجع این مبلغ را تا لفظ مسترد شود حذف گردد فقره ثالثه از برای تجدید نظر حقی اخذ نخواهد شد باقی بماند

نایب رئیس - توضیحی دارید

حاجی شیخ محمد حسن گروسی - خیر

نایب رئیس - اشخاصی که با پیشنهاد آقای حاجی شیخ محمد حسن موافقت رأی خودشان را قیام و قعود اظهار خواهند فرمود

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد

حاجی شیخ محمد حسن - اجازه میفرماید

نایب رئیس - در خود ماده باید مذاکره بکنند

حاجی شیخ محمد حسن - بلی عرض میشود که این ماده که باین طریق اصلاح شده است اول از این طور بود که حقوق معاکمه صدی پنج مدعا به است که از محکوم علیه اخذ میشود و ربع این مبلغ را در حین دادن عرض حال بصندوق بر عرض حال خود ضمیمه میکند و در این ماده که اصلاح شده مینویسد حقوق معاکمه صدی پنج مدعا به است که از محکوم علیه اخذ میشود و صدی يك مدعا به را در حین دادن عرض حال بصندوق پرداخته میشود مقصود از این اصلاح کار معنی این بوده که يك قسمت از صدی پنج را قبلاً عارض بدهد ولی این عبارت موهم اینست که يك صدی يك بعلاوه آن صدی پنج بماند قبلاً مقرر شده در حالیکه این صدی پنج است خوب است این عبارت را تبدیل کنند بفس صدی پنج که معایق مقصود باشد و موهم این مسئله که عرض کردم نباشد

مخبر - در معنی فرق نمی کند برای اطلاع خاطر نمایندگان عرض میکنم که اگر ماده ۳۳ باین ماده ضمیمه شود اشکالی پیش نیاید و وقتی که این دو ماده را باهم ملاحظه کنند این اشکال ممکن نیست تولید شود زیرا در ماده ۳۳ میگوید بر حسب تقاضای محکوم در صورت مذکوره دو رایسورت تجدید نظر میشود و برای تقاضای تجدید نظر علاوه بر صدی پنج حقوق معاکمه صدی دو قبلاً از عارض اخذ میشود پس وقتیکه این هر دو ماده را بپلوی هم بگذاریم این اشکال ابداً وارد نیست و قویاً میسرساند که برای معاکمات ابتدایی صدی پنج اخذ می شود و برای تجدید نظر صدی دو و لهذا هیچ قابل تردید نیست که بگوئیم يك صدی يك ابتداء اخذ میشود و صدی پنج هم پس از محکوم شدن

حاجی شیخ محمد حسن - بنده عرض میکنم فقط باید ماده طوری باشد که عبارتش وافی باشد و مورد توهم نشود البته این عبارت که بنده عرض میکنم اصلاح و اولی است اینکه فرمودند بنده هم قبول دارم ولی اگر این ماده را من حیث و ذاته بنویسند قطع نظر از آن ماده آن مقصود را نمیرساند و به این عبارت که مرقوم فرمودند گناه

میشود که علاوه بر صدی پنج يك صدی يك دیگر هم اضافه شود و اینکه فرمودند باوجود آن ماده رفع اشکال میشود صحیح است ولی اگر مستقیماً بخواهیم از ابتداء مطلبی پیدا کنیم نمی شود باید بضمائم مقصود را عمل بیآوریم در این دو صورت اگر این عبارت نوشته شود البته اولی است

مخبر - برای اینکه در لفظ این قدر مذاکره نشود بنده قبول میکنم که همانطور لفظ خمس صدی پنج نوشته شود هیچ اشکالی ندارد

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم چنانچه در مورد اول هم راجع به همین مطلبی که آقای آقا شیخ محمد حسن فرمودند

نایب رئیس - اگر همین مسئله آقای حاجی شیخ محمد حسن است که مخبر قبول کردند و تمام شد ماده ۲۶ با این اصلاح عبارتی خوانده میشود و رأی میگیریم (قرائت شد)

نایب رئیس - آقایانی که ماده ۲۶ را باین اصلاحی که شده است تصدیق فرمایند قیام نمایند اکثر نمایندگان قیام نمودند ماده مندرجه ذیل قرائت شد

ماده الحاقیه بماده ۳۹ - تجدید انتخاب اعضاء کمیسیون مزبور از برای ماده در ظرف یکماه قبل از انتضاء مدت مذکوره در ماده فوق بمجلس پیشنهاد میکند و با انتخاب اعضاء جدید کمیسیون همان اعضاء سابق در مأموریت خود باقی خواهند ماند

نایب رئیس - در این ماده مغالیه نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم در این ماده الحاقیه آقایانی که این ماده را تصویب می فرمایند قیام نمایند

غالباً قیام نمودند

نایب رئیس - تصویب شد ماده ۵۹ خوانده می شود

ماده (۵۹) در صورت عدم موافقت با رایسورت مجلس مزبور و وزیر مالیه در ظرف بازده روز از تاریخ صدور رایسورت می تواند حکم بتجدید نظر کند و پس از رسیدهگی ثانوی رأی مجلس مشاوره عالی قطعی و لازم الاجرا است

نایب رئیس - مخالفی هست (مخالفتی نبود)

آقایانی که ماده ۵۹ را تصویب می فرمایند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده (۶۸) قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۶۸) - پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امانه مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزارت معین می شود وزیر مالیه مختار در رد پیشنهاد بوده می تواند حکم به تجدید پیشنهاد نماید ولی اگر تا دو دفعه موافقت نظر حاصل نشد تعیین مأمور بکمیسیون مرکب از رؤسای ادارات تشخیص هایدات و خزانه دار کل و معاسبات کل هدلیه در تحت ریاست وزیر مالیه واگذار می شود و آن رأی قطعی است دو صورت تساوی آراه در هر طرف که رأی وزیر مالیه باشد آن رأی قاطع است

حاج شیخ اسدالله - راجع به همین پیشکاران و امانای مالیه يك نظریاتی بود تقریباً يك طوری اصلاح شد و لیکن راجع بأمورین جزء ایالات و ولایات در خارج يك مذاکره شده بود و بنا بود بهمان ترتیبی که در خارج قطع شد آقای مخبر بمجلس پیشنهاد فرمایند این رایسورتی که قبلاً آمده است تعیین پیشکاران و امانای مالیه را معین کرده و این تکلیف رؤسای جزء ایالات و ولایات را معین ننموده است و فقط در آخر ماده الحاقیه يك چیزی در شرایط استخدام مأمورین جزء می نویسد و بنده تصور میکنم که اگر بخواهیم قناعت کنیم به همین فقره اخیر یعنی ماده الحاقیه خیلی اسباب زحمت برای پیشکاران و امانای مالیه خواهد شد زیرا نظامنامه که میخواهند بنویسند شاید ششماه طول بکشد و این نظامنامه نوشته نشود و تکلیف رؤسای جزء ولایات معلوم نباشد و بنده عبارتی نوشته بودم که ملحق باین ماده بشود و در حضور بعضی از آقایان قبلاندا کرده کردیم و مطلب قطع شد نمایانم چه شده که تردیدی برای آقای مخبر حاصل شده است و آن این بود که تعیین رؤسای جزء ایالات و ولایات را موسکول به پیشنهاد رئیس متبوع آنها و تصویب وزیر قرار دادیم و برای اینکه بعد از گذشتن این قانون بوقع اجراء گذارده شود که هم تقصی در این قانون وارد نشده باشد و هم زحمتی تولید نشود بنابراین بنده استدعا میکنم باین پیشنهادی که بنده کرده ام رأی گرفته شود که تکلیف مأمورین جزء ایالات و ولایات هم معین شده باشد و موقوف به يك قانونی که بعداً نوشته میشود نباشد

مخبر - اولاً که قسمت اظهارات ایشان شخصی بود که قبلاً بایده عرض کنم همکار محترم من که خودشان هم مخبر بوده اند باید بدانند که مخبر نماینده افکار هیئت است شاید خود من در بعضی از این موارد رأی ندادم و عقیده شخصی خودم در بعضی از مواد موافقت نداشت ولی مجبور بودم از عقیده هیئتی که بنده مخبر بودم دفاع کنم پس این عبارتی که فرمودند نمی دانم چه طور شده که آقای مخبر این مطلب را نوشته رد می کند - بجهت اینکه آقای مخبر باید آنچه در کمیسیون تصویب می شود رایسورت بدهد و فقط چیزی که در کمیسیون مطرح می شود مذاکره می کنند و رأی خودش را اظهار نمی کند بعلاوه خوب بود این اشکال را در ابتداء نمی فرمودند زیرا این ماده که خوانده شد تعیین پیشکاران و امانای مالیه را معین می کند و از برای رؤسای جزء دوایر مالیه باید یک ماده دیگری ذکر شود و مطلب پر واضح است بجهت اینکه هر ماده باید مطلبی را بیرو روانه والا مطالب زیادی را داخل در یک ماده کردن صحیح نیست و آقای حاجی شیخ اسدالله اگر در این ماده فرمایشی داشتند خوب بود ابتداء اظهار می فرمودند زیرا این ماده در حضور خودشان تصویب شد باوجود این اگر تجدید نظری برای ایشان حاصل شده است بفرمایند تا بنده جواب عرض کنم و اگر ماده الحاقیه دارند بگذارند این ماده که تمام پیشنهاد کنند بعد داخل در ماده کرده آن می شویم تنها می کنیم وقتی که تعیین پیشکاران و امانای مالیه معین می شود تکلیف رؤسای جزء دوایر مالیه را باهم دیگر داخل نکنند زیرا تکلیف آن ها خارج از این موضوع است بجهت اینکه آن ها يك تکالیفی دارند که پیشکاران مالیه ندارند و بر عکس

پیشکاران و امانای مالیه تکالیفی دارند که آنها ندارند و تکالیف تعیین رؤسای جزء دوایر مالیه را هم بموجب این ماده کمیسیون قوانین مالیه موقوف به نظامنامه معین می شود و این ماده اشکالی نخواهد داشت

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم سابقاً تکلیف وزیر را در مواد سابقه معین فرمودند که وزیر مسئولیت دارد وقتی که کسی مسئول امری واقع شد خوب است در مقامات آن مسئولیت مختار باشد چنانچه در مورد اول و ثانی عرض کردم که اگر چنانچه این امور بصوب خزانه داری باشد همان قانون نسخ شده ۲۳ جزوا بنظر مامی آید و عرض میکنم کسی که در امری مسئول باشد باید در مقامات آن امر هم مختار باشد

مخبر - ابتداء باید عرض کنم بر فرض اینکه این ماده تصویب نشود هیچ صلاح نمیدانم که يك نماینده بگوید این قانون ۲۳ جزوا خواهد بود بجهت اینکه يك صلب خیلی بزرگی پیدا خواهد کرد اگر چه این حرف برسبیل سابقه بود ولی نقداً حسنی ندارد که در مجلس يك همچو عبارتی گفته شود زیرا مطابق قوانین تمام دنیا مفسر قانون مجلس شورای ملی است و قتیکه در زمینه قانون گذاری يك همچو حرفی گفته شد گمان میکنم شکل خوبی پیدا نکند و امیدوارم قانون ۲۳ جزوا دیگر گذارده نشود و این قانون قانونی است عادی و معمولی و با هم دیگر مربوط و وزیر مالیه هم اختیاراتیکه در يك مملکت مشروطه باید داشته باشد دارد حتی بگذرد هم زیاده تر پس قتیکه این قانون از مجلس بگذرد قدر سمرقونی نه از مسئولیت وزیر مالیه بگردد نه مجلس میتواند این حرف را از وزیر مالیه بگیرد و قانون بطوری کامل است که تماماً مسئولیت خودشان را دارند پس این قانون ۲۳ جزوا نیست و درست ملاحظه فرموده اید که مواد آن صریح است و مقصود برداشتن یا کاستن اختیارات وزیر مالیه نیست فقط از مدنظر این است که مأمورین وقتیکه تعیین میشوند روابط معینی با ادارات مختلفه که در تحت ریاست وزیر مالیه است داشته باشند چون بنده مکرر در مورد در این زمینه عرض کردم دیگر نمیخواهم تکرار کنم که چکارهایی پیشکاران مالیه دارند و چکارهایی رؤسای دوایر مرکز و واگذار کرده اند و پیشکاران مالیه در چکارها با کدام ادارات طرف هستند و در اینجا يك مطلب خیلی مهمی پیش می آید که قبلاً و اساساً باید آن حل شود تا ایشان بتوانند يك عقیده قطعی اتخاذ کنند بعضی ها شاید عقیده داشته باشند که باید تمام اختیارات در يك جا مرکبیت داده شود مثل قانون ۲۳ جزوا و بگویند قانون ۲۳ جزوا هم اگر اجرا میشد بغیر آن قانون عمل میشد نتیجه اش این طور بد نمیشد و قانون ۲۳ جزوا بهانه بود برای خرابی نه باعث خرابی بهرحال شاید بعضی ها بگویند باید اختیارات در يك جا تکرار پیدا کند منتها خزانه دار نباشد وزیر مالیه باشد در این صورت خیلی از مواد این قانون برخلاف این اصل خواهد بود و باید حذف شود و لازم است این مسئله را یاد آوری کنم که در این ماده دهم سوم یا چهارم است که در مجلس آمده و در آن جلسه این ماده بر حسب پیشنهاد آقای ناصر الاسلام برگشت بکمیسیون بشرط اینکه در حضور

پیشکاران و امانای مالیه تکالیفی دارند که آنها ندارند و تکالیف تعیین رؤسای جزء دوایر مالیه را هم بموجب این ماده کمیسیون قوانین مالیه موقوف به نظامنامه معین می شود و این ماده اشکالی نخواهد داشت

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم سابقاً تکلیف وزیر را در مواد سابقه معین فرمودند که وزیر مسئولیت دارد وقتی که کسی مسئول امری واقع شد خوب است در مقامات آن مسئولیت مختار باشد چنانچه در مورد اول و ثانی عرض کردم که اگر چنانچه این امور بصوب خزانه داری باشد همان قانون نسخ شده ۲۳ جزوا بنظر مامی آید و عرض میکنم کسی که در امری مسئول باشد باید در مقامات آن امر هم مختار باشد

مخبر - ابتداء باید عرض کنم بر فرض اینکه این ماده تصویب نشود هیچ صلاح نمیدانم که يك نماینده بگوید این قانون ۲۳ جزوا خواهد بود بجهت اینکه يك صلب خیلی بزرگی پیدا خواهد کرد اگر چه این حرف برسبیل سابقه بود ولی نقداً حسنی ندارد که در مجلس يك همچو عبارتی گفته شود زیرا مطابق قوانین تمام دنیا مفسر قانون مجلس شورای ملی است و قتیکه در زمینه قانون گذاری يك همچو حرفی گفته شد گمان میکنم شکل خوبی پیدا نکند و امیدوارم قانون ۲۳ جزوا دیگر گذارده نشود و این قانون قانونی است عادی و معمولی و با هم دیگر مربوط و وزیر مالیه هم اختیاراتیکه در يك مملکت مشروطه باید داشته باشد دارد حتی بگذرد هم زیاده تر پس قتیکه این قانون از مجلس بگذرد قدر سمرقونی نه از مسئولیت وزیر مالیه بگردد نه مجلس میتواند این حرف را از وزیر مالیه بگیرد و قانون بطوری کامل است که تماماً مسئولیت خودشان را دارند پس این قانون ۲۳ جزوا نیست و درست ملاحظه فرموده اید که مواد آن صریح است و مقصود برداشتن یا کاستن اختیارات وزیر مالیه نیست فقط از مدنظر این است که مأمورین وقتیکه تعیین میشوند روابط معینی با ادارات مختلفه که در تحت ریاست وزیر مالیه است داشته باشند چون بنده مکرر در مورد در این زمینه عرض کردم دیگر نمیخواهم تکرار کنم که چکارهایی پیشکاران مالیه دارند و چکارهایی رؤسای دوایر مرکز و واگذار کرده اند و پیشکاران مالیه در چکارها با کدام ادارات طرف هستند و در اینجا يك مطلب خیلی مهمی پیش می آید که قبلاً و اساساً باید آن حل شود تا ایشان بتوانند يك عقیده قطعی اتخاذ کنند بعضی ها شاید عقیده داشته باشند که باید تمام اختیارات در يك جا مرکبیت داده شود مثل قانون ۲۳ جزوا و بگویند قانون ۲۳ جزوا هم اگر اجرا میشد بغیر آن قانون عمل میشد نتیجه اش این طور بد نمیشد و قانون ۲۳ جزوا بهانه بود برای خرابی نه باعث خرابی بهرحال شاید بعضی ها بگویند باید اختیارات در يك جا تکرار پیدا کند منتها خزانه دار نباشد وزیر مالیه باشد در این صورت خیلی از مواد این قانون برخلاف این اصل خواهد بود و باید حذف شود و لازم است این مسئله را یاد آوری کنم که در این ماده دهم سوم یا چهارم است که در مجلس آمده و در آن جلسه این ماده بر حسب پیشنهاد آقای ناصر الاسلام برگشت بکمیسیون بشرط اینکه در حضور

نایندگان دستجات مختلف مجلس تجدید نظر شود و همینطور هم شد و تمام دستجات مختلف در این قانون نظر کردند و با اتفاق تمام دستجات این ماده اینطور نوشته شد و این نتیجه اکثریت حاصل شده قبل از وقت مجلس است معلوم است این نظر آقای سلطان العنایه صحیح است ولی نایندگان موافق نبودند که کثرتاً اختیارات در یک جا تکرار می‌کند و از این نقطه نظر لازم بود که این اختیارات بکطوری تقسیم شود که در موقع عمل زحمتی تولید نکند و درجه مسئولیت و اختیارات را هم نگاه بنابر این اختیارات را نیز کرده و اختیارات را بیکطرف دادند و تصویب را بطرف دیگر و تصویب کننده را مختار کردند در رد و قبول ولی بالاخره نظر باینکه لازم بود یک محل فاطمی موجود باشد و اختلافی که ممکن است مابین این دو نفر حاصل شود قطع کنند مطابق عقیده اغلب آقایان که می‌گفتند مجلس مشاوره عالی باید تعیین پیشکاران مالبه را بنمایند همان نظر را تعقیب کردند ولی چون در مجلس مشاوره عالی دوسه نفر بودند که ابدأ مسئولیت در این کار را نداشتند مثلا رئیس معاکمات یار رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات یار رئیس فلان اداره چه نظری در تعیین پیشکاران می‌توانند داشته باشد ؟

بالاخره این قسمت اخیر را که قطع اختلاف نظر بین خزانه دار و وزیر مالبه باشد بنظر آن هیئت مشاوره عالی که مرکب است از رئیس تشخیص عیایات و رئیس معاسبات و خزانه دار کل و آثار کردند این چند نفر می‌نشینند و اختلاف نظر را رفع می‌کنند اگر لیاقت داشته باشد معین می‌کنند و معلوم است باین ترتیب چون هر دو نظر ملحوظ شده اتفاق حاصل شده است خیلی صحیح است و هیچ ضرر ندارد و این مسئله هم از نقطه نظر اداری است ابدأ از اختیارات کسی نمی‌کاهد .

نایب رئیس - آقای مدرس مخالفید ؟

مدرس - بعد از فرمایش آقای سردار معظم دیگر مرضی ندارم مگر اینکه ماده ای که بعد در این ماده الحاق شود .

حاج شیخ اسدالله - همین قسمی که آقای مخبر فرمودند این مطلب در کمیسیون مذاکره شد و نظریات مختلفه ملحوظ شد و جامع انظار شد باین معنی که نظریات مختلفه تماماً در آن ملحوظ شد و یک قسمتی نوشته شد که تماماً موافقت در این ماده کردند ولیکن وقتیکه این ماده نوشته شد یک نفر جامع دیگری هم در آنجا در نظر گرفته شد و آن تکلیف رؤسای جزء ایالات و ولایات بود فرق نمی‌کند ماده مستقلی نوشته شود و یا ضمیمه این ماده شود در هر صورت باید در ضمن این قانون تکلیف مأمورین جزء معلوم شود و نباشد موقوف موقوف بنظامنامه داخلی کرد نظامنامه داخلی شرایط استخدام و تکلیف رؤسای جزء را معین می‌کند که باید بنظر که باشند پیشنهاد کننده و تصویب کننده کی است اینست که بنده این پیشنهاد را کردم اگر آقای مخبر اساساً این پیشنهاد را قبول دارند که بعنوان ماده الحاقیه و یا ضمیمه این ماده شود حرفی ندارم برای خاطر اینکه لازم است یک مطلب باین مهمی معلوم شود و تکلیف مأمورین جزئی ایالات و ولایات معین

شود و نوشته نشود و رؤسای جزء بر حسب پیشنهاد رئیس متبوع خود و حکم وزارتی معین میشوند در هر صورت باید تکلیف آنها در ضمن این قانون معین شود خواه ماده الحاقیه باشد خواه در ضمن این ماده باشد بنده نظریات خصوصی که حکماً باید در ضمن این ماده باشد ندارم فقط نظرم اینست که تکلیف رؤسای و مأمورین جزء ولایات معلوم باشد که کی باید پیشنهاد نماید و کی باید تصویب کند و بکلی بی تکلیف نماند و وقتیکه پیشکار مالبه می‌رود بدانند راجع بمأمورین جزء چه باید بکنند و چه طرحی را اتخاذ کنند .

مخبر - بنده باز هم تکرار می‌کنم که در اصل مطلب اظهار عقیده نکردم نه موافقت کردم و نه مخالفت فقط عرض کردم چون این مسئله دومطلب است اگر می‌خواهند ماده الحاقیه پیشنهاد کنند اگر اکثریت حاصل شد همانطور تصویب میشود والا رد میشود .

حاج شیخ اسدالله - ماده الحاقیه باشد فرق نمی‌کند .
نایب رئیس - پس میماند بنساز رای گرفتن در ماده ۶۸ - خوانده میشود
پیشنهادی از آقای حاج شیخ اسدالله رسیده قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌نمایم که ماده ۶۸ این قسم نوشته شود پیشکاران مالبه بر حسب حکم وزیر مالبه معین میشوند و امشای مالبه بر حسب حکم پیشکاران مالبه معین میشوند .

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمائید
حاج شیخ حبیب الله - فرض از تعیین پیشکاران مالبه اینست که آنها بداند مسئول کی هستند اگر قرار شد که وزارت مالبه مستقیماً آنها را بفرستد مسئول او خواهد بود می‌داند هر ایس را باید بفرستد ولی در صورتیکه بدو سه دسته یا چند طبقه برای تعیین پیشکار و امین مالبه اختیار بدهند و اگر موافقت نظر حاصل نشده جلسه شود اینهم برای وزیر مالبه هم برای پیشکاران مالبه اسباب زحمت میشود مثل اینکه وزارت داخله کامیکه یک بلدی میفرستد محتاج نیست با کسان دیگر که به چه وجه اطلاع نماند نشود کند گمان بنده اینست که خوبست بحکم وزیر مالبه باشد که هم پیشکاران تکلیف خودشان را بدانند و هم وزیر مالبه هر کسی را که صلاح ولایت میدانند مالبه یک ملکیتی را با او بفرستند این راجع پیشکاران مالبه بود که عرض کردم اما در باب امناه مالبه یک امین مالبه که از طرف خزانه داری یک معنی فرستاده میشود مسئول آن عمل نیست پس بهتر اینست که پیشکاران مالبه امناه مالبه را معین کنند یعنی امناه مالبه بر حسب حکم پیشکاران مالبه معین شوند ولی در این پیشنهاد پیشکاران کا شغص را بهتر میشناسند آدمهای صحیح لایق از برای اخصالیات میفرستند که مالبه ملکشرا حفظ کنند

مخبر - این پیشنهاد موافق همان رسم قدیم است که پیشکارهایی از تهران میفرستادند برای ولایات و آنها هم امناه مالبه معین میکردند ولی در این پیشنهاد تکلیف آنها را بهتر میشناسند آدمهای صحیح لایق از برای اخصالیات میفرستند که مالبه ملکشرا حفظ کنند

مخبر - این پیشنهاد موافق همان رسم قدیم است که پیشکارهایی از تهران میفرستادند برای ولایات و آنها هم امناه مالبه معین میکردند ولی در این پیشنهاد تکلیف آنها را بهتر میشناسند آدمهای صحیح لایق از برای اخصالیات میفرستند که مالبه ملکشرا حفظ کنند

نایب رئیس - پس قبول ندارید
مخبر - خیر
نایب رئیس - بکدامه دیگر خوانده میشود
رای میگیریم
(مجدداً قرائت شد)

حاج شیخ حبیب الله - باز توضیحی دارید ؟
حاج شیخ حبیب الله - بله - میفرمایند آنچه اینک پیشکار ندارد چه میشود آنچه اینک پیشکار دارد امناه مالبه بر حسب پیشنهاد پیشکاران معین میشوند و آنچه اینک ندارد معلوم است با تودوزیر مالبه است .

نایب رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله را قابل توجه میدانند قیام نمایند
(کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - رد شد پس رای میگیریم
بغور ماده

وزیر مالبه - بنده تأیید می‌کنم رای نماینده معترم را که تعیین تکلیف اجزای جزء هم در اینجا بشود بادر ضمن این ماده و یا بموجب ماده علیحده در هر صورت لازم است و ضرر ندارد تکلیف آنها معین شود

نایب رئیس - رای میگیریم ماده ۶۸ باین اصلاحاتی که شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند
(همه کتبی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد که ماده الحاقیه رسیده یکی از آقای حاج شیخ اسدالله و یکی از آقای مدرس
(پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت شد)

ضمیمه ماده ۶۸ - رؤسای جزء ایالات و ولایات پیشکار رئیس متبوع خودشان و تصویب وزیر بر قرار میشود

مخبر - این پیشنهاد از طرف دولت هم شده بود ولی نظر باینکه اشکالی از برای کمیسیون بود نتوانست در این باب یک ماده معین بکند چنانکه مأمورین ولایات تماماً منحصر بمأمورین وصول نیستند رؤسای معاسبات رؤسای تعدید تراک و سایر دوایر هم هستند اینجاست پیشنهاد شده است که مأمورین جزء را رؤسای آنها پیشنهاد کنند در خود اصل مطلب ایرادی نیست همینطور باید بشود که رئیس اداره پیشنهاد کنند و حکم وزیر صادر شود ولی کدام اداره باشد پیشنهاد کند معین نیست در اینجا اشکال برای بعضی از اعضاء کمیسیون پیش آمد فرض بفرمائید رئیس اداره معاسبات خراسان یا شیراز را کی باید پیشنهاد کند رئیس اداره معاسبات کل که در مرکز است باید پیشنهاد کند یا پیشکار مالبه آنجا باید پیشنهاد کند؟ بنا بر این چون در یک ماده ممکن نبود این مطلب معلوم شود لهذا کمیسیون به نظامنامه که در آنجا سایر مسائل راجعه به مستخدمین مالبه معین میشود و در واقع یک قانون استخدامی است رجوع کرد ولی اگر میفرمایند باید ضمناً در اینجا معین شود ضرر ندارد ولی در هر صورت امروز در این باب نباشد رای داد آقایان باید تشریف بیاورند در کمیسیون که در این باب

مطالعات زیادتری بشود بجهت اینکه بر فرض در اینجا فقط تکلیف آنها معین شود باز گمانی نیست مسائل دیگری هم در زندگانی اداری هست که باید پیش بینی شده و از نظر کمیسیون قوانین مالبه بگذرد پس بنده تقاضا می‌کنم که پیشنهاد خودشان را بفرستند بکمیسیون و تشریف بیاورند آنجا و نظریات خودشان را بفرمایند اگر آقایان متقاعد شدند که پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و اگر متقاعد نشدند تکلیف معلوم میشود .

نایب رئیس - آقای مخبر قبول میکنند برود به کمیسیون .

ماده ۷۴ قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۷۴) انفصال پیشکاران و امناه مالبه بسته بنظر وزیر مالبه است ولی اگر اداره پیشنهاد کند موافقت با انفصال مأمور مذکور نداشته باشد حکمیت قضیه بپسجلس مشاوره عالی رجوع میشود .

معدل الدوله - بنده در مورد یک ماده که گذشت یک مشکل بنظر آمد و یک یادداشتی هم فرستادم که خدمت آقای مخبر و چون آن ماده گذشت دیگر نمیتوانم نظر و عقیده خود را در آن ماده عرض کنم ولی در این ماده موقعی پیدا شد که عرض خود را بکنم راجع به پیشکار مالبه دوماده که گذشت عقیده ام این بود که بموجب فرمان همایونی و از طرف هیئت دولت تصویب شود .

حالا در این ماده که راجع بانفصال او است موقعی پیدا کرده ام که عقیده خود را عرض کنم این یک قانونی است که اساس آنستند مملکت بر این است بجهت اینکه ما معتقد شدیم که مأمور مالبه اش اساس تمام وزارتخانه ها و ادارات است و تمام ادارات مملکت بسته بمالبه است بنده صلاح نمیدانم که انفصال پیشکاران مالبه را فقط منحصر بنظر موافقت یک اداره پیشنهاد کننده یعنی خزانه دار بکنیم بچندین ذلیل یکی آنکه اگر درست دقت بفرمایند خواهند دانست که پیشکاران مالبه که اسم میبریم فقط منحصر بچهار نقطه است فارس - خراسان - آذربایجان - کرمان - چهار ایالت است که باصطلاح پیشکار دارند این پیشکاران که میروند باید لایق تر از خزانه دار و حیثیاتشان زیادتر و تجربه و اطلاعات آنها بیشتر باشد زیرا باید یک وسعت خاکری را اداره کنند که در ستمش مقابل بچندین برابر ممالک کوچک خارجه است مثلا آذربایجان چند برابر مملکت بلژیک است و در آن موقع هم که بنده تأمل کرده عقیده ام همین بود و اجازه هم خواسته بودم و آقای نایب رئیس بخیرالاینکه بنده موافقم رای گرفته و گذشت حالا عرض می‌کنم کسیکه بموجب فرمان همایونی از برای یک کاری برقرار میشود مقتضی نیست که انفصال او فقط راجع باشد بنظر خزانه دار و مایل وزارت مالبه بنده عقیده ام اینست که انفصال پیشکاران مالبه را بنظر هیئت دولت و وزیر مالبه بگذاریم بهتر است .

مخبر - اگر چه این ماده ممکن است همان مرض می‌کنم کسیکه بموجب فرمان همایونی از برای یک کاری برقرار میشود مقتضی نیست که انفصال او فقط راجع باشد بنظر خزانه دار و مایل وزارت مالبه بنده عقیده ام اینست که انفصال پیشکاران مالبه را بنظر هیئت دولت و وزیر مالبه بگذاریم بهتر است .

مخبر - اگر چه این ماده ممکن است همان مرض می‌کنم کسیکه بموجب فرمان همایونی از برای یک کاری برقرار میشود مقتضی نیست که انفصال او فقط راجع باشد بنظر خزانه دار و مایل وزارت مالبه بنده عقیده ام اینست که انفصال پیشکاران مالبه را بنظر هیئت دولت و وزیر مالبه بگذاریم بهتر است .

عرض کردم بنده هم ممکن بود باین نظر آقای معذل الدوله موافقت داشته باشم اگر یک اشکالی برای من نبود اگر آن اشکال رفع شود بنده هم موافقم - بله منطقی اینست که هر کس بر حسب حکمی که معین میشود بر حسب همان حکم منصرف شود اگر در تعیین پیشکاران مالبه لازم است فرمان همایونی صادر شود انفصال آنها هم یعنی درجه آخر انفصال که انفصال قطعی باشد باید بر حسب فرمان همایونی باشد موقوف کردن بحکم و زور است نمی شود مگر اینکه قسمت اخیر ماده را حذف کنند و قطع دارم که خود آقای معذل الدوله قبول نخواهند کرد آن قسمت حذف شود برای اینکه باید یک نظر صحیحی نوشته شده است و صلاح نیست حذف شود فرض بفرمائید انفصال پیشکاران مالبه را موقوف کردیم بنظر هیئت وزراء در اینصورت ممکن است نظر پیشنهاد کننده با نظر دولت موافقت نکند آن وقت مطابق این ماده حکمیت قضیه بپسجلس مشاوره عالی وزارت مالبه است و حکم آن را هم باید قطعی دانست و این خیلی غلط است که بپسجلس مشاوره استیفا حق رسیدگی در رای هیئت وزراء داشته باشد موافقت با هیئت وزراء نکند و مخالف باشد و این چیز غریبی می شود .

پس از این نقطه نظر این اشکال برای بنده باقی است اگر چه نظر آقای معذل الدوله در پیشنهاد خودشان با استحکام مأمورین دولتی است و البته در خدمات دولتی بدون استحکام هیچوقت نتیجه خوب گرفته نمیشود و این یکی از پدیدههاست که هر مأموری اعم از درجه بست باهالی برای این که بتواند موفق باجری اصلاحاتی که در نظر دارد بشود یکی از شرایط آن داشتن وقت است زائد نمیدانم عرض کنم اینکه ما تا بحال موفق نشده ایم اصلاحاتی بکنیم برای این بوده است که مصادر امور خیلی زود تغییر می‌کردند و بالاخره فرصت مطالعه و کار را نداشته اند پس معلوم است این پیشنهاد خیلی خوب است ولی این اشکال که عرض کردم وارد است اگر این اشکال رفع شود بنده هم عرضی ندارم .

مدرس - میخواستم توضیح بدهم اینجاکه نوشته شده است (ولی اگر اداره پیشنهاد کننده موافقت با انفصال مأمور مذکور نداشته باشد حکمیت قضیه بپسجلس مشاوره عالی رجوع می شود) پیشنهاد کننده مختلف است باید طوری نوشته شود که همه پیشنهاد کننده گان را برساند گمان می‌کنم اگر قبول بفرمائید که نوشته شود (اداره یا کمیسیون پیشنهاد کننده) رفع این محذور بشود .

مخبر - اگر چه این ماده ممکن است همان مرض می‌کنم کسیکه بموجب فرمان همایونی از برای یک کاری برقرار میشود مقتضی نیست که انفصال او فقط راجع باشد بنظر خزانه دار و مایل وزارت مالبه بنده عقیده ام اینست که انفصال پیشکاران مالبه را بنظر هیئت دولت و وزیر مالبه بگذاریم بهتر است .

فرمان همایونی معین میشوند نباشد طور دیگر آنها را عزل نمود و تصور می‌کنم مورد استیفاء هم با هیئت دولت است و مورد اول نظر وزیر است : وزیر مالبه حاکم است بر تمام اعضاء مالبه و امناه مالبه باید از طرف او معین شوند ولیکن در موقع انفصال پیشکاران خوبست وزیر مالبه نظر خود را با نظر رفقای خودش که وزرای دیگر باشند چون با وزیر مالبه در مسئولیت شرکت دارند موافقت بدهند پس از آنکه موافقت حاصل شد عزل آنها بدستخط همایونی می شود همچنانکه نصب آنها بفرمان همایونی بوده است چون بنده از تشکیلات وزارت مالبه اطلاع دارم عرض می‌کنم که برای ترتیب مدارج خدمات مجبور شدیم در کمیسیون بودجه دولتی یک مراتب اصلاحاتی واقفان شویم اینها مقرر شد که مملکت را بچهار ایالت تقسیم کنیم (چنانکه قانون اساسی هم مملکت را منقسم بایالات نموده) و مأمور مالبه هر ایالت را پیشکار نامیم و پیشکار را هم به سه درجه معین کردیم و مأمورین مالبه ولایات را امناه مالبه اسم گذاریم و امناه را هم به سه درجه تقسیم کردیم که امین مالبه درجه اول از حیث مقام و رتبه و حقوق نزدیک به پیشکار درجه سوم است پس تصور می‌کنم اگر اختلاف حاصل شود آن مدارج و درجات ازین بهرود .

کاش این نظر را زودتر خدمت آقایان عرض می‌کردم حالا موقع ننگ است و آقایان حاضر شده اند که رای بدهند و با کمال دقت مطالعه کرده اند اما یک کسی را که می‌خواهیم بفرستیم یک مملکت را که سه چهار کرور عایدات دارد (و امیدواریم زیادتر شود و بنده کرور برسد) اداره کند این شخص نباید حیثیتی داشته باشد که بداند باین زودی ها مفصل نباشد و حیثیت او متزلزل نباشد .

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل این جزء از فرمایشات آقای معذل الدوله نمی‌شوم که میفرمایند که در کمیسیون بودجه دولتی برای چهار ایالت پیشکار قرار داده اند و برای بقیه ولایات امین مالبه بجهت اینکه خارج از موضوع است و برخلاف عقیده بنده است و نظر خود را اجمالاً عرض می‌کنم و آن این است که نظر ایالتی و ولایاتی در حکم غیر از امور مالبه است نظریاتی که در کرمان شده است بواسطه وسعت اراضی کرمان و بلوچستان است و همچنین آذربایجان را که از نقطه نظر جغرافیائی وسعت اراضی آن زیاد تر است به ایالت تعبیر کرده اند ولی در خصوص مالبه اینطور نیست برای خاطر اینکه مالبه اصفهان کمتر از مالبه کرمان نیست و اگر هم باشد یک تفاوت جزئی دارد بلکه میتوانم عرض کنم که نازگی مالبه اصفهان بیشتر از مالبه کرمان شده است پس نباشد آنچه به پیشکار تغییر کرد و اینجا را به امین مالبه اما اینکه میفرمایند چون پیشکار مالبه بفرمان همایونی معین میشود با بر این اختیار انفصال هم باید به نظر دولت خوبست بفرمایند چون با فرمان همایونی بر قرار میشود انفصال هم بفرمان همایونی باشد این دلیل مطالب نیست و ماده قبل گذشت و بعد از گذشتن ماده گمان می‌کنم هیچ جای صحبت نباشد زیرا ترتیب تعیین پیشکار و امین مالبه را در آن ماده معین کردیم که پیشکار مالبه بر حسب پیشنهاد خزانه داری و تصویب وزیر معین میشود و اینکه میفرمایند رای هیئت مجلس

معدل الدوله - بنده عرض کردم که اگر مذاکرات خود را در ماده قبل عرض کرده بودم آقای مخبر قبول میکردند ولی حالا رفع اشکال ایشان را می‌کنم مجلس مشاوره عالی صورت استیفاقی پیدا نمیکند بنده با اینکه از آن نقطه نظر پیشکاران مالبه باید حیثیت اداریشان محفوظ باشد باز خودم را راضی می‌کنم که در مورد تعیین نظر خزانه دار و نظر پیشنهاد کننده محفوظ بماند ولی در مورد انفصال چنانکه خودشان فرمودند همانطوریکه بموجب

مشاوره عالی حکومت بر نظر هیئت دولت نداد و دخلی ساده بنظر میآید بجهت اینکه اختیار انفصال را میفرماید باینکه دولت باشد هیئت دولت وقت که میخواهد یک کسی را منصف کند و مثلاً بگوید پیشکار مایه فارس منصف است آنوقت با عدم توافق نظرات هیئت دولت منصف است آنوقت با عدم توافق نظرات مشاوره عالی ممکن است برخلاف رای هیئت دولت حکم بدهد این یک چیز خیلی خیلی غریبی بنظر میآید با این تفصیلات بنده تصور میکنم که همین ترتیبی که در اینجا نوشته شده خیلی خوب است و همان اشخاصی که پیشکاران مایه را منصوب کرده اند خود آنها هم باید اختیار انفصال آنها را داشته باشند و در صورت اختلاف نظر یک هیئت مشاوره اداری رجوع شود و الا نمیتوان یک مسئولیتی را بعهده یک وزیر گذاشت و باز گفت که در وزارتخانه خود هیچ اختیار نداشته باش چون آقای معذل الدوله فرمودند باید اختیار تعیین پیشکاران مایه باینکه دولت و انفصال آنها هم با آن هیئت باشد پس این وزیر که مسئولیت بعهده او واگذار میشود چه کاره است این است که بنده این ماده را صحیح میدانم دیگر بهتر از این نمیشود نوشت که اختیار انفصال مستقیماً با وزیر مایه باشد و در صورت مخالفت پیشنهاد کننده حکمیت آن هیئت مشاوره اداری که آنهم در تحت ریاست خود وزیر معتمد شود رجوع شود و باین مسئله خانم بدهد معجز - مشاوره در تکمیل فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله عرض میکنم که یک عیب دیگری هم دارد چون کارکنان و رئیس عدلیه و رئیس قشون کبیه این مأمورین در عرض هم هستند تفاوت ندارند و قتیکه وزیر امور خارجه میخواهد یک کسی را منصف کند میرود به هیئت وزراء و نه خبر خودش معزول میکند اهمیت کارکنان آذربایجان کمتر از پیشکار مایه آنجا نیست بلکه کار هاشم مهم تر و بزرگتر است و در اینجا فقط یک استثنائی است و راجع است بفرمانها و وجهی آنهم معلوم است بجهة اینکه مطابق قانون فرمانها را حق نظارت در تمام ادارات دارند لهذا مثل این است که از طرف کسباینه وزراء مأموریت داشته باشند مثل فرمانفرمای فارس و خراسان پس از اینجا این حرف را بزنیم منطقی است چون او مأمور بزرگ دولت است و باید بنظر دولت و هیئت وزراء معین شوند و این مطلب درباره سایر مأمورین صحیح نیست و البته باید واگذار کرد بنظر وزیر مسئول آن منتهای این است که برای تجدید کار و نفع عدم اختیار و تمرکز باید گفت انفصال یا وزیر باشد اگر پیشنهاد کننده موافقت نکند رجوع به مجلس مشاوره عالی بشود که مثلاً اگر وزیر مایه اشتباهی کرده و خواسته است آن پیشکار مایه را منصف کند آن اشتباه رفع میشود و او هم منصف نمیشود و در این موضوع تصور نمیکند زیاد باشد که هیئت وزراء واگذار کند و بنده هر چه فکر میکنم مستثنائی در اینکار نمیتوانم.

است که بنده انتظار داشتم آقای رئیس بفرماید از موضوع خارج شده ام نه آقای حاج شیخ اسدالله و امیدوار بودم که آقای حاج شیخ اسدالله تکلیف ترتیب اداره مایه را اینجا بدهند تشریف بیاورند در وزارت مایه و ملاحظه بفرمایند که پیشکار امین مایه چه چیز است و وظایف هر کدام چیست آنوقت در این موضوع بحث کنند آنچه که بنده تصور میکنم نظر آقای حاج شیخ اسدالله هیچ نظری نبوده جز مخالفت صرف با پیشنهاد بنده و در این موضوع هر چه فرمایش کردند فقط مخالفت بود بنده نظری ندارم آن پیشنهاد هم خوانده خواهد شد و دردم بشود هیچ عرضی ندارم ولی بنده عرض کردم و گفتم که حفظ حیثیت مأمورین یک ملکیتی را باید کرد و پیشکاری که مایه یک ملکیتی را باید کرد باید بگذاردیم نمایل چند نفری بتواند او را معزول کند و بنظر هیئت وزراء که در آن مسئولیت شرکت دارند بگذاریم که در آن باب مشورت بعمل آید **وزیر مایه** - در این موضوع که مذاکره شد بنده نمیتوانم باینکه آقای معذل الدوله مخالفت کنم برای اینکه وزراء تماماً (سلیبدازایه) دارند بهر اقدامی که وزارت مایه بکنند ناچار در یک همچو مسائل مهم با سایر وزراء تبادل افکار خواهد کرد و با ماده هم مخالف نیستم بدلیل اینکه شاید در آن مورد هم موقع خیلی مهم باشد و وجود یک پیشکار مایه اهمیت داشته باشد در آن صورت وزیر مایه با رفقای خودش تبادل افکار خواهد کرد فقط چیزی که میخواهم عرض کنم اینست که داخل در جزئیات مواد این قانون تشکیلات نمیشوم بعلم این که آقایان نمایندگان خیلی دقتها کرده اند و حسن و قبحش را سنجیده اند و الا بیل او را هم خوب میدانند فقط میخواهم عرض کنم که مایه از مختصات مجلس است و وزیر مایه مکلف است هر قانونی که از مجلس شورای ملی بگذارد اجراء کند بنده هیچ نمی توانم در مورد وزیر مایه یا خزانه دار نظر شخصی داشته باشم ولی امروز لازم میدانم خاطر نمایندگان محترم را متضرر کنم که این قانون در مجلس شورای ملی میگذرد قانون ۲۳ جوزا در نظر بیاورند و بعضی چیزهایی که لازم است در نظر بگیرند که در عمل دچار مشکلات نشوند وزیر یک اندازه اختیار داشته باشد که بتواند از زیاد موریهای که در خارج شده است جلوگیری کند و شاید بتواند وجود اشخاص را محفوظ بدارد که دچار مشکلات نشود و میتواند جمع خرج را توافق بدهد و قبول بعضی از مخارج که در اینجا لازم میدانم عرض کنم مجبور نشود لازم بود اجراء عرض کنم که نمایندگان محترم در نظر داشته باشند که چه قسم قانون بگذارد که طوری باشد و دچار مشکلات نشود **مخبر** البته نظر آقای وزیر مایه را مجلس در دقت در تقییل مخارج تقدیس و تصدیق میکنند ولی قبل از تشریف فرمائی آقایان وزیر مایه جمله را عرض کردم که مجبورم باز آنرا تکرار کنم و آن اینست که این قانون قانون بیست و سوم جوزا نیست و هرچسکس نمیتواند بین این دو قانون مقایسه قائل شود یعنی آنکسایکه درست دقت فرموده اند در دستور و حدودیکه برای ادارات و تأسیسات در این قانون معین

شده است بهیچوجه نمیتواند شباهتی بین این قانون و قانون ۲۳ جوزا قائل شوند و این نکته را هم لازم میدانم عرض کنم که این قانون قانونی نیست که بکنفر نماینده پیشنهاد کرده باشد اینرا هیئت دولت پیشنهاد کرده است و معلوم است که نمایندگان دولت هم این قانون را از روی مطالعه پیشنهاد کرده اند و اگر ایراد و قصوری که در این قانون تصور شود نمیتوان از طرف نمایندگان دانست بعلم اینکه این قانون را دولت پیشنهاد کرده است نه نمایندگان اما راجع به خرج که آقای وزیر مایه فرمودند بنده کاملاً با نظر ایشان موافقم خرج گذشته بقدری ما را متنبه کرده که در دادن یک نفران هم باید خیلی دقتهای فوق العاده بکنیم و این همان چیزی است که در این قانون کاملاً منظور شده است درست دقت بفرمایند در قسمت خرج اختیار منفرداً بهیچکس داده نشده است و بقدری تنگ و محدود شده است که حد و حصر ندارد بدلیل این که از هر اداره که حواله صادر میشود باید آن اداره چه در خود حواله وجه بهات صدور حواله وقت بکنند این یکمتر چه برای اینکه از اول خرجها جلو گیری شود و مخارج سابق تکرار نشود اما قائل بکمیسیون تطبیق حوالجات شدم و برای اینکه اعضاء این کمیسیون مثل سایر ادارات محکوم و موقوف با کارگس نباشد قائل شدم که از طرف مجلس انتخاب شوند و معتقد شدم که تطبیق حوالجات که در تحت یک قرارداد و قانون معینه باشد برای اینکه در خرج کردن دقت کامل بشود این درجه دوم بود درجه سوم چه چیز است نظارت و امضای وزیر مایه است که تا با امضای وزیر مایه نرسد حواله نیست اگر کسی یک نفران بدهد صحت ندارد این دو وجه سوم از جهت است که در خرج نشده و برای حوالجات اعتباری ولایات هم علاوه بر تمام این دقتها قائل شدم که پیشکار مایه بجز در این که حکمی برسد مکلف در دادن پول نباشد و در آن حواله و متعلقش نظر داشته باشد که اگر یک حواله دارای شرایط معینه نباشد قطعاً و قویاً از پرداخت آن اجتناب کند و لوی اینکه احکام متوالیه هم از رئیس او برسد و قتیکه اینطور دقتها شده است دیگر اشکالی در کار نداریم در صورتیکه خودمان میدانیم که این دقتها در حوالجات اسباب تسهیل کار نخواهد شد مثلاً و قتیکه یک خرجی پیدا شود تا وقتی که آن حواله بخواهد تمام آن مراتب را طی کند دچار اشکالات خواهد شد با این وصف تصور کردیم که در این مواقع که خیلی کم پیدا می شود تحمل این مشکلات را بکنیم و جلو ول خرجها را بگیریم پس آنوقت که در باب مخارج باید بشود کاملاً شده است و عرض یکدرجه و دو درجه عرض میکنم تا بنچدرجه تقییس برای مخارج قائل شده ایم این نکته هم باید گفته شود که باید بقانون عمل کرد ممکن است یک قانون بهترین قوانین دنیا باشد وقتی کسی بآن عمل نکند و آنرا بوقت اجرا نگذارد ایرادی بر آن قانون وارد نیست باز هم عرض میکنم این قانون از مد نظر مخارج بقدری محکم نوشته شده که تصور نمیکند محکمتر از این بتوان قانون نوشت **وزیر مایه** - در اینکه آقای مخبر فرمودند که این قانون را دولت پیشنهاد کرده است کاملاً موافقم فقط چیزی که در نظر دارم این است که

هیئت دولت حاضره یک پیشنهادی بر حسب تصویب و نظر تمام کنگها و هیئتها بر حسب مشاهده که در عملیات کرده بودند کرد و حالا داخل در آن هم نمی توانم بشوم و تکرار می کنم که البته هر طور مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم صلاح بدانند و قانون بگذارند هیئت دولت و وزیر مکلف با اجرای آن هستند و البته اجراء میکنند و تکرار مطالبی را هم که در کمیسیون عرض کردم در اینجا نمیدانم ولیکن لازم بود عرض کنم بواسطه معایبی که در عملیات می بینم باید خیلی دقت شود و - حالا چون شور دوم این قانون گذشته بیشتر از این نمیتوانم عرض کنم **مخبر** - باز هم مجبورم که بعضی عرایض بکنم چون آقای وزیر مایه اول داخل در قسمت خرج این قانون شدند بنده هم در آن قسمت عرایض خود را کرده و نخواستم در قسمت دیگر که مخالفتی شده بود عرض بکنم ولی چون راجع به ماده اختلاف اشاره فرمودند بنده از دادن توضیح ناگزیر شدم بلی همین طور است که می فرمایند این قانون را زمان کابینه آقای مشیرالدوله پیشنهاد کردند نمیتوانم عرض کنم این قانون قبل از مجلس میگذرد بالا بجهت که آقای مشیرالدوله پیشنهاد کرده بودند هیچ مغایرتی ندارد فقط مغایرتی که حاصل است اختلاف نظر با هیئت دولت حاضره است در باب تعیین پیشکاران و امناه مایه هیئت دولت حاضره پیشنهاد کرده بودند که بر حسب تصویب وزیر مایه معین شوند و خاطر نمایندگان محترم مسبق است که در شور ثانی کمیسیون هم این نظر را تصویب کرده و همینطور هم رایورت داده بود ولی بعد مطابق فلسفه عدم تمرکز اختیارات در یک نقطه ام از اینکه نقطه هر دو و در هر چا باشد بر حسب پیشنهاد یک نماینده محترم می آن ماده را بطریقی که گذشت نوشته اند و فقط اختلاف نظری که حاصل است راجع به تعیین پیشکاران و امناه مایه است و این را تصدیق خواهند فرمود که در عمل آن درجه معاینی که تصور میشود و منظور نظر ایشان است حاصل نخواهد شد بلکه بهتر است که تعیین پیشکاران و امناه مایه با چندین نظر مختلف باشد و البته شور در یک مجتبی اسباب تصحیح آن موضوع میشود و باعث تخریب نخواهد شد ولی چون که آقای وزیر مایه در فرمایش اول خودشان این نکته را در نظر نداشتند فقط راجع به خارج فرمودند بنده هم عرض نکردم این بود اختلاف نظری که مابین کمیسیون و هیئت دولت حاضره حاصل شد و معتقد بنده این طور که نوشته شده هیچ ضرری ندارد **حاج شیخ اسدالله** - در عرایض بنده یک سره تفاهمی شده است و آن این است که آقای معذل الدوله تصور فرمودند بنده عرض کردم ایشان خارج از موضوع شده اند در صورتیکه عرض بنده این نبود بلکه عرض کردم که اگر خودم بخواهم داخل در مذاکرات شوم خارج از موضوع است و بنده داخل در این مذاکرات نمیشوم و اطلاعات و تخصص ایشان را در امور مایه کاملاً تصدیق دارم و استدعا دارم کمتر این تصورات را بفرمایند **نایب رئیس** - چند فقره پیشنهاد شده است یک فقره از آقای ناصر الاسلام و یک فقره از آقای

معدل الدوله و یکی هم از آقای مبصر الملک قرائت می شود : (پیشنهاد معدل الدوله بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم انفصال پیشکاران مایه بنظر وزیر مایه و تصمیم هیئت وزراء است و انفصال امناه مایه فقط بسته بنظر وزیر مایه است ولی اگر اداره پیشنهاد کننده موافقت با انفصال مأمور مذکور الی آخر . (پیشنهاد ناصر الاسلام باین مضمون خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷۴ این قسم نوشته شود انفصال پیشکاران و امناه مایه بروق همان در جاتی خواهد بود که برای نصب آنها در ماده ۶۸ استثناء مراتب صدور فرمان مقرر شده است . (پیشنهاد آقای مبصر الملک باین مضمون قرائت گردید) پیشنهاد میکنم ماده ۷۴ این طور نوشته شود وزیر مایه در صورتی که انفصال یکی از پیشکاران و امناه مایه را مقتضی بداند بدو بمجلس مشاوره عالی رجوع نموده در صورت موافقت بحکم وزیر مایه منصف خواهد شد **نایب رئیس** - آقای معدل الدوله توضیحی دارید **معدل الدوله** - توضیح را قبلاً داده ام **نایب رئیس** - رای میکنیم در پیشنهاد آقای معدل الدوله آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قایل توجه میدانند قیام نمایند . (صده قلبی قیام نمودند) قایل توجه نشد (پیشنهاد ناصر الاسلام مجدداً قرائت شد) **نایب رئیس** - آقای ناصر الاسلام توضیحی دارید بفرمایند ؟ **ناصر الاسلام** - در وقتیکه در کمیسیون در موضوع انتخاب مأمورین یعنی امناه مایه که بر حسب پیشنهاد خزانه دار معین شوند مذاکره شد آقای مخبر توضیح دادند و بنده را قانع کرد من جمله در کمیسیون فرمودند خزانه دار یک مأمور است که مکلف بتمرکز هدایات است و امناه مایه باید با خزانه دار ارتباط داشته باشند یعنی بجهت وصول عایدات حتماً باید از طرف خزانه دار معین بشود پس چرا در موقع انفصال این فلسفه را نباید مراعات کنیم در صورتی که این مأمور مکلف است بر حسب دستور خزانه داری هدایات را وصول کند پس چرا انفصال او را بخزانه داری مندرجیت نمیدهند و میگویند که بوجب حکم وزیر مایه منصف شود بنده عرض میکنم همان فلسفه را که در موقع انتخاب معتقد شدم باید همان فلسفه را در موقع انفصال هم معتقد شوم فقط اشکالی که پیدا میکنم صدور فرمان های یونی بود که نمی توانستیم بگوئیم بوجب فرمان های یونی منصف خزانه مثل اینکه بگویند حکام وقت و یا رؤسای ادارات و ولایات باید بوجب فرمان های یونی منصف شوند اینها یک چیزهایی است که بایستی مربوط بهمان اداره که منصوب شده اند باشد فقط بر حسب تصویب وزیر و اداره که مسئول است باید منصف شوند حالا چرا انفصال امناه مایه را اختصاص بخزانه داری میدهم بهمان دلیل که برای نصب یک نفر نماینده خارجه یا مأمور دیگری اقتضای دقت نمی کردیم و برای مایه قائل شدم که روح ملکیت است و خیلی باید دقت در انفصال او بکنیم تا یک اندازه زیادی نیست و این تعویض هم آقای معدل الدوله پیشنهاد کرده اند بنده

در آن پیشنهاد اشکالی مشاهده میکنم و آن اینست که اگر نصب آنها از طرف دولت پیشنهاد میشد و بتصویب هیئت وزراء بود بنده قبول می کردم ولی همان طوری که در نصب او معتقد شده ایم باید در انفصال او هم معتقد شوم که بحکم هر کس که او را نصب کرده است بحکم همان شخص منصف شود حالا اگر یک اختلاف نظری در درجه اول و درم یابیم پیشنهاد کنند و وزیر مسئول در نصب و انفصال پیدا شود آنوقت بنظر آن سه نفری که در تحت ریاست وزیر هستند واگذار کند و تصور میکنم دیگر اشکالی نباشته باشد **نایب رئیس** - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارید ؟ **مخبر** - در این موضوع پیشنهادهای متعدد شده است در صورتی که اگر درست ملاحظه کنیم خواهیم دید اصل مطلب یکی است و اینها همه تصود را میرساند در اینصورت دیگر محتاج نیستیم یک پیشنهاد تازه بشود ولی چون امروز هم در کلیات این قانون رای گرفته نمی شود قبول میکنم که این ماده بماند و این پیشنهادها بکمیسیون رجوع شود که با حضور آقایان در کمیسیون تجدید نظری شود شاید خودشان متقاعد شوند **نایب رئیس** - پس این ماده باقی میماند ماده الحاقیه قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) طرز تعیین و تقییر و شرایط استخدام مأمورین مایه در حدود قانون تشکیلات مطابق نظامنامه خواهد بود که وزیر مایه از تصویب کمیسیون قوانین مایه مجلس شورای ملی خواهد گذراند **نایب رئیس** - آقای مدرس مخالفتی ؟ **مدرس** - آقای مخبر اگر بکنندری تمام بفرمایند این ماده الحاقیه گویا با آن ماده که کمیسیون مراجعه شد بی ارتباط نباشد بجهة اینکه اگر او تصویب شود یک قسمت این ماده زیادی است و اگر او رد شود تصود نمی کنم این ماده الحاقیه محل احتیاج باشد لهذا چنانچه او را قبول کردند خوب است این راهم قبول بفرمایند و برگردد بکمیسیون و آن ماده که برگشته است مطابق بندهای مطابق و تجدید نظر دوباره بمجلس عودت بدهند **مخبر** - بنده اصلاحی در این ماده الحاقیه بنظرم نمی آید زیرا مغایرتی باهم ندارند منتهای این است که اگر آن تصویب شد طرز تقییس معین میشود سایر ترتیبات میماند اگر این ماده تصویب نشد آنوقت این قسمت اولش هم طبقاً لازم میشود چون این ماده مختصر طرز تعیین و شرایطی است که باید در نظامنامه نوشته شود و خیلی از مسائل دیگری هم هست که در نظامنامه تشریح میشود **حاج شیخ اسدالله** - اگر در این ماده بطرز تعیین اجزاء جزء رای دادیم که موقوف بنظامنامه باشد آنوقت دیگر به این ماده نمی توانیم رای بدهیم مگر اینکه این طرز تعیین و تقییر را حذف کنند تا اینکه برای استخدام مأمورین مایه ترتیبی معین بشود بنده مخالفتی ندارم اگر خواسته باشید قسمت آخر این ماده را رای بگیریم و اگر نمیخواهند این ماده

بهین حال باشد و رای گرفته نشود تا آنجا که به کمیسیون رفته است تکلیفش معین شود و تصور میکنم تا تکلیف اینجاده معین نشود نمی توانیم در اینجاده رای بدهیم زیرا اگر تصویب شد دیگر نرسد تعیین و تغییر که در آن ماده پیشنهاد شده موقوف ندارد .

حاج عزالممالک - گمان میکنم گذشتن اینجاده مخالفتی با آن پیشنهاد نداشته باشد بجهت اینکه اینجاده تصویب میکند حدود قانون تشکیلات را این تصریح در حدود قانون تشکیلات است اگر یک رای هم در باب اجزای جزء بدهیم مخالفت نخواهد داشت که در باب رؤسای جزء هم رای داده باشیم همین - طوری که در خصوص پیشکاران مالبه هم بعضی ترتیبات را معین کردیم که اشخاص چه طور و شرایطش چه چیز است این بواسطه این بوده است که بایستی این قبیل مطالب در تحت یک نظامنامه معین شود مثلاً یک آدمی که هیچ درامورات مالبه مداخله نداشته در حدود قانون تکلیف اوجه چیز است باین جهت بود که این مطالب را موقوف بنظامنامه کردیم و همچنین نسبت بر رؤسای جزء زیرا اجزای مالبه منحصر به پیشکاران مالبه با امانت مالبه نیستند همانطوری که آقایان پیشنهاد کردند و آن ماده الحاقیه راجع با امانت مالبه است ولی نظامنامه برای تحصیلدارها و مستخدمین جزء خواهد بود برای منشی خواهد بود برای رئیس تعدیه خواهد بود این نظامنامه متعلق بآنها است بواسطه اینکه هر کدام از اینها درجات مختلفی دارند در عدلیه هم گویا قانونی که راجع باین موضوع باشد هست هم بنظر در باب مالبه هم باید قائل شویم یعنی ترتیبی برای طرز استخدام یا چیزهای دیگر که اگر داخل شویم ممکن است صد ماده برای آن بنویسیم و باید نظامنامه ای را کمی بنویسیم در حدودی باشد که این قانون معین میکند و جزء جزء مواد نظامنامه را ممکن نیست در قانون بنویسیم و نظریاتی که در طرز تعیین مأمورین و شرایط استخدام آنها هست و همین طور سایر مطالب در نظامنامه نوشته می شود که مثلاً تعیین فلان آدم بخیال شخصی رؤسای ادارات یا وزیر مالبه نباشد

مدرس - اگر چه میخواستیم بعضی از این مریس را در کلیات بکنیم لیکن لابد شدیم که عالییه عرض کنم عقیده بنده این است که این قانون بسیار خوب قانونی است و امیدوارم که از این قانون فایده کلی برای مملکت حاصل شود بجهت اینکه آنچه که بنده عرض کرده ام واقفاً آقایان و کلاه یک نظر اختصاصی در آن قانون داشته که واقفان قانون اساسی خوبی باشد و موجب راحتی مردم و اصلاح مملکت باشد بنده دوست دارم تنه آن قانون هم این قسم بگذرد که هیچ مغایرتی در کار نباشد و کلاماً با بیاناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند موافقم که اگر طرز تعیین و تغییر را در اینجاده گنجانیم مذاکره مان در آن ماده یک قدری قشری خواهد شد این را خوب است آقای مخبر یا این دو لفظ را الفاه میکنند و در باقی مانده مذاکره شود و رای بگیریم یا اینکه اهدیت ندارد نمایندگان هم موافقتند چون اصلاح لفظی است این ماده هم بر گردد به کمیسیون تجدید نظری شود و بعد بیاید بجلس و در ظرف پنجدهقه مذاکره شده رای گرفته شود در واقع

اختلاف اختلاف لفظی است و خوب است در کمیسیون نظری شود

سردار معظم - بنظر بنده هیچ مغایرتی حاصل نخواهد شد بجهت اینکه با گذشتن آن ماده هم طرز تعیین و تغییر نظامنامه معین خواهد شد ولی همانطوری که فرمودند چون اختلاف اختلاف لفظی است و هیچیک از نمایندگان با معنی مغایرتی ندارند بنده هم مضایقه ندارم که بکمیسیون بروم و تجدید نظری شود

نایب رئیس - پس اینجاده هم بر می گردد بکمیسیون ماده الحاقیه متعلق بآقای حاج عزالممالک است قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - طرز تعدیل و میزی مطالب نظامنامه خواهد بود که از طرف وزارت مالبه پیشنهاد و تصویب کمیسیون قوانین مالبه خواهد رسید

حاج عزالممالک - بموجب یکی از موادی که رای دادیم تعدیل و میزی را رجوع بداره تشخیص عایدات کردیم و البته اساساً این مسئله مربوط بهمان اداره تشخیص عایدات است ولی آقایان میدانند که طرز میزی و تعدیل تا بحال معمول نبوده و در بعضی جاها تازه شروع شده است و شاید خود بنده هم یک قدری در آن موضوع اطلاع دارم ولی اغلب چه از طرف مالکین و چه از طرف رهاها یک قدری اسباب شکایت شده بنده میخواستیم یک قدری بالاتر بروم و بگویم طرز تعدیل و میزی در ضمن یک قانونی نوشته شود و بجای اینجاده رجوع خواهد بود به میزی کل و البته حالیه شروع یک میزی کل نمیشود که حدود آنرا قانون معین کند ولی عیناً هم اگر یکی ساکت باشیم و این مسئله را قید نکنیم ممکن است آن اداره شروع بیزی کند و بطور واحد یک طرز در تمام جاها به میزی شروع شود این است که بنده قائل شدم که طرز این میزی هم در یک نظامنامه نوشته شود خواه در کمیسیون قوانین مالبه یا جای دیگر تصویب شود فرق نمی کند فقط نظر بنده این است که مطابق یک نظامنامه باشد که در حدود قانون و نظامات این تعدیل و میزی شروع شود و طوری باشد که تکالیف مردم و اداره تشخیص عایدات در تحت یک قوانین و نظاماتی مقرر شود

مخبر - بنده قبلاً از این پیشنهاد مسبوق بودم و می پذیرم که این پیشنهاد برود به کمیسیون و در آنجا نظری شود

نایب رئیس - دیگر چیزی در قانون تشکیلات مالبه نیست تا موادی که به کمیسیون ارجاع شده برگردد فلا کاری نداریم

آقای مؤید الاسلام از آقای وزیر مالبه سؤالی دارند آیا ایشان برای جواب حاضرند ؟

مؤید الاسلام - راجع به تظلمات امانت مالبه کسرمان از مسبو لکتر بعضی اشخاص را برای رسیدگی معین کردند و ابداً به تظلمات آنها رسیدگی نکردند فقط هشت هزار تومان از آنها گرفته میخواستیم بدانم هشت هزار تومان جزء جمع دولت آمده است یا خیر ؟

وزیر مالبه - در موضوع پیشکار مالبه کرمان گمان میکنم سابقاً هم از طرف نمایندگان معترم آن محل اظهار شده بود و همچنین در آن موقع هم

از بعضی امانت مالبه سایر ولایات هم کاملاً بر رویکی داشت شکایات رسیده بود و لازم بود در آنها تغییری داده شود و پیشکار یا امین مالبه برای آن محله معین شود ولی چون قانون تشکیلات مالبه از مجلس نگذشته بود و تکلیف وزیر و رؤسای ادارات کاملاً معین نبود و بعضی مسائل دیگر هم که میتوانم صاف و ساده عرض کنم موجب بعضی تمهیدات شده بود هنوز از مملکت ما این معالجات مرتفع نشده بنده در این موضوع مقتضی ندیدم اقدامی بکنم ولی یک زمینة حاضر کرده ام که پس از گذشتن این قانون در ظرف ۵ روز تمام این معالجات شروع شده و اصلاح میشود اما در موضوع این هشت هزار تومان که میفرمایند گرفته شده تحقیقات لازمه میکنم و در مجلس دیگر عرض میکنم

مؤید الاسلام - صورت هشت هزار تومان را تقدیم کرده ام

نایب رئیس - صورتش را دیده اند آقایان ارباب کبیسرو هم از اداره مباشرت استفاده اند اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی روز ۵ شنبه ۱۹-۳۱ ساعت بظهر مانده خواهد بود و دستور جلسه عبارت است از شور دوم در قانون پستی ولی از آقای مدرس و کمیسیون عدلیه که در مواد مجازات نظری دارند خواهش میشود وقت بفرمایند که زودتر از مجلس بگذرد و معطل نماند موادیکه از قانون تشکیلات مالبه ارجاع بکمیسیون شده آنها را اگر برسد جزء دستور خواهد بود

محمد هاشم میرزا - تجدید شعب را هم را جزء دستور قرار دهید

نایب رئیس - بطوریکه فرمودید تجدید شعب هم جزء دستور خواهد بود

ناصر الاسلام - بنده در ترتیب جلسات که قبل از ظهر معین کرده اند عرض میکنم برای بنده خیلی مشکل است علاوه اگر از برای گرما و سفت المصحه آقایان نمایندگان این منظور شده است باین ترتیبی که ما می آیم به مجلس و تا ظهر می نشینیم بنظر بنده حفظ المصحه هم مراعات نمی شود اگر آقایان موافقت داشته باشند جلسات عصر باشد بهتر است

نایب رئیس - این اظهاری بود که در جلسه قبل شده بود و مخالفتی هم نشده بود حالا اگر پیشنهادی دارید بفرمایند و این مطلب مذاکره زیادی لازم ندارد و مطلب مهمی نیست که مذاکره شود آقای ناصر الاسلام پیشنهاد میکنند جلسه آتی را برای عصر پنجشنبه معین کنیم آقایانی که موافقت میکنند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد پس جلسه صبح ۵ شنبه خواهد بود

وقار السلطنه - چون بنا بود که تکلیف بنده و آقای ارباب کبیسرو یکدفعه معین شود خواستم بینم در استغفای خودشان توضیحی داده اند

نایب رئیس - استغفای کتبی آقای ارباب کبیسرو خدمت آقای رئیس است اینجا نیست سکه خوانده شود چون خودشان تقاضا کرده اند که این مسئله در مجلس گفته شود این بود که اظهار شد حالا اگر توضیحی دارند خودشان میفرمایند

ارباب کبیسرو - بنده متجاوز از یکساعت

است استغفای خودم را خدمت آقای رئیس داده ام ولی نمیدانم بچه علت آقای رئیس مقتضی ندانسته اند که خوانده شود ولی بواسطه بعضی ترتیبات ناگوار اداری که پیش آمده بنده نتوانستم تحمل کنم استعفا میکنم استغفای مرا قبول کنند

نایب رئیس - کافتی از کاشان راجع بتظلماتی که کرده اند رسیده است فرستاده میشود بکمیسیون مریضی که وقت کنند و بتظلمین جواب بدهند

مجلس یکساعت و یکربع قبل از ظهر ختم شد

جلسه ۴۴

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ شهر رجب ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معمل الدوازه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه مقدم قرائت شد

قائب بدون اجازه آقای امام جمعه

غائب با اجازه آقای حاج شیخ حبیب الله

نایب رئیس - آقایان در صورت مجلس نظری دارند (اظهاری نشد) نظری نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور دوم در قانون پستی تجدید شعب و شور در بقیه مواد قانون تشکیلات مالبه بود موافق اطلاعی که حاصل شده است هنوز مخبر کمیسیون قوانین مالبه نتوانسته اند بقیه قانون تشکیلات مالبه را حاضر کنند دستور جلسه بمعمول کول میشود حالا شروع میکنیم بقانون پستی

حاج شیخ اسدالله - قانون شور اولش تمام نشده و اصولی که راجع مجازات بوده بکمیسیون برگشت که در آنجا با موافقت نظر بعضی آقایان اصلاحاتی بشود و بجلس بیاید و شور اول آنها بشود آن اصلاحات هنوز نرسیده است نمیدانم حالا که داخل در مذاکره میشود راجع بشور اول است یا اینکه بشور ثانی شروع میشود اگر بخواهیم شروع بشور ثانی کنیم گمان میکنم چون شور اول تمام نشده مطابق نظامنامه میتوانیم داخل در شور ثانی بشویم

مدرس - عرض میکنم چند ماده که از قانون پستی ارجاع بکمیسیون شد آن مواد را آوردند بکمیسیون عدلیه این چند روزه بواسطه اختلافی که در اوقات مجلس پیدا شد و مجلس قبل از ظهر افتاد اوقات کمیسیونها غیر منظم شد و چون کمیسیون عدلیه قبل از ظهر بوده منعقد شد مگر دیروز و در کلیات آن مواد مذاکره نشد آقای مخبر هم تشریف داشتند ولیکن تطبیق این کمیبری بر صورتات هنوز نشده احتمال میدهم در یک یا دو جلسه دیگر تمام شود مقصود این بود که قصوری از جانب کمیسیون عدلیه نشده در یک یا دو جلسه دیگر آن مواد تمام خواهد شد و به مجلس خواهد آمد

منتصر السلطان - در این باب که اظهار شد چون شور اول تمام نشده نمیتوانیم امروز داخل شور دوم بشویم بنده خواستم عرض کنم فصل مجازات فرستاده شده بکمیسیون و آن فصل بعضی دیگر کاری ندارد آن فصل بکمیسیون عدلیه فرستاده شده که با حضور نمایندگان مجتهدی که پیشنهاد کرده بودند نظریاتی بشود و با بعضی از اعضاء کمیسیون و است و تلگراف مشغول رسیدگی هستند لهذا اگر مجلس قبول کند

داخل در شور دوم بشویم ممکن است بنظامنامه هم رجوع شود که ببینم میشود یا خیر

مؤید الاسلام - بنده عرض می کنم قانون پستی شور اولش تمام شده بجهت اینکه در بعضی موادش که راجع بمجازات بود آقایان پیشنهاد کردند و رفت بکمیسیون و یک ماده اش را هم حذف کردند پس تصور میکنم شور اولش بکلی تمام شده و اشکالی ندارد

نایب رئیس - اگر آقایان صلاح بدانند رای میکنیم که داخل شور دوم مواد شویم یا نه بجهت اینکه سابقه هم دارد که گاهی بعضی از مواد قانون بر میگشت بکمیسیون و داخل شور دوم میشد حالا آقایان بیکه عقیده دارند در شور دوم قانون پستی شویم قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است

(فقره اول از فصل اول قانون پستی بضمون ذیل قرائت شد)

فصل اول - اداره پست مکلف است که اولاً کلیه مسافرین و بنه آنها را با بسته های مقرر و پست های فوق العاده حمل نمایند

ثانیاً اشیا مفصله ذیل را در تمام مملکت قبول و حمل در توزیع نماید:

یا کتبهای معمولی

یا کتبه و سایر اشیا سفارشی و یا کتبهائی که جاری و جوهیه شده باشند

امانات پستی سریع السیر

امانات پستی بطئی السیر

کارتهای پستی

جرایم و مطبوعات

مستورهای مال التجاره

اوراق کار

مراسلات راجع بادارات دولتی که مجاناً حمل و نقل میشوند

ثالثاً - پرواتی (مانند پست) بدهد که در دفاتر پستی داخل مملکت نادره شود

حاج عزالممالک - بنده در نظر ندارم که تا بحال در مجلس از قوانین فصل نوشته شده باشد فصلی معنی ندارد مواد نوشته شده بهتر است

مخبر - کمیسیون هم این مسئله را قبول کرد و در وقت نوشتن تصحیح میشود و مواد نوشته خواهد شد

نایب رئیس - در فقره اول مخالفی نیست (اظهاری نشد)

در فقره ثانی آقایان نظریاتی دارند ؟ (باز اظهاری نشد) در فقره سوم ملاحظاتی هست ؟

حاج شیخ یوسف - چون در ضمن فصل اول در فقره دوم مینویسد:

ثانیاً اشیا مفصله ذیل را در تمام مملکت قبول و حمل و توزیع نماید

نایب رئیس - فقره دوم گذشت

حاج شیخ یوسف - میدانم گذشت در فقره دوم نوشته است این اشیا را قبول می کنند در فقره سوم (پرواتی بدهد) بنده هر چه فکر می کنم

نمیفهم (قبول) (باید) چه مناسبت دارد بنده گمان میکنم این هیچ معنی ندارد

مخبر - البته آقایان میدانند که اداره پستی بولی میکند و برات میدهد و چون بولی را قبول میکنند که برات بدهد باینجهت اینطور نوشته شده

آقای سید فاضل - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که ترتیب پرواتی که اداره پست خواهد داد که در دفاتر پستی تأدیبه شود چگونه خواهد بود بجهت اینکه پروات تجارتی در بلد داخله ایران مختلف میشود بعضی جاها حق الحیاله میکنند و بعضی جاها میدهند این پروات از روی چه رویه و طریقه خواهد بود

مخبر - عرض میکنم این مطابق یک نظامنامه خواهد بود که بعد در اداره پست نوشته خواهد شد حالا معلوم نیست که به چه ترتیب دادوستد پرواتی شود البته مطابق رضایت طرفین خواهد بود اداره پست ممکن است هیچ نگیرد و هیچ ندهد و ممکن است یک چیزی بگیرد بهر حال این ترتیب مطابق نظامنامه که مینویسند معلوم خواهد شد

حاج شیخ یوسف - بنده باز تعقیب میکنم همان موضوعی را که عرض کردم وظیفه پست قبول اشیا مفصله ذیل است با عنوان کردن اینکه پرواتی بدهد هیچ ربطی بهم ندارد پس باید بفرستد قبول میکنند بولی بگیرد و پروات بدهد والا برات بدهند یعنی قبول ندارد

محمد هاشم میرزا - اگر ملاحظه بفرمائید هیچ محتاج به تصریح نیست این که نوشته یعنی قبول میکنند که پروات بدهد در این اشکالی نیست اما قسمتی که راجع بفرمایش آقای سید فاضل است که میفرمایند در باب صرف چه باید کرد آقای مخبر میفرمایند راجع بنظامنامه است بنده بنده مربوط بنظامنامه نیست صرف برات تجارتی هر روز یک ترتیبی دارد ممکن است در یک نقطه ۲ ماه یک صرفی داشته باشد و در نقطه دیگر سه ماه صرف نداشته باشد پس مربوط بنظامنامه نیست و از برای این مطلب نمیشود نظامنامه نوشت هر طوری که در اول است مطابق پروات تجارتی همانطور رفتار میشود بنظر بنده در تحت نظامنامه و قانون نمیشود آورد بجهت اینکه هر روزی تغییر میکنند

نایب رئیس - گویا مذاکره در این فقره کافی است - رای میکنیم بسانه اول این قانون آقایان بیکه موافقت قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند و ماده دوم بضمون ذیل قرائت شد)

فصل دوم - اداره پست امتیاز اعمال ذیل را بطریق انحصار داراست:

اولاً - حمل و نقل منظم و مقرر مسافرین و بنه آنها و حمل و نقل آنها توسط دستگاههای پستی فوق العاده در شوارع مملکت بوسیله دستگاهها یا کارهایائی که بقوه حیوان حرکت میکنند منزل بمنزل مالهایشان حوض میشود

ثانیاً - حمل و نقل منظم و مقرر مسافرین و بنه مسافرین بوسائل مکانیکی از طرق بری و چری مملکت که این وسائل وجود نداشته باشند و اداره پست آنها را تأسیس نماید

تیسرماً - انحصار حمل و نقل مسافرین و اشیا آنها

موقوف بر این خواهد بود که اداره پست تمام لوازم حمل و نقل را بقدر احتیاج و راحت مسافریین کاملاً تهیه نموده باشد.

نالتا - حمل و نقل مراسلات مهم از اینکه سرباز باشد یا سربسته

رایجاً - حمل و نقل کارتهائی که عنوان و مطالب دستی روی آنها نوشته شده باشند و کارتهای پستی خامساً حمل و نقل جرائد و اعلانات و اوراق اغطاریه و تفریه نامه و صورت قیمت اشیاء و اوراق ازهر قبیل در صورتیکه اسم گیرنده در روی آنها نوشته شده باشد.

سادساً - حمل و نقل منظم و مرتب مرسوله های سربسته ازهر قبیل که وز نشان از دومین تیریز تجاوز ننماید (این قبیل بسته ها امانات پستی نامیده میشوند)

نایب رئیس - در فقره اول ماده دوم نظریاتی هست؟

محمد هاشم میرزا - متذکر کردن بدستگاههای پستی فوق العاده یعنی چه آیا اگر

دستگاه غیر فوق العاده باشد اداره پست قبول نمیکند خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که ملتفت شویم مخبر - اینکه نوشته شده است بتوسط

دستگاههای فوق العاده بلاخطه این است که گاهی میشود اداره پست آن دستگاهی را که حرکت میدهد بقدری معمولات پستی زیاد دارد که گنجایش مسافریین را ندارد باین جهت آنوقت دستگاه فوق العاده حرکت میدهد که مسافریین را بتواند بسهولت و آسایش حمل نماید.

محمد هاشم میرزا - مقصود مقید کردن بقید فوق العاده است بنده گمان میکنم باید نوشته شود هم در معمولی و هم در فوق العاده منها اگر معمولی نشد فوق العاده خواهد بود و الا اگر مقید بقید فوق العاده باشد معلوم میشود که در دستگاههای معمولی مسافریین را حرکت نخواهد داد.

مخبر - گمان میکنم يك (واو) از اینجا افتاده باشد باید نوشته شود: (دستگاههای پستی و فوق العاده)

محمد هاشم میرزا - صحیح است باین ترتیب اصلاح میشود.

نایب رئیس - در این فقره آقایان نظری دارند؟

حاج شیخ اسدالله - بنا بود این الفاظ را نارسی کنند در اینجا نوشته شده (میکانیکی) باینکه در کمیسیون رفته است هیچ اصلاحی نشده.

مخبر - اگر بخوایم اینطور اصلاحات را بکنیم خیلی بمعظور می افتیم مثلا فارسی پست را چه باید نوشت؟ و کلمه کمیسیون در مجلس معمول است فارسی آنرا چه باید نوشت؟ از این قسم کلمات خیلی است اگر بخوایم این لغات را بفارسی ترجمه کنیم خیلی اسباب زحمت میشود پس باید اول يك آکادمی درست کرد که این لغات را در فارسی داشته باشیم آنوقت بفارسی ترجمه کرد.

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است باید بکمیسیون تفکر بدهید تا اصلاح شود در این فقره

دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) در تبصره آقایان اظهاری دارند؟

حاج شیخ اسدالله - اینکه نوشته اداره پست تمام لوازم حمل و نقل را کاملاً تهیه نماید آیا بچه شکل تهیه کند؟ آیا خود اداره پست باید تهیه کند یا اینکه قرار داد و کنتراستی با يك کمیانی به بند اگر مقصود این باشد که با يك کمیانی خارجه قرار دادی به بند بنده بکلی مخالفم که با کمیانی خارجه قراردادی ببندد ولی اگر بایدهود اداره پست وسائل حمل و نقل را تهیه کند بنده موافقت می کنم در صورتی که آقای مخبر توضیح بدهند مقصود او معلوم شود.

حاج عزالممالک - بنده تعجب میکنم از این که در این ماده بدون جهت برای حاج شیخ اسدالله این خیال پیدا شده این جابطور ساده میگوید در صورتی که اداره پست آن اسباب کار را بخوبی فراهم کند آنوقت انحصار با خود اوست حالاً ما بدون جهت اینجا فکرم کنیم که يك قراردادی و يك امتیازی خواهد داد و آن امتیاز بر خلاف قانون اساسی خواهد بود این چیز فریبی است اینجا بطور ساده نوشته است که هیچ هیچ مفهومی ندارد و بعقیده بنده هیچ ایرادی وارد نیست.

حاج شیخ اسدالله - بلی این بحث بر بنده وارد است که بگذردی فهم ناقص است تقصیر بر سایرین نیست فهم خود کم است در اینجا مینویسد انحصار در صورتی است که اداره پست تمام لوازم

اداره پست این است که وسائل حمل و نقل را که فراهم میکند بوسیله يك قرارداد با کنتراست با يك شخص یا يك کمیانی است اگر مقصود این است که اداره پست امتیاز بگیرد و با يك کمیانی قرار داد نبندد در این صورت بنده باین امتیاز موافقت ندارم این که می فرمایند عبارت خیلی ساده است بلی عبارت خیلی قشنگ نوشته شده ولی يك عبارتی است که اداره پست بواسطه آن يك اختیاراتی پیدا میکند که بهر قسمی که بخواید وسائل حرکت مسافریین را فراهم کند مثل این که تا بحال اداره پست نتوانسته است خودش از اینجا تا فریون لوازم حمل و نقل مسافریین را کاملاً فراهم کند و امتیازش را بکمیانی خارجه داده است - یا داخله یا خارجه حکاری ندارم اگر آقای معاون توضیح بدهند که وسائل حمل و نقل را خود اداره پست فراهم خواهد کرد بنده آن وقت تصدیق میکنم که این امتیاز بسجا است و اداره پست باید این امتیاز را دارا باشد اما اگر باین قسمی که حالا معمول است امتیاز را بگیرد و آن وقت امتیاز حمل و نقل را بيك کمیانی دیگر بدهد بنده عقیده ام این است که هیچ مناسب است امتیاز بدهیم آقای حاج عزالممالک که دفاع کردند و فرمودند مطلب خیلی واضح است بنده تعجب می کنم چرا آقای معارن و مخبر خودشان دفاع نمیکنند.

مخبر - اولاً مقصود اداره پست از اینجاده این است که خودش وسائل حمل و نقل را فراهم کند و با اجازه کنتراست نهد چنانچه ملاحظه فرمایند در فصل ششم هم در این باب اشاره شده است که پس از این که کنتراستهای حالیه تمام شد اداره پست

خودش اینکار را خواهد کرد بهلاوه اداره پست تا امروز اینکار را نکرده که امتیاز را بيك تبه خارجه واگذار کند و تا امروز در تمام طرفیکه پست حمل و نقل می شود حتی همین قدر سعی کرده است به نوبی که شعبه داخله باشند قرار بدهد به تبه خارجه و هیچوقت يك اداره دولتی نمی آید حمل و نقل پست خود را بعهده يك خارجه واگذار کند

حاج شیخ اسدالله - اگر چه این تبصره بر حسب ظاهر و بنابر نظریات بعضی از آقایان قابل مذاکره نیست ولیکن بر عکس عقیده بنده قابل خیلی مذاکره است و خیلی تشکر می کنم از آقای مخبر که این جا بگذردی توضیح دادند که امتیاز اداره پست دارای خواهد بود بطوریکه خودش کاملاً لوازم حمل و نقل مسافریین را فراهم بکند با این توضیحی که آقای مخبر دادند الان عرض می کنم که در صورت مجلس نوشته شود در دفتر مجلس بماند که این امتیاز را وقتی اداره پست دارا خواهد بود که خودش کاملاً لوازم حمل و نقل مسافریین را فراهم بکند و با این بیان گمان میکنم دیگر لازم نباشد تفسیری در این عبارت بدهند و اگر این مذاکره نشده بود عقیده ام این بود که عبارت تغییر داده شود و حالاً همین توضیح که دادند قناعت میکنم

نایب رئیس - آقایان مذاکره را کافی می دانند؟ (گفته شد کافی است) در فقره سوم مخالفی هست؟

حاج شیخ اسدالله - متأسفانه بنده بعقیده دارم که مجبورم در این مورد مخالفت نمایم بواسطه اینکه امتیاز بيك چیزی است که تصور میکنم منافی آزادی باشد و حتی الامکان باید این امتیاز که مخالف با آزادی عمومی است بترتیبی داده شود و طوری شرح بدهند که اسباب فشار بر عامه نباشد از این جهت است که بنده با این امتیاز که حق فرستادن کاغذ را انحصار بداره پست میدهد بطوریکه هیچکس نتواند کاغذ خود را بفرستد مخالف هستم اگر چه در ماده دیگر در این باب توضیحی داده شده ولی بعقیده بنده وافی بمقصود نیست بنده سزاوار نمیدانم که مخالفت با تقضیات مملکتی امتیاز فرستاده شود یا گنها را کلبه بداره پست قرار بدهیم اگر چه میفرمایند دولت این امتیاز را دارا میباشد اداره پست کار نمیکند ولی بنده مخالف این عقیده هستم و عرض میکنم که شاید مستغانه خارجه باین امتیاز را دارا باشند لکن در ممالک خارجه بيك اسبابی برای حمل این قسم چیز ها از قبیل راه آهن های پستی سریع و غیر سریع - السیر هست که هر کس بهر نقطه بخواید کاغذ بفرستد با کمال سهولت میفرستد و مقرون بصرفه هم هست و کاغذی را که بداره پست میدهد خیلی زود بحمل مقصود میرسد اما در مملکت ما اینطور نیست بسا هست که من اگر بخوایم یک نفر قاصد مخصوص بجائی بفرستم و یا چند نفر برای يك مطلب مهمی اگر بخوایم يك کسی را بيك نقطه بفرستد باین تا امنی طرق و شوارع شاید دهم روز و دتر از اداره

پست میرود این است که باید يك موقعی این امتیاز را داد که لوازم اینکار برای دولت فراهم شده باشد و اسباب آسایش رفاهیت عامه بشود بنده در شور اول هم در موضوع تقضیات و مجازات عرض کردم که مردم در فشار و زحمت می افتند برای

اینکه تقضیات در این کار را بطوری سخت گرفته اند که مجبور هستند تمام مردم را در بین راه کاوش کنند که مبادا کاغذی با خودشان حمل کرده باشند و بنده هیچ مخالف امتقضیات مملکتی نمیدانم که اداره پست چنانکه تا بحال بوده این انحصار و امتیاز را نداشته باشد و مردم هم آزاد بودند و هیچ نقضی هم در اداره پست خودمان نمی بینم و خیلی هم منظم و مرتب کار میکنند و تصور میکنم که صلاح نباشد برای این که

فایده ای در این امتیاز پست زیاد شود این امتیاز را بدهیم و مردم در فشار و زحمت بیفتند این است که بنده باین امتیاز بکلی مخالفم

مختصر السلاطین - مذاکراتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند دو فقره بوده يك فقره راجع به تقضیات و مجازات بود که مربوط باینجا نیست و مراد تقضیه بعد می آید و استدعا میکنم وقت مجلس را نگیرند و آقای رئیس هم در موقع اخطار بفرمایند که مذاکره را در موقع خودش بفرمایند که خیلی وقت مجلس تلف نشود و يك فقره دیگر هم راجع بانحصار مذاکره کردند بنده عرض میکنم خیلی چیزها خوب است ولی باید صرفه دولت و ترتیبات بودجه مملکت را هم ملاحظه کرد و بيك ترتیبی برای اداره پست قرار داد البته در خاطر دارند که چند روز قبل که در خصوص بودجهها صحبت میکردیم و بواسطه نداشتن پول بودجهها را رد کردیم در بودجه تشکیلات جدید که یکی از آنها راجع به

عدایه های مملکتی بود رأی نهادیم حالاً چگونگی میتوانیم بعضی بیانات قشنگ رضای یک هرج و مرجی در يك اداره بدهیم که مخارج زیاد دارد و باید سالی صد و پنجاه الی دویست هزار تومان هم بدهد بعهده بداره این قرارداد پستی چیزی است که با تمام دول و تمام جاها بسته شده بطور می شود ما خودمان در این باب بيك هرج و مرجی رضی شویم که تمام افراد مردم هر جا بخوایند بروند مختار باشند یا کات و امانات را خودشان حرکت بدهند پس معلوم میشود برای اینکه انحصار اداره پست

بمردم صدمه میزند باید در دستخوارها ببنده و هر کس آزاد باشد پست را بحمل خودش حمل کند و هر مسافر دچار آزار شتر دار مثل ایام قدیمه و قاصد های سابق بیاید بگوید یا کات ها را بدهید ما حمل کنیم به بریم - در باب تقضیات هم وقتی که به مواد آن رسیدیم می توانستیم اظهارات خودشان را در آنجا بکنیم و بفرمایند که این تقضیات سخت است و باید قلائط نوشته شود لکن حالاً

نمیشود وقت مجلس را گرفت و در ماده دو ساعت حرف زد بنده هم میتوانم متصل حرف بزنم استرحام نمایم توجه خلق را بطرف خود جلب کنم ولی باید نظریات اساسی باشد همیشه بود قانون نگاه کرد که دست و پای دولت بسته شود همین قسم میشود و بواسطه همین نقطهها و بیانات است که تمام کارها بی ترتیب مانده است.

نایب رئیس - آقای مدرس پیشنهادی نموده اند فرائت میشود و بعد رأی میگیریم (پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم نالتا چنین نوشته شود جدول و نقل مراسلات بوسائل پستی

مدرس - عرض میشود که فرض اروضح قانون

آسایش خلق است در امور معاشیه و اگر فائده هم برای دولت داشته باشد خیلی خوب است خصوص اداره پست که فرض اصلی از آن آسایش حق است که امور تجارت و مطالبشان بسرعت پیش برود دولت پیشنهاد کرده است و گویا صلاح هم در این باشد که نحوه پست بطریق امتیاز باشد که اینک در تمام روی زمین پست بطریق امتیاز است یعنی در يك مملکت نمیشود که اداره پست دایر باشد و اداره پست بنحو انحصار و اختصاص ماموریت است لیکن مسئله پست يك مطلبی است و مسئله کاغذ بردن يك مطلب دیگر باید آقای مخبر توضیح بدهند تا ما بفهمیم که دولت بخواید امتیاز و انحصار کاغذ بردن را بگیرد یا بخواید امتیاز پست را بگیرد مسئله کاغذ بردن را که مفاد این عبارت است مثل این است که متلابنده از طهران بخوایم اسفهان بيك کسی یا کتب بن میبندد و میگوید این کاغذ را در اسفهان بخوانند من بدهم منم این کاغذ را میبیرم و بخوانند او میدهد آیا مراد از این ماده این است که این یا کات را من نبرم و صاحبش ببرد بداره پست بدهد اگر مراد این باشد عرض میکنم این معنی رفاهیت خلق نیست و ابتدائاً باید این را بدولت امتیاز داد بلکه باید امتیاز پست را بدولت داد یعنی اگر کسی بخواید با مال یا قاصد کارش را این قرار بدهد که کاغذ ببرد نتواند و امتیاز این کار با دولت باشد مصلحت مملکت و آسایش خلق در این است که انحصار پست با دولت باشد اما امتیاز کاغذ بردن با دولت باشد این بيك چیز فریبی است که ما اینکه دوازده سال قبل که ما در هریستان بودیم و آنجا هم میخواستند همین بنا را بگذارند که هر کس کاغذ دارد ببرد بداره پست بدهد و تبریز بداره پست نشد و نخواهد شد و نتایجش هم همان است که من بینم پس باید کاری کرد که هم رفاهیت و آسایش خلق در آن باشد و هم نقی هاید دولت شود لهذا عقیده بنده این است بطوریکه این پیشنهاد را کرده ام نحوه پستی انحصارش با دولت باشد اما کاغذ های انفرادی ابتداً صلاح نیست که انحصارش بدولت داده شود و فائده هم بر آن مترتب نیست لهذا در این باب پیشنهادی کرده ام که اگر آقایان صلاح بدانند رأی بدهند

مخبر - عرض میکنم اداره پست مقصودش از این انحصار این است که بوسائل حمل و نقلی که در این مملکت موجود است اهم از کارچی یا چاروادان یا قاصد نتواند کاغذ را حمل کند اما اینکسه آقای مدرس میفرمایند اگر يك مسافری بخواید حرکت کند اداره پست جلو گیری میکند عرض میکنم مسافریین بر دو نوع هستند يك جور مسافری هست که با کاری حرکت میکند و هر کاری روزی ده یا بیست نفر مسافر حرکت میکند بدهد اگر چه کدام این مسافریین که متلابنده باصفهان بروند در آنجا بیاید یا کات از اینجا بگیرند بپرند البته اداره پست باید جلو گیری نکند اما اگر يك نفر مسافر معمولی که با مال خودش حرکت می کند بيك يادو کاغذ از رفتن خودش بگیرد و باصفهان ببرد اداره پست جلو گیری نخواهد کرد ولی البته هر موقعی که از برای دخل خودشان بخوایند این کار را بکنند اداره پست جداً جلو گیری خواهد کرد ولی اگر مثلاً بيك یا کات مال بنده باشد و بخواید ببرد اهمیتی ندارد و بهلاوه در ماده ۳ تصریح شده است اشخاصیکه یا کات های شخصی داشته باشند

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - این طرزیکه آقای مخبر فرمودند بنده تصدیق دارم که اگر کسی شغلش این باشد که بخواید بيك محلی برود کاغذ جمع کند و پول بگیرد آن کاغذ ها را ببرد البته این عمل عمل پستی است و بنده تصدیق کردم که امتیاز پست باید با دولت باشد ولی این بيك مفهومی است که میفرمایند و در این مملکت مصداق ندارد که بکفتری مثلا از يك محلی بحمل دیگر برود بیاید کاغذ های مردم را جمع کند و بخواید با کاری پست آن کاغذ ها را بآن محل بفرستد مسلم است از این قبیل اشخاص اداره پست مکلف است جلو گیری نماید عرض بنده این است که مقنن باید قانون را طوری بنویسد که موادش خیلی واضح و روشن باشد و مواد مشتبه کم داشته باشد و این عبارت که در اینجا مرقوم

فرموده اند از همان موارد است و معلوم نیست که مرادشان اینست که زیاد از دو یا ۳ کاغذ را که شخص یا خود میبرد اداره پست بگیرد یا کات کسی با کاری پست میبرد بگیرد یا از مسافر غیر کاری را بگیرد بنده هیچ تفهیم خوب است بيك عبارتی بنویسند که شهادت کم باشد که اسباب صدمه و اشکال فراهم نیاید و همان مقصودی هم که دارند حاصل شود

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا اجازه خواسته اند چون عضو کمیسیون پست و تلگراف نیستند خوب است واگذار کنند آقای مختصر السلاطین اظهارات خودشان را بفرمایند

مختصر السلاطین - نظر را که آقای مدرس دادند بنده آن نظر را خیلی تمجید و تقدیس میکنم و بيك نظر خوبی است ولی تصور میکنم موقع این پیشنهاد در اینجا نباشد و در ماده سوم است زیرا دو فصل سوم ذکر شده است که چه قسم یا کات را مردم آزادانه ببرند و چه قسم یا کات را غیر نوکر بچه نوع میتوانند نوکرهای شخصی یا غیر نوکر بچه نوع میتوانند یا کاتهای خودشان را حمل نمایند پس خوب است این پیشنهاد را در آن ماده بفرمایند شاید کمیسیون هم بتواند عقیده ما را قبول کند زیرا در این ماده که متعلق بانحصار است نمی شود این پیشنهاد را قبول کرد اگر در ماده سوم که شرایط راجع بیاکات را ذکر میکند و پیشنهاد کنند بهتر است بنده تصور می کنم مودش آنجا باشد و در اینجا هم نمی تواند قبول کند کمیسیون نمیتواند قبول کند

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

مدرس - جایش اینجا است بواسطه اینکه در اینجاده مورد امتیاز را ذکر میکند و میگوید یکی از موارد امتیاز یا کات است بنده عرض میکنم مراسلات را بطور مطلق نمیتوان امتیاز داد و باید عبارت را تغییر داد یا بآن نحوی که بنده پیشنهاد کردم یا نحوی که آقایان پیشنهاد کردند لفظی ذکر

شود که رفع اشتباه بشود بنویسند (حمل مراسلات بواسطه پستی منحصر بدولت است) با هم مکتور عرض میکنم کسی در این مملکت نمیتواند پست را اداره کند نه اینکه میتواند کافند ببرد چه پامال چه با کاری چه با دوش نمیتواند پست را اداره کند و پست منحصر بدولت است اما کفایت بردن منحصر بدولت نیست .

بنده پیشنهاد کردم اگر آقای مخبر قبول میکنند بر گرداندند بکمیسیون والا رای بگیرند .

نایب رئیس - آقای مخبر قبول دارند یا رای بگیریم ؟

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم

نایب رئیس - پس پیشنهاد قرائت می شود رای میکنیم

(مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رای میکنیم در قابل توجه بودن این پیشنهاد . آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - در فقره چهارم مخالفی نیست ؟

آقای سیدفاضل - همان تغییری که آقای مدرس در فقره سوم فرمودند در فقره چهارم هم تصور میکنم لازم است زیرا کارهای پستی با مراسلات فرق ندارد اگر بنا باشد مطابق کارها بدولت انحصار داشته باشد سلب آزادی و آسایش از مردم خواهد شد بنده هم در اینجا همان پیشنهاد را میکنم

مخبر - از لا خود آقا ملاحظه فرمایند که نوشته شده است کارهای پستی یعنی چه غیر از اداره پست که کسی کار ندارد

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست در فقره پنجم نظریاتی هست ؟ (اظهاری نشد) در فقره ششم هم مخالفی نیست در تبصره یک پیشنهادی از طرف آقای مدرس شده است خوانده میشود

(بعضون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که آخر تبصره ضمیمه شود (اداره پست میتواند با داخله در تأسیس مذکور شرکت نماید یا قراری بدهد)

نایب رئیس - یک پیشنهاد هم از طرف آقای حاج شیخ اسدالله شده قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ذیل قسمت ثانی ماده (۲) اینطور نوشته شود :

تبصره انحصار حمل نقل مسافرین و اشیاء آنها موقوف بر این خواهد بود که اداره پست مستقیماً تمام لوازم حمل نقل را بقدر احتیاج راحت مسافرین کاملاً تهیه نموده باشد

نایب رئیس - آقای مدرس در پیشنهاد خودتان اگر توضیحی دارید بفرمایند

مدرس - چون دو تبصره فرمایش فرمودند انحصار حمل و نقل مسافرین و اشیاء آنها موقوف بر این خواهد بود که اداره پست تمام لوازم حمل و نقل را بقدر احتیاج و راحت مسافرین کاملاً تهیه نموده باشد در اینجا پیشنهاد کردم که ضمیمه شود که اداره پست میتواند فقط با داخله در فراهم کردن این تأسیسات شرکت کند و قراری بدهد و این نظر همان است که

آقای حاج شیخ اسدالله اظهار فرمودند که اگر بخواهد میتواند با اتباع داخله قرار دادی بکند و یا پش کتی بنماید مثلاً از اینجا تا اصفهان را با یک نفر از اتباع داخله قراری بدهد و یا با او گذار کند که اداره را درست کند و حمل نماید و با اداره پست شرکت کند بنده لازم میدانم این عبارت ضمیمه آخرین ماده شود

مخبر بنده تصور میکنم لزومی نداشته باشد بجهت اینکه اداره پست حتی بقدر در صدد این است که وسائل حمل و نقل را خودش فراهم کند و فرستاده که لازم شد که با یک نفر دیگری در بعضی خطوط شرکت یا کتراتی نماید تا امروز یا نظیر این را ندیده ایم که اداره پست با یک نفر خارجی یک کتراتی کرده باشد البته با یک نفر داخله که کتراتی میکند اداره پست یک اداره دولتی است بهیچوجه من الوجوه حاضر نخواهد شد که یک کتراتی با نتمه خارجه به بند مخصوصاً دو قانون تصریح شده که با اتباع خارجه نباید داخل مذاکره شوند و کتراتی به بند مخصوصاً اداره پست می آید کار را به نتمه خارجه واگذار نمی کند .

مدرس - با اینکه خود آقای مخبر این مطلب را تصدیق دارند که صلاح وزارتخانه و اداره اینست خوب است همین چیزی را که بنده نوشته ام قبول فرمایند زیرا مانعی نمی بینم که این عبارت در اینجا اضافه شود و البته مقتضی تکلیف یک اداره همین میفرمایند بنده مانعی نمی بینم که این دو کلمه را در آخرین ماده منظم کنند و این اجازه با اداره پست داده شود زیرا بنده یقین دارم چند سال دیگر خود اداره پست نمی تواند خودش وسائل حمل و نقل را کاملاً فراهم کند باید شرکت پیدا کند ملاحظه بفرمایند که کتراتی با نتمه خارجه را از اینجا تا اصفهان را یک نفر شرکت نمایند و از اینجا تا خراسان را با دو نفر و همچنین سایر ولایات را دولت باید حتماً اینکار را بکند حالا آقای مخبر این نظر را دارند خیلی تقدیس میکنم مجدداً تنها دارم این دو کلمه را بر این ماده اضافه کنم و این اجازه از طرف مجلس با اداره پست داده شود و عقیده ام این است صلاح اداره پست هم همین است که از طرف مجلس اجازه داشته باشد .

نایب رئیس - اصلاح آقای مدرس مجدداً قرائت می شود و رای می گیرم (مجدداً قرائت شد)

آقایانیکه با این اصلاح موافقت دارند قیام فرمایند (همه کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - گویا مذاکره در این خصوص کافی است - رای میکنیم با اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(همه قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد - در ماده دوم چون اصلاحی شده بود ارجاع بکمیسیون شد دیگر رای نمی گیریم ماده سوم قرائت میشود

(فقره اول از ماده سوم بعضون ذیل قرائت شد)

ماده اول این قانون که اداره پست را مکلف بعمل مسافرین و غیره میکنند رأی میدهند و میگردد ولی در ماده ثانی که اداره پست میخواند و وسائل این کار را فراهم کند یک مخالفتی میشود که بنده هیچ نمیتوانم بفرم مقصود از این مخالفتها چیست اداره پست و وسائل حمل و نقل را بچه ترتیب باید فراهم کند این مربوط بقانون نیست که بگوئیم ترتیب فراهم کردن وسائل آنرا باید در قانون بدهیم ممکن است اداره پست با یک کسی قرار داد کند که بگوید یا نصد تومان بشما میدهم این راه را درست بکنید حالا میفرمایند قرار داد با دیگری نباید یا یک کتراتی نکنند اداره پست باید حتماً وسائل حمل و نقل را تهیه کند چه خودش باشد و چه اشخاص دیگر اگر میفرمایند اداره پست در تمام راه ها اسباب ها و اسبها و اتومبیل ها و چیزهایی که لازم است خودش خریداری و مباشرت کند یعنی حتی صلحناش را هم خودش معین نماید و اجرت بدهد البته تمام آقایان تصدیق خواهند فرمود که این ترتیب بکل ضرر دولت است و چنانچه ملاحظه فرمایند برای صرفه دولت مجبور هستیم بعضی محله را بطور اجاره و استجاره به بعضی اشخاص واگذار کنیم و البته در هر موقع صلاح و صرفه اداره پست اقتضا کند خودش اسباب و دستگاه راه را بماند زود این کار را خواهد کرد ولی اگر دیدیم یک کسی می آید و این کار را بوسائل بهتری تهیه میکنند و بطوریکه در فصل اول تصریح شده مسافرین را صعب و سالم میرساند و اسباب آسایش آنها را مرتب و فراهم می کند با او یک قراردادی ببیند که مسافرین را حرکت دهد و این مسئله هیچ ارتباطی با آن قومایشانی که آقایان فرمودند که اداره پست یک اختیارانی که داراست آن اختیار خودش را بدیگری واگذار میکند یا امتیاز خودش را بدیگری میدهد ندارد و این خیالی نلی باطل است و چنین چیزی نیست زیرا اداره پست اگر قراردادی ببیند قرارداد موقتی است و البته این قرارداد لازم است و صرفه دولت در اوست دیگر تصور نمیکند هیچ یکی از نمایندگان در این خصوص مخالفتی فرمایند و آنچه را هم که آقای مدرس پیشنهاد کردند بنده سکوت نمودم بجهت این بود که آقای مخبر توضیحی که لازم بود در این خصوص دادند این مسئله بدیهی است زیرا اگر از طرف اداره پست قرارداد یا کتراتی با کسی بسته شود باید با مضای وزیر مسئول برسد و مطابق همان دستور و قوانین که در دست دارد باید رفتار کند و در تمام موارد باید این نکته رعایت شود .

نایب رئیس - گویا مذاکره در این خصوص کافی است - رای میکنیم با اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(همه قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - مراسله ای که اشخاص مختلفه توسط کاشتکاران خود برای بکدیگر میفرستند و مراسلاتی که مردم به پستخانه می برند و یا از پست خانه می گیرند .

نایب رئیس - در فقره سوم معارضی نیست ؟ (اظهاری نشد) فقره دوم قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

رایبکمراسله ای که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع بامور شخصی خود آنهاست . (در فقره چهارم نیز مخالفتی نشد و فقره پنجم به بعضون ذیل قرائت شد)

خاصاً - بارنامه و صورت حساب های سرباری که تجار بهرامی مال التجاره خود میفرستند و شامل

مطالب دیگری جزء اطلاعات راجه تحویل دادن مال التجاره نیست .

نایب رئیس - در فقره پنجم اعتراضی نیست ؟ (مخالفتی نبود فقره ششم قرائت شد)

سادساً - اوراق راجه به سایر ادارات حمل و نقل عمومی که با وسائل حمل و نقل خودشان فرستاده می شود .

نایب رئیس - در این قسمت هم ایرادی نیست فقره هفتم خوانده می شود

(باین مضمون قرائت شد)

سابماً - مراسلات متبادله قیامین دول خارجه و نمایندگان آنها از قبیل سفراء و وزراء و کنسولها که در مملکت ایران بسمت رسمیت مملکتند و در خروجی های سفارتی بموجب قرار داد حمل و نقل می شود .

تالیماً - مراسلاتی که از نقطه نقطه ارسال میشود که در آنها پستخانه نباشد

نایب رئیس - در فقره هفتم مخالفتی نیست

عادل الملک - بنده نظریاتی داشتم که می خواستم در مستثنیات عرض کنم ولی پیشنهاد آقای مدرس آن نظریات بنده را مرتفع می کند بجهت این که قانون نباید مختصر باشد و باید در تمام جزئیات او نظر بشود ولی در آنموقع تصور نمیکند محلی برای این مطلب باشد حالا یک تردید عقیده دارم که اگر آن پیشنهاد قابل توجه کمیسیون بشود سایرین دیگر لازم نیست بنده نظریات خود را عرض کنم و اگر قابل توجه نشود و کمیسیون تصدیق نکند آن نظریات من باقی است

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مغایرند ؟

محمد هاشم میرزا - بلی آقای عادل الملک موافقم می خواهم عرض کنم اگر این پیشنهاد آقای مدرس هم مثل پیشنهاد بنده که قابل توجه شد و کمیسیون رفت دوباره برنگشت بشود همان تردیدی که برای آقای عادل الملک حاصل شده برای بنده هم هست ولی اگر پیشنهاد آقای مدرس قبول شد معنی آن پیشنهاد بنده نیست حالا مردم که پیشنهاد قبول میشود یا رد می شود اگر کمیسیون قبول کرده است بگویند تا بدانم .

مخبر - پیشنهاد آقای مدرس هنوز معلوم نیست در کمیسیون قابل توجه بشود یا نشود بجهت اینکه این مسئله باید در کمیسیون مذاکره شود و اما راجع به پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آن پیشنهاد طوری نوشته شده بود که کمیسیون نمیتوانست قابل توجه بداند بجهت اینکه اول محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده بودند که در فاصله نقاطی که مسافر معمولی زودتر از پست برسد آزاد باشند ممکن نیست این پیشنهاد قبول بشود بجهت اینکه یک شخصی ممکن است با اتومبیل حرکت کند البته این شخص مسافر معمولی است و زودتر از پست برسد پس ممکن است نوبت جات مردم را بگیرد ببرد باین جهت بود که قابل توجه نشد اما اگر مقصودشان این است که از یک شهری بشهر دیگری که دو راه داشته باشد از یک راهش پست دایر باشد و از راه دیگری پست موجود نباشد که از آن راه مردم بتوانند زودتر برسند

کرایه مون تبدیل مال در عرض راه با کلاوین یا با راه آهن و یا با سائلی که امپراتورها قبل از وضع این قانون داده شده مسافرت نمایند و حمل مسافرین و بنه آنها در طریق حالیه اراه رو نیستند و همچنین حمل مسافرین و بنه آنها بوسیله دستگاههای کرایه که بقوه حیوانی یا مکانیکی در شهرها و نقاط پر جمعیت و اطراف آنها حرکت و حمل مسافر مینمایند و مالیات را نیز میبرند

نایب رئیس - در فقره اول ماده سوم مخالفی هست ؟

محمد هاشم میرزا - لفظ (مالیات را میبرند) را توضیح بدهند مقصود چیست ...

نایب رئیس - آقایان از حضرت والا خواهش می کنند وقتیکه میخوانید نطق بفرمایند تشریف بیاورید بای ترتیبی که تمدن و یمن بشنوند

محمد هاشم میرزا - چون مطلب بنده خیلی واضح و مختصر بود محتاج آمدن بای ترتیبی ندانستم عرض کردم آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود از ادای مالیات مالیات نوافلی است یا یک مالیات علییده است

معاون وزارت پست و تلگراف - در شور اول دستگاههای کرایه در ضمن قانون میشود بعضی از آقایان تقاضا کردند در اینجا ذکر شود وقتیکه خواستیم در اینجا ضمیمه کنیم برای اینکه تشخیص بدیم که دستگاه کرایه چه قسم خواهد بود این بود که نوشتم دستگاههایی که مالیات میدهند و مقصود همان مالیات نوافلی است یعنی وقتیکه بخواهند تشخیص بدهند که این دستگاه کرایه است یا بنده از اداره نوافل سؤال کردند به بنده از آن دستگاه مالیات میگیرد یا نه وقتیکه این دستگاه مالیات میدهند کرایه است دستگاه کرایه از انحصار پست خارج است مقصود از کلمه مالیات امتیاز باین دستگاه کرایه و پستی است

نایب رئیس - در این فقره دیگر مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) فقره دوم قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

تالیماً - با آنها یا مراسلاتی که توسط بعضی ادارات عمومی حمل می شود تعیین شرائط و حدودش با دولت است

نایب رئیس - در این فقره هم گویا مخالفی نباشد فقره سوم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

مقتضای اینکند خاصه در صورتیکه اکثریت مجلس هم باینده موافق است .

معاون وزارت پست - فرمایشاتیکه آقا فرمودند از آنکه نقطه نظر خصوصی است و چند نقطه را میفرمایند که پست وجود ندارد بنده تصدیق میکنم اما باید ملاحظه کرد در اینجا قانون وضع میشود وقتی باشد در قانون استثناء پیدا شود تفکیک آن از برای دولت غیر ممکن است مقصودشان این است در وقت تقاضای که شتر دارو مکاری میبرد اشیا را حمل و مینماید این از دو قسم خارج نیست یا اینکه در دو طرف آن محل پستخانه هست یا نیست ملاحظه فرمودید در آن ماده که بعضی چیزها را از انحصار اداره پست خارج میکند یکی آنجائی است که پست طرفش یا در طرفش دفتر پست نباشد آنجا قانون بر مردم حق داده است که می توانند اشیا خودشان را حمل کنند بگنجه دیگر اینست که ممکن است از بکره مستقیم اداره پست منظمی باشد و از راه غیر مستقیم مکاری یا قاصد بتواند زودتر از پست برسد آنها هم از دو صورت خارج نیست یا آن محلی که بخواهند یک چیزی توسط اداره پست بفرستند یا یک جمعیت مدودی هستند یا اینکه یک نفر است و در سال بکمرته این اتفاق می افتد اگر مدودی هستند چنانچه در کمیسیون مذاکره شد حالا هم پیشنهاد کنید قبول داریم که هر وقت یکمده اشخاص بیاینده تقاضا کنند که از قفلان راه برای ما بهتر است که با کتای محمل شود اداره پست مکلف است فوراً در آن راه دفتر پست دایر کند پس خوب است حالا که خیلی اصرار دارند یک همچو چیزی در این قانون نوشته شود بملاوه راجع باین قسمت که میفرمایند بنده یک توضیح دیگری میدهم و آن اینست که اداره پست چنانچه ملاحظه میفرمایند اگر در همه جا دفتر پست بگذارند یک ضرر فوق العاده برای دولت تولید میشود برای دولت فایده نمیکند مثلاً فرض فرمایند گیلان و طبرستان که پست منظمی دارد اگر مثلاً مثل سابق بود و حمل و نقل کاری نبود ممکن بود یک قاصدی پیدا شود و از پشت کوه پست را زودتر برساند البته آن آدم برای سهولت اینکار را نمیکند برای حقوقی کمی گیرد این کار را نمیکند اگر این ترتیب را مستثنی کنید به بنیید چند برای دولت ضرر دارد پس عرض کنم قانون را نباید از برای یک همچو اتفاقی ضایع کرد ممکن است اداره پست را مکلف کرد که از آن طرفیکه سهولت است وسائل پست را فراهم نماید چنانچه مثل زدند که از سبزوار بقلان نقطه یک راهی هست که بتواند زودتر برساند بنده هم تصدیق دارم و عرض میکنم ممکن است یکماده اضافه کنیم که هر وقت تقاضا کردند اداره مکلف باشد در آن راه پست دایر کند اگر راه کوهستان باشد یا قاصد بفرستند اگر عرابه رواست عرابه بگذارند اگر اسب روان است با اسب حرکت بدهد پس بهتر اینست که یک همچو چیزی در این قانون بنویسند و قانون را ضایع نکنند.

نایب رئیس - دوسه فقره پیشنهاد شده است که این ماده بماند برای جلسه دیگر تا تکلیف ماده قبل که از راجع بکمیسیون شده است معلوم شود . یک پیشنهادی از آقای مؤیدالاسلام است و یکی دیگر از طرف آقای عدل الملک .

(پیشنهاد مؤیدالاسلام)
این بنده پیشنهاد میکنم که رای در این ماده موکول بجلسه آتی شود تاخیر از کمیسیون برسد راجع به پیشنهاد آقای مدرس .

(پیشنهاد عدل الملک)
بنده پیشنهاد میکنم که رای گرفتن بفصل سوم تا گذشتن فقره نالت فصل دوم بتأخیر نیفتد .

نایب رئیس - مفادش یکی است آقای عدل الملک فرمایشی دارید ؟

عدل الملک - مقصودم تأخیر برای استنادهایکه در جلسه دیگر خوانده شود .

نایب رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای عدل الملک آقایانی که متضی میدانند که این ماده بماند تا اینکه آن ماده بگذرد قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد چون دستور امروز همین شب هم دستور این کاری است که باید امروز بشود مشغول تعیین شب می شویم تا اینکه قبل از ظهر هم شب منتهی شود و هیئت و بیست و شش نفر معلوم کنند و راپورت بدهند .

(در این موقع شروع به تجدید شعباتش گانه گردید و آقایان مقصد ذیل بحکم قرعه تعیین شدند)

شعب اول - آقا شیخ محمد جواد - آقا میرزا محمد نجات - نظام السلطان - حاج شیخ یوسف - عدل الملک - مدحت السلطنه - آقا شیخ محمد حسن گروس - آقا شیخ محمد حسین خوانساری - میرزا سلیمان خان - حاج هزالمالک - سلیمان میرزا - آقا سیدامان الله - میرزا قاسم خان .

شعبه دوم - صدر المالک - وحیدالملک - حاج میرزا حسینخان - آقا سید محمد رضا مساوات - صدرالملک - آقا سید اسدالله چهار سوئی - دکتر حسینقلیخان اهراز السلطنه - آقا میرزا طاهر - آقا سید فاضل آقا شیخ یحیی - مناصر السلطان - سردار سعید شعبه سوم - حاج سید اسدالله قزوینی - وفار السلطنه حاج شیخ محمد حسین استرآبادی - آقا سید حسین کزازی - سردار معظم خراسانی - خان بابا خان - مبصرالملک - امیر مؤید - مؤیدالاسلام - عمادالسلطنه حاج شیخ محمد حسن یزدی - سردار منظم کردستانی شعبه چهارم - ملک الشرا - مرآت السلطان - نجفقلی میرزا - معذل الدوله - حاج شیخ اسمعیل - ارباب کبیسرو - آقا شیخ حبیب الله - سردار معتمد - آصف الممالک - حاج شیخ اسدالله - مشار الدوله - حاج میرزا حسین کرمانشاهانی .

شعبه پنجم - حاج سهم الملک - مؤتمن الملک - معتمد السلطنه - حاج آقا حسن شریعتدار - ناصرالاسلام حاج معین التجار - حاج فضلعلی آقا - میرزا اسدالله خان - دکتر ترکان - میرزا محمد علی خان - آقا سید رضا فیروزآبادی - آقای مدرس .

شعبه ششم - میرزا طاهر تنکابنی - حاج امام جمعه - محمد هاشم میرزا - آقا میرزا هاشم آشتیانی سلطان العلماء - ملک التجار - بوشهری - شیخ الملک - آقا شیخ محمد نجی - شریف العلماء - حاج میرزا هاشم رضا - طباطبائی - حاج مهذب الدوله .

نایب رئیس - آقایان از هر شعبه یک نفر بجهت

کمیسیون مبتکرات و یک نفر برای عضویت کمیسیون عریض باید معین نمایند .

یک پیشنهادی یکی از آقایان کرده اند و اجماع باینکه جلسات چهار ساعت قبل از ظهر منتهی و یک ساعت قبل از ظهر ختم شود ولی چون عده کافی نیست در جلسه دیگر رای میکنیم .

دستور جلسه آتی شور در بقیه قانون تشکیلات مالمه و قانون اساسی خواهد بود .

(مجلس تقریباً نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۵
صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۷
مجلس در ساعت وربع قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۹ قرائت گردید .

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه سردار معتمد .

با اجازه - آقایان وفار السلطنه - طباطبائی ارباب کبیسرو .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز قانون تشکیلات مالمه و قانون یستی است شروع میکنیم بقانون تشکیلات مالمه .

(ماده الحاقیه بعد از ماده ۴ بمضمون ذیل قرائت گردید)

انفصال رؤسای ادارات مذکوره در ماده چهارم بر حسب پیشنهاد وزیر مالمه و تصویب هیئت وزراء خواهد بود .

رئیس - در این ماده چنانچه قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میکنیم باین ماده الحاقیه آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه بعد از ماده ششم قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

انفصال رؤسای دوائر ادارات مذکوره در ماده اول به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی است

رئیس - در این مخالفی نیست (اظهاری نشد) ایرادی نیست رای میکنیم باین ماده الحاقیه آقایانی که تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۷ و ۴۸ که مبدل بیک ماده شده قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

اگر کمیسیون در ضمن اجراء وظایف خود نقض در اجراء قوانین و نظامنامه های راجع بمالمه مشاهده کند یا تقابل و خیانتی ببیند مراتب را بوزیر مالمه راپورت بدهد .

رئیس - در این ماده هم گویا ایرادی نیست رای میکنیم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .

غالب نمایانگان قیام نمودند و ماده الحاقیه بعد از ماده ۶۸ بمضمون ذیل قرائت گردید

رؤسای دوائر و شعب ادارات مالمه ولایات

بر حسب پیشنهاد خزانه دار کلی و حکم وزارتی معین میشوند .

مدرس - در شور دوم یک پیشنهادی کردم و قابل توجه شد و آن این بود روسای جزه ایالات و ولایات بر حسب پیشنهاد رئیس متبوع خود تصویب وزیر معین میشوند بنیام جهت و حکمت و فلسفه چه بود است که کمیسیون تغییر داده است و آن پیشنهاد را قابل توجه قرار نداده است خوب است توضیح بدهند .

سردار معظم مخبر - جهانبیکه کمیسیون ماده را باینطور تصویب کرد باین ملاحظه بود که شاید گفته شود در تعیین روسا عجزه باید نظر ادارات مرکزی مربوط با آنها را مدنظر بدهند مثلاً محاسب از طرف اداره محاسبات مرکزی معین می شود باین مأمور از طرف بانک اداره دیگر دیدیم اگر این طور باشد اسباب اشکال می شود و از طرف دیگر ممکن بود گفته شود که تعیین تمام آنها بنظر بیشکاران و امانه مالمه که زیر دست آنها کار می کنند و گذار شود این هم صحیح نبود بجهت اینست که آنکس که از طرف وزارت مالمه مأمور می شود بیشکاریا معین مالمه نمی تواند اینکار را بکند و او را تغییر بدهد اگر این اختیار به آنها داده میشود شاید یک زحمت دیگری تولید میشد این بود که همانطور که در تعیین بیشکاران و امانه مالمه نظر خزانه دار و پیشنهاد او را شرط کردیم تصویب شد و گفتیم در انتخاب اجزاء و اعضاء علاوه بر نظر وزیر یک اداره هم باید شرط باشد و اینجا هم فکر کردیم اداره دیگری که صلاحیت این کار را داشته باشد بهتر از خزانه بماند کردیم

حاج شیخ اسدالله - این توضیحی که آقای مخبر دادند مخالفت دارد با آن چیزی که در همین ماده گذشته تصویب کردیم اگر این نظر در کمیسیون بود راجع بر رؤسای دوائر مرکزی هم که تعیین آنها به پیشنهاد رئیس آن اداره و تصویب وزیر است و در موقع انفصالشان هم همین طور است خوب بود این نظر را ملحوظ میدانند و اگر میفرمایند اختیار را کلیتاً صلاح شود بر رئیس اداره تفویض کرد این نظر را خوب بود در همان رؤسای دوائر ادارات مرکزی هم منوطه میداشتند بعد از اینکه یک نفر رئیس اداره مشغول یک امری شد باید نظر در تعیین رؤسای جزه و اجزاء داشته باشد زیرا که آنها باید با موافقت نظر رئیس آن اداره کار کنند و اگر هر آینه یک مسئولیتی بیک نفر رئیس مالمه یا بیشکار مالمه فارغ داده شود آنوقت در تعیین مأمورین جزه و رؤسای دیگری که از برای دوائرش لازم است نظر نداشته باشد ممکن است آن رئیس یا بیشکار هر چه شکایت بکنند کسی حرف او را گوش نهد در اینجا فقط عزل و نصب را به نظر خزانه داری واگذار کرده اند و هیچ تصویبی از وزیر و غیره ملحوظ نشده است فقط به پیشنهاد خزانه داری واگذار شده که هر کس را خزانه دار پیشنهاد کرده وزیر مجبور است بپذیرد آنوقت ممکن است در موقع عمل اختلافی بین رئیس یک اداره یا بیشکار یا مأمورین جزه واقع شود در این صورت رفع اشکال بچه می شود اگر رئیس اداره یا بیشکار تقاضای انفصال او را بکنند خزانه دار رای نمی دهد و هر چه شکایت می کند معین توجه

او واقع نمیشود آیا در اینصورت این رئیس میتواند این مسئولیت را بعهده بگیرد؟ خیر مجبور است یا بکلی استعفا بدهد خیر نمیشود بعد از آنکه مسئولیت یک محلی را بیک نفر دادند البته باید در تعیین اجزاء نظر آن رئیس ملحوظ شود همچنانکه درم گزارشین نظر ملحوظ شده است راجع بولایات هم باید ملحوظ شود بنده عقیده ام این است اگر مطابق پیشنهادی که سابق شده بود نوشته شود بر حسب پیشنهاد رئیس متبوع خود و حکم وزارتی برقرار میشوند بهتر از این ترتیبی است که اینجا نوشته شده است و جمعی هم تقاضا کرده ام که بر همان طریق که سابق پیشنهاد شده است همانطور نوشته شود

معدل الدوله - مسلم است ترتیب استخدام اعضاء مالمه موافق یک ماده گذر شد بطور وضوح در یک نظامنامه معین خواهد شد و آنچه لازم بود در این قانون توضیح شود اصول مطالب بود اینست که نوشته شده تعیین اعضاء و روسای جزه بر حسب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی باشد برای آن کسانی است که در اینجا هستند و در تحت نظر مستقیم وزیر هستند اما از برای ایالات و ولایات بعضی نظرشان این بود که بیشکار مالمه پیشنهاد کند و بحکم وزارتی تصویب شوند ولی در اینجا بیکمطلب دیگر هست و آن اینست که چون ایالات و ولایات از مرکز دورند امانه و روسای مالمه ولایات ممکن است دسته بندی کنند و اشخاصی را انتخاب کنند که ضروری برای دولت تولید شود بنده هیچ نظر ندارم که اسباب شکایت مردم بشوند بجهت اینکه در این قانون تمام مطالب پیش بینی شده است و امیدوارم این قانون اگر خوب اجرا شود بهیچوجه مردم ظلم نشود که شکایت کنند در اینجا نظریه ترتیب اداری وحیف و میل مالمه دولت است بجهت اینکه ممکن است بعضی باهم بسازند و اگر یک کسی با آنها مخالفت کند فوراً تقاضای عزل او را بکنند و آنجا هم کسی نیست که عملیات آنها را ببیند لهذا در این مورد پیشنهاد خزانه داری را شرط کردیم و تصویب وزیر را قید کردیم که بحکم وزیر تعیین و منفصل شوند و در صورتیکه خزانه داری از عهده بر نیامد یا خیانتی بکند میتوانیم او را منفصل کنیم بجهت اینکه قانون تصریح میکند که رؤسای ادارات ممکن است مزول شوند پس موضوع ندارد که ما در تعیین اجزاء جزه مثلاً یک نفر محاسب آقا قدرت بکنیم ولی چون باید مطابق ترتیب اداری وزیر نظر داشته باشد و از اجزاء و اشخاص مرکز آگاه باشد مقرر کردیم انفصال آنها و همانطور برقراریشان بآن ترتیب باشد اما اگر بیشکار مالمه بخواهد یکی از اجزایش را که کار بدی کرده است منفصل بکنند باید به نظر خزانه داری واگذار کند که او ملاحظه بکند و سابقه او را ببیند تا اینکه او منفصل شود بنده تصور نمی کردم که هیچ اشکالی در این مورد به خصوص باشد برای اینکه بیشکاران و امانه مالمه در واقع در تحت نظر خزانه داری خواهند بود و آنها نمی توانند اجزا جزه خود را معین کنند زیرا در ردیف روسای ادارات مرکزی نیستند ولیکن روسای ادارات مرکزی از قبیل رئیس تشعیش هایدات یا اداره محاسبات یا معاکمات در ردیف خزانه دار هستند و چون

در ردیف او هستند میتواند اجزاء خودشان را معین کنند اما روسای جزه خودشان بشخصه نمی توانند رئیس یک شعبه را معین کنند باید رئیس کل خودشان آنها را معین کنند

مدرس - آن عرضی را که بنده داشتم بیان فرمودند عرض میکنم یک پیشکار مالمه را که بفارس میفرستند این اداراتی که در تحت قدرت است مثلاً اداره تحدید یا اداره محاسبات یا مأمورینی که بقصبات میفرستند مسئول آنها کیست اگر مسئول آنها بیشکار مالمه است باید پیشنهاد کنند در تعیین و انتضای هم او باشد ولی اگر مسئول او باشد و یک کسی دیگر نصب کند و یک کسی دیگر عزل کند این خیلی شایهت دارد به اینکه من یک نفری داشته باشم و یک کسی دیگر او را عزل و نصب کند اما نور من باشد این ممکن نیست مثلاً مأموری را که از فارس بیوشهر میفرستند نصب و عزل بدست دیگری باشد اما مسئولیتش با بیشکار مالمه فارس باشد لا اقل در تعیین و انفصال آنها حق پیشنهاد را باید داشته باشد یا اینکه ما اهل سر رشته نیستیم و کسی کتمان می کنیم ترتیب اداری این باشد اگر او نه در تعیین وقت در انفصال پیشنهاد نکند نمی دانم این چه ترتیبی است که نه در تعیین می تواند پیشنهاد کند و نه در انفصال پس آنها همه در عرض هدید بگرددند نه یکی در تحت قدرت دیگری لهذا بنده بر حسب ظاهر و ترتیب علمی و عملی چنین می فهمم که باید رئیس اداره پیشنهاد کند و وزیر تصویب کند .

حاج عز الممالک - نظر بنده این است که اگر حق به بیشکاران مالمه بدهیم که نسبت بر رؤسای دوائر جزه خودشان حق پیشنهاد کردن داشته باشند بکلی برخلاف ترتیب اداری است و مثل ترتیبات سابق است که یک حاکمی بیک ایالت یا ولایت میرفت تمام مأمورینی که دولت در آنجا داشت بواسطه تغییر آن حاکم تغییر می کردند و حاکم بعین خودش بعضی اشخاص را تعیین می کرد و همراه خود می برد و اساس بکلی بر هم می خورد ولی برای ترتیبات اداری ما باید خلاف این ترتیب را قائل شویم و بگوئیم اگر یک وقتی وزارت مالمه صلاح ببیند بیشکار مالمه فارس را عوض کند و بفرستد به آذربایجان دیگر محتاج نباشد که تمام اجزاء فارس را عوض کند و آنها که با او موافق هستند بروند آذربایجان این بکلی برخلاف ترتیب اداری است باید رؤسای دوائر جزه در مقام خودشان باقی باشند و اگر بیشکار مالمه دید یک خلاف و غلطی کرده اند آنوقت به مقامات مالمه راپورت می دهد و بوجوب دوسه می شود بآن ها اخطار کرد و حقوق آنرا کسر نمود یا منقضی شدن کرد اما نمی شود گفت بیشکار مالمه در تعیین رؤسای دوائر خودش بکلی مختار باشد این ترتیب بکلی استحکام اداره را بر هم می زند برای اینست که هیچ بیشکار مالمه با بودن این قانون پیشنهاد نمی کنند مگر اشخاصی را که آنها هستند پیشنهاد خواهد کرد بنابراین آن اشخاص بکلی متزلزل می شوند و خودشان را ثابت نمیدانند ولی بر عکس باید بدانند که آنها بدون تصدیق بواسطه تغییر بیشکار منفصل نمیشوند ...

ملا اگر وزارت ماله بنا بر یک مصلحی صلاح دانست پیشکار ماله را عوض کرد رئیس تعدید بداند که چون خطا نکرده همیشه بمأموریت خود ثابت خواهد بود.

اما اگر ما باعتبار پیشکار ماله قائل شویم متصل باید تمام مأمورین ماله تغییر و تبدل داد.

نظام السلطان - از یکطرف می فرمایند که مسئولیت یا پیشکار یا امین ماله است و از طرف دیگر می فرمایند پیشنهاد تعیین و انفعال رؤساء جزء از اختیار او خارج باشد مسئولیت یعنی چه اگر پیشکار ماله دید رئیس یکی از دواeer از عهده بر نیامد و بوظایف خود عمل نکرد این قدر باید حق داشته باشد که پیشنهاد کند او را تغییر بدهند و دیگری را بجای او معین کنند بملأه هر چه تصدیق هست ما نسبت بداخله خودمان می کنیم و می گوئیم ممکن است پیشکار ماله وسایر مأمورین با هم بسازند و هیچ نوع نظریات خارج را در نظر خود جلوه نمی دهیم از اینها گذشته در صورتی که یک امین ماله با داشتن مسئولیت بیک ولایتی میرود چه ضرر دارد که آن مأمورین جزء هم در تحت نظر خودش باشند اگر امین ماله آدم خوبی باشد چه عیب دارد که مأمورین جزء را خود او تعیین کند و اگر آدم خائن باشد برای چه او را میفرستند بنده گمان می کنم این پیشنهادی که شده است معسر نخواهد بود و ترتیبات اداری را هم بر هم نخواهد زد.

مخبر - اگر چه خود بنده عقیدتاً با این ماده موافق نیستم ولی مخالفتم با آن نظری است که آقا فرمودند بلکه این ماده را هم زیادی میدانستم و عقیده ام این است که در قانون نباید مسائل جزئی را متعرض شد و در قانون باید اصول را قید کنیم و جزئیات را در نظامنامه ها تعیین کنیم ولی حالا که در کمیسیون تصویب شده است که این مطالب باید در قانون شود مجبوراً نظر کمیسیون دفاع کم بعضی از آقایان میفرمایند رؤسای دواeer و شعب ادارات ماله و ولایات باید بر حسب پیشنهاد ادارات مربوطه باشد و در تحت کله (ادارات مربوطه) شاید بعضی ما پیشکاران مسالیه را تصور نفرمایند و بعضی ادارات دیگر را در اینصورت شاید بعضی ادارات مربوطه ادارات مرکزی را تصور فرمایند و بگویند معاسب اداره محاسبات و مأمور دیگر را اداره دیگر معین کند و این ترتیب البته صحیح نیست آنوقت نظرات منحصر میشود به پیشنهاد خزانه دار یا پیشنهاد پیشکار و اینها ماله وقتی که متصور پیشنهاد باشد یعنی تعیین آنها باید بر حسب پیشنهاد یک رئیس باشد بقیه بنده بهتر و منطقی تر این است که به پیشنهاد خزانه دار باشد چنانکه ملاحظه میفرمایند در ماده ۶۷ میگوید ریاست ماله هر یک از ایالات و ولایات بر عهده یک پیشکار یا امین ماله است و در ماده دیگر راجع بطرز تعیین خود پیشکاران و امین ماله ذکر میکند که بر حسب پیشنهاد خزانه دار و حکم وزارتی یا فرمان هدایتی تعیین می شوند حالا من هیچ ضرری نمی بینم که در عوض اینکه رؤسای جزء این پیشنهاد را بکنند رئیس کل که خود خزانه دار است پیشنهاد کند و نمی شود گفت که اگر پیشکار ماله آدم امین صدیقی است پیشنهاد غلط نخواهد کرد و اگر آدم خائن است پس چرا او را میفرستند زیرا ممکن است

نه آنقدر بد باشد که از روی فرض سکار کند و نه آن قدر خوب باشد که در تعیین اشخاص بکلی بیطرف بنامد و ممکن است یک آدمی هر قدر هم خوب باشد باز بکلی بی طرف نباشد و اگر ما تعیین اجزاء را پیشکار یا امین ماله را گذاریم شاید بعضی اشخاص را که روابطشان با وزیر است پیشنهاد می کند و این قانون حقیقتاً و یقیناً سلب حق پیشنهاد را از پیشکار ماله نکرده است ولی درجه آخر پیشنهاد را واگذار بخزانه دار کرده است و نکته آنست که خزانه دار چه ترتیب انتخاب خواهد کرد البته قبل از پیشنهاد کردن خودش از پیشکار ماله می پرسد یا خود آن پیشکار ماله پیشنهاد می کند که فلان شخص را برای فلان محل معین کنند اگر یک آدم صبیحی بود خزانه دار هم موافقت خواهد کرد و به وزیر ماله پیشنهاد خواهد کرد وزیر ماله هم نظریات خود را می کند اگر آدم خوبی بود تعیین میکند و اگر آدم بدی بود تعیین نخواهد کرد بملأه می بینم که هر چه مقامات بالا تر برویم می خواهیم اختیارات را کمتر کنیم و هر چه پائین تر می آییم می خواهیم اختیارات را زیاد تر نماییم مثلاً در موقعیکه راجع به اختیارات وزیر ماله صحبت می شد می گفتند این اختیار بوزیر نباید داده شود بالاخره تعیین رؤساء به اختیار او واگذار نشده اما حالا که پیشکار یا امین ماله رسیده اسم می گویند نباید اختیار تعیین اجزاء را داشته باشد چه ضرر دارد این اختیاری را پیشکار یا امین ماله می خواهند بدهند خزانه دار که رئیس بر آنها است داشته باشد.

رئیس - تذکرات در این باب کافی نیست (بعضی کافی و بعضی غیر کافی میدانستند) رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا نه آقایانیکه تصویب میکنند مذاکرات کافی است قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست.

حاج شیخ اسدالله - بعد از مذاکرات این مدت راجع باین قانون بنده هیچ تصور نمیکنم که یک ماده در اینجا نوشته شود و همچو اختیاراتی بخزانه داری داده شود آقای حاج هزالمالک میفرمایند که تعیین و انفعال باید مطابق تشریفات اداری باشد و بطرز قدیم نباشد در یک موقعی وقتیکه قانون گذار قانون وضع میکند باید یک فلسفه را در نظر بگیرد و کله آن قانون را مطابق آن فلسفه بسنجد آنوقت قانون وضع کنند اینک میفرمایند بطرز قدیم است بنده عرض میکنم بعد از اینکه پیشکار ماله بطرز قدیم نیست و طرز جدید است بملأه اگر کمیسیون این نظر را داشت و حال آنکه این نظر خیلی غلط است پس چرا در ادارات مرکزی این نظر را ملحوظ نداشتند معین الان که ماده قبل خوانده شد و رأی گرفته شد یعنی رؤسای مرکزی پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی بود پس بنا بر آنچه آقای حاج هزالمالک فرمودند باید تا رئیس معزول شد اداره منتحل شود و حال آنکه اینطور نیست بعد از اینکه رئیس اداره پیشنهاد کرد و وزیر حکم

داد بحال اداره خودش باقی است بلی اگر بکنند رئیس در یک اداره آمد و بکنند از رؤسای دواeer دید از عهده انجام وظایف خود بر نمی آید پیشنهاد کند و وزیر حکم میدهد او را منقصل کنند و این اسباب انحلال اداره می شود وقتی که پیشکار ماله فارس منقصل شد تمام رؤسای دواeer و شعب و اجزاء تغییر نمی کنند و اینکه آقای مخبر فرمودند و هر چه بالاتر میرویم اختیارات را محدود میکنیم هر چه پائین تر می آییم اختیارات را وسعت میدهیم این طور نیست عرض ما این بود که اختیارات قسمت شود و تمام اختیارات در یک نقطه مگر کزیت پیدا نکنند ولی دیگر نگفتند که رئیس یک اداره هیچ و چه نظر در اجزاء اداره خودش نداشته باشد که یک نفر رئیس اداره نسبت به اشخاصی که در اداره خود هستند و مسئول عمل آنها آن رئیس است نظر نداشته باشد و اگر رئیس اداره ببیند یک نفر از عهده انجام وظایف خود بر نمی آید باید بتواند تقاضا کند او را منقصل کند زیرا باید با آنها کار کند اقل باید بکنند رئیس اداره اقتدر اختیارات داشته باشد هیچ اختیاراتی داده نشده است و هیچ اختیاری از جانی کسر نشده است بلکه مطابق ترتیبات اداری این اختیارات باید و ترتیب اداره داشته باشد اگر نداشته باشد آن رئیس نمیتواند موقوف بانجام وظایف اداره خودش شود ولی در اینجا نوشته شده است اختیارات با خزانه داری است یعنی تصویب وزیر نیست و بجلس مشاوره عالی نمیرود و هیچ ملاحظه تفسیرات نمیشود پس اختیارات بخزانه دار را هیچ چیز محدود نکرده است و در همه جا خزانه دار را مختار کرده اند که در تعیین و انفعال رؤسای ماله و ولایات هر کس را میخواهند منصوب کند و هر کس را میخواهند معزول کند این غلط است و نتیجه اش این است که آن رئیس یا پیشکار یا امین ماله هر چه شکایت کند هیچ محل توجه نشود و آن در واقع اجازه باجزاء است که بر خلاف میل پیشکار یا امین ماله رفتار کند بنده عرض میکنم جلو غلط کاری را باید گرفت نه جلو صحت را و قانون که وضع میشود از برای این است که از غلط کاری جلوگیری کنند میفرمایند خزانه دار غلط کاری نمیکند بنده هم میگویم نمیکند ولی قانون را باید طوری وضع کرد که جلوگیری از غلط کاری هائی که ممکن است عقلاً پیش آید بکنند والا اگر بنا بود که ما میخواستیم این اشخاص همه قابل هستند و هیچ خیانتی از آنها بروز نخواهد کرد هیچ قانونی لازم نبود همین طور میفرستند مسئول کار میشدند پس این قانون برای این نوشته شده است که کلیه غلط کاری هائی که ممکن است عقلاً بشود بگیرد ممکن است خزانه دار بمأمورین جزء یک پیشکاریکه بر خلاف میل او داده او انتخاب شده است دستور العمل بدهد که بر خلاف دستور پیشکار ماله رفتار کند آنها هم مصمم میشوند مخالفت کنند آن وقت رئیس اداره هر چه دوستانه با آنها صحبت میکند گوش نمیدهند و اختیار هم با او هست که آنها را منقصل کند پس چه میتواند بکند غیر از اینکه استعفا بدهد بر کزیت بیاید و یک نفر به میل خزانه داری معین و انتخاب بشود این است نتیجه اینکه اختیار را بخزانه داری بدهیم حالا اگر میخواهیم داخل در فلسفه این مطلب بشویم و این نظر را تعقیب کنیم مجبور میشویم همان تذکرات جلسات

قبل و تجدید کنیم همین قدر عرض میکنم دیگر اختیارات را نباید بیک نفر خزانه دار بدهیم باید همایات این سه ساله ما را بکنند مرتبه کرده باشد **مخبر** - بعضی از نمایندگان محترم برای پیش بردن عقیده خودشان متوسل به عباراتی میشوند که بالاخره مخبر کمیسیون مجبور می شود تکذیب کند (دادن اختیار بخزانه دار) (وقایع سه ساله بدیغتی های گذشته) خیلی است که در تعیین رؤساء یعنی همان پیشکاران و امین ماله که سمت ریاست آن دواeer و شعب را دارند پیشنهاد خزانه داری کل را شرط میدانند اما وقتی که گفته میشود در تعیین رؤسای جزء نظر خزانه داری شرط باشد آن وقت گفته میشود اختیارات زیاد بخزانه داری داده اند میفرمایند باید ترتیبات اداری را منظور داشت بنده هم عرض میکنم البته باید ترتیبات اداری را منظور داشت ولی میخواهم بدانم آیا ترتیبات اداری اینست که پیشکار ماله یک کسی را بدون اطلاع خزانه دار پیشنهاد کند و وزیر حکم بدهد غیر اگر حقیقتاً میخواهند به ترتیب اداری رفتار کنند باید رؤسای دواeer و شعب جزء را خزانه دار پیشنهاد کند و وزیر حکم بدهد در اینصورت تمام اختیارات در یکجا جمع نشده و حکم وزیر ماله را شرط قرار دادند که می گوید پیشنهاد کردن دادن حکم قطعی است وقتی که حق پیشنهاد را بیک اداره دادید در واقع حق نظر بآن اداره داده اید ولی حق رد کردن را به وزیر ماله داده اید پس نمیشود گفت بجز اینیکه یک اداره پیشنهاد کرد وزیر ماله حتماً مجبور است حکم قطعی او را بدهد چنانکه گفته شد خزانه دار پیشنهاد میکند و وزیر ماله یا رد میکند یا قبول میکند اگر موافق باشد تصویب او را میگرداند و می کند این مطلب هیچو اهمیتی ندارد که ما میگوئیم بر حسب این ماده میخواستند اختیاراتی بخزانه دار بدهند چه ضرر شده است که در تعیین پیشکاران و امین ماله حق پیشنهاد بخزانه داری واگذار شده است ولی در تعیین رؤسای اداراتی که باید زیر دست آنها کار کنند این حق را ندارد اما اینکه رؤسای دواeer چون رؤسای دواeer مرکزی یک رئیس عالی تری ندارند لهذا مجبور شده اند که نظر همان رئیس مستقیم آنها را شرط قراردهند ولی رؤسای جزء ولایات دودرجه دارند باین جهت گفتیم درجه دوم خزانه داری است پیشنهاد کند و وزیر ماله حکم بدهد پس هیچ مقایرت نظری در تعیین رؤسای مرکزی و شعب ولایات نیست و از اینکه تصور میکنید اشتباه است اما اینکه در اینجا مکرر گفته میشود پیشکاران ماله مسئول ماله فلان محل هستند در کجا این قانون نوشته شده است که پیشکاران ماله مسئول ماله فلان محل هستند محلی هستند حکمی است و امین ماله مسئول ماله فلان محل هستند حکمی است بلی اگر مطابق ترتیب اداری تصور کرده بود وزیر ماله تصویب میکند و ترتیب اداری محفوظ خواهد بود بدالایت والئی اگر این ماده در این قانون میشود خیلی خوب بود لیکن حالا که هست گمان میکنم علاوه بر اینکه ظاهر عبارت این است که بر حسب پیشنهاد خزانه داری و حکم وزارتی است معلوم میشود که وزیر باید قهرماً تصویب کند و حکم بدهد یعنی هروقت آن پیشنهاد بوزیر رسیده البته حکم آنرا بدهد و آن بیانی که آقای مخبر فرمودند از این عبارت مستفاد نمیشود لهذا اگر مذاکرات

پیشکار یا امین ماله محدود میشود بعد از اداری بالاخره برای اینکه آقای حاج شیخ اسدالله بهتر تصدیق کنند مجبور از ماده خارج شوم و داخل عدلیه بشوم و یک متلی عرض کنم.

مثلاً مسئول عدلیه فلان ایالت رئیس محکمه استیفاء است پس باید تمام اجزاء عدلیه بنظر و پیشنهاد رئیس محکمه استیفاء و حکم وزارتی تعیین شوند آیا این صحیح است؟

البته همه تصدیق خواهند فرمود که صحیح نیست رئیس محکمه استیفاء نباید در محکمه بدایت نظر داشته باشد همانطوریکه رئیس استیفاء را معین می کند رئیس بدایت را همانطور معین میکنند و این دو مطلب هیچ مربوط هم نیست که بگوئیم او یک سمت عالی تری دارد و مسئول قوه قضائیه فلان محل است و باید نظرش در تعیین اجزاء شرط باشد غیر آن آدم در حدود مقرر قانون یک حکومتی دارد فلان مأمور هم در مقابل قانون همان مسئولیت را دارد و دفتر دار فلان محکمه هم کار خود را دارد پس در حدود مقرر قانون مسئولیت در تعیین رئیس محکمه بدایت نباید نظر رئیس استیفاء را شرط بدانیم و باید بگوئیم همانطوریکه رئیس محکمه استیفاء معین میشود رئیس فلان اداره هم معین میشود مثلاً همان طوریکه پیشکار ماله فارس معین میشود رئیس فلان اداره هم که زیر دست او کار میکند باید معین شود یعنی همان طوریکه پیشکار بر حسب پیشنهاد خزانه معین میشود رئیس دواeer جزء آنها هم بر حسب پیشنهاد او معین میشود چطور شد این نکات را در عدلیه نمیتوانیم ملاحظه کنیم ولی در اینجا باید ملاحظه کنیم.

مخبر - مسئله خیلی طول کشید بنده فرمایش آقای مخبر را که فرمودند خوب بود این مطلب که در این قانون نمی نوشته اند تقدیس میکنم لیکن حالا که نوشته اند خوب است بطور اداری بنویسند و این مقایسه که با معاکم عدلیه فرمودند خوب بود نسبت بدمی المومرو کلاهی عمومی میفرمودند مدعی المومر مثل پیشکار ماله است و رؤسای جزئی و کلاهی عمومی هستند یعنی آلت اجرای آن چندی هستند که او مسئول است بلکه پیشکار ماله مسئول ماله نیست لیکن مسئول ترتیب اداری هست اگر ادارات آنها بگذردی در تحت نظر آنها نباشند همانطور که عرض کردم بکلی بیورد است و در حقیقت این ترتیب همانطوریکه آقای حاج هزالمالک فرمودند مطابق ترتیب اداری است زیرا پیشنهاد کردن غیر از تصویب کردن است و بسا هست که پیشنهاد میکنند و زیر تصویب نمیکند بعد از آنکه وزیر تصویب نکرد البته عزل نمیشود و رئیس آن اداره بحال خودش باقی است بلی اگر مطابق ترتیب اداری تصور کرده بود وزیر ماله تصویب میکند و ترتیب اداری محفوظ خواهد بود بدالایت والئی اگر این ماده در این قانون میشود خیلی خوب بود لیکن حالا که هست گمان میکنم علاوه بر اینکه ظاهر عبارت این است که بر حسب پیشنهاد خزانه داری و حکم وزارتی است معلوم میشود که وزیر باید قهرماً تصویب کند و حکم بدهد یعنی هروقت آن پیشنهاد بوزیر رسیده البته حکم آنرا بدهد و آن بیانی که آقای مخبر فرمودند از این عبارت مستفاد نمیشود لهذا اگر مذاکرات

را کافی دانستند آن پیشنهادیکه در آن دفعه قابل توجه دانستند قبول کنند.

رئیس - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای مدرس را میگویند دواeer اول قابل توجه شده است بنظر بنده لازم نیست در قابل توجه بودنش رأی بگیریم پیشنهاد قرائت میشود و رأی میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که بعد از ماده ۶۸ این ماده الحاق شود.

رؤسای جزء ایالت و ولایات به پیشنهاد رئیس متبوع خود تصویب وزیر ماله معین میشود.

رئیس - میفرمایند قابل توجه شده است؟

مخبر - بلی.

مخبر - گمان نمی کنم رأی گرفته شده باشد گویا پیشنهاد کردند و بنده قبول نکردم رجوع به کمیسیون شود.

رئیس - بسیار خوب حالا توضیح میدهند بعد رأی میگیریم.

مخبر - توضیح همان است که عرض کردم و ملأه بر آنچه عرض کردم دیگر عرض ندارم و بنظر بنده می آید که قابل توجه شد.

مخبر - بنظر بنده هم رأی گرفته نشد بنده تقاضا کردم که برود بکمیسیون حالا مختارید اگر بصورت مجلس مراجعه فرمایند معلوم می شود حاج هزالمالک این پیشنهاد بنظر بنده مبهم است خوب بود آقایان پیشنهاد کنند بالاخره عقیده واقعی خودشان را تصریح میکنند زیرا میگویند رؤسای جزء ایالات و ولایات پیشنهاد رئیس متبوع خود و تصویب وزیر ماله تعیین شوند اگر ما امروز باین پیشنهاد رأی دادیم در روز دیگر مجبور خواهیم شد برای تغییرش مذاکره کنیم برای اینکه همانطور که آقای سردار معظم فرمودند شاید رئیس محاسبات بگوید حتماً باید فلان مأمور پیشنهاد من باشد خزانه دار میگوید باید تصویب من باشد و اداره تشخیص عایدات می گوید همانطوریکه سابق معمول بوده است و بکنند مستوفی برای تشخیص می فرستادند حالا هم من باید بفرستم بالاخره پیشکار ماله می گوید رئیس متبوع همه اینها من هستم و باید پیشنهاد من باشد پس برای دادن در این پیشنهاد امروز تولید یک اشکالی خواهیم کرد که بگوید بگوید باید تغییر کنیم اما چرا بنده اساساً مخالف هستم بعین اینکه با هم مر کزیت موافق هستم و اینکه وزیر ماله می فرمایند هم مر کزیت می شود برای اینکه ما قائل میشویم که در هر ایالت و ولایت یک سلطنت مستقله برای پیشکار ماله تشکیل دهیم که هر کس را بخواهد منصوب کند و هر کس را میخواهد معزول کند خوب است درست دقت بفرمایند آنوقت رأی بدهید بجهت اینکه معق است اگر این پیشنهاد قابل توجه شد هر نشان هم نباید همین طور باشد بالاخره تعیین و انفعال اعضا دواeer ماله پیشنهاد پیشکار ماله خواهد بود پس بر حسب این رأی که در مجلس داده می شود حقا و قانوناً هر پیشکار ماله که برای هر ایالت معین میشوند حق خواهد داشت که برای رؤسای جزء خودش اشخاص جدیدی بخواهد و همراه خود به برد و این مسئله بکلی ترتیب اداری را بر هم میزند آقایان وقتی راجع پیشنهاد پیشکاران ماله مذاکره میشود تغییر می کنند و